

نقطہ سیاہ

فریدون فریور

نقطه سیاه

نوشته
فریدون فریور



تهران ۱۳۷۰



نویسنده: فریدون فریود

نام کتاب: نقطه سیاه

امور فنی: واحد کامپیوتر انتشارات حکیم نظامی

ویراستار: فرشید فریود

لیتوگرافی: تهران گراور

چاپخانه: بهرام

ویرایش: اول

چاپ: اول ۱۳۲۵

نوم ۱۳۷۰

تیراژ: ۵۰۰۰ نسخه

بسم الله نگاری: علیرضا باشکندی

تهران

حق چاپ محفوظ است.

تهران، تهران نو، خیابان نظامی، شماره ۲۱، کد پستی ۱۷۴۳۶ تلفن: ۷۴۱۱۳۷۶

درباره مؤلف



فردون فریور، مؤلف کتاب نقطه سیاه

فردون فریور به سال ۱۳۰۳ در تبریز متولد و دوره تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاه و محضر پدر گذرانیده و سپس تحصیلات خود را در دانشکده حقوق، دانشگاه تهران به پایان رسانیده.

ایشان از ۱۳ سالگی دانش مانیه تیزم، هیپنوتیزم و تلقین را در محضر پدر (عبداله زاده فریور) فرا گرفته و در این علم تاکنون تحقیقات و مطالعاتی انجام داده که در این رابطه تاکنون کتاب نقطه سیاه (۱۳۲۵) و هیپنوتیزم و تلقین (۱۳۳۹) را منتشر نموده است.

حال نیز تحقیقات و مطالعات خود را ادامه داده و در آینده نزدیک یادداشت‌های خود را به شکل کتابی جدید منتشر خواهد کرد.

یادداشت

انتشار مجدد کتاب نقطه سیاه با گذشت بیش از ۴۵ سال از چاپ نخست آن به تقاضا و یاری دوستان اکنون در دسترس شما قرار می گیرد و این سطور شاید بهانه ای برای درد دلی دوستانه با شما پویندگان و صاحب نظران باشد.

دوستان عزیز تاریخ علم و دانش کشور ما به یقین یکی از پویاترین مثالهای جامعه بشری در جهان است و مطمئناً بدون هیچ گونه اشاره ای به این مطلب شما خواننده عزیز خود معترف به این اصل می باشید و در این کوتاه سخن نیز جای تاریخ نگاری نیست، ولی اکنون زمانی را سپری می کنیم که بیم از دست دادن هویت ما، از هر لحاظ، چهره کریه خود را نشان می دهد، روی سخن ما بخصوص با شما شیفتگان این دانش که یکی از شاخه های علم روانشناسی است می باشد؛ دوستان تنها با مراجعه به کتب مختلف نشر یافته در ایران در این زمینه بخصوص، متوجه می شوید که حجم کتاهای برگردان به فارسی به نسبت تالیفات نویسندگان این مرز و بوم دارای وزن و مرقعیت خاصی است و اکنون جا دارد که حداقل از خود و نه از دیگران بپرسیم که چرا؟.

چرا بعضی از مترجمین محترم ما حداقل اگر رسالتی در کار خود می بینند، به تاریخ این علم و سیر آن در جهان توجهی نمی کنند؛ با مراجعه به هر کتاب مرجع لاتین زبان و مطالعه آن، می توان دریافت که مهد این علوم را مشرق زمین و بخصوص ایران دانسته اند و چرا با توجه به مسائل فوق الذکر روشهایی سراپا غلط و شاید بهتر باشد بگوییم مضحک را در دسترس علاقمندان قرار می

دوستان در اینجا هدف تخطئه شخص، مرکز و یا حتی رسالتی آنچنانی نیست (روی سخن ما نیز با قلمی مترجمین و مولفین معتمد فی باشد)، بلکه ندای یاری رساندن به فرهنگ، علم و دانش این مرز و بوم است و ملتسمسانه خواهش آنکه بیایید تا دست در دست هم در اعتلای قلمی علوم و فنون که ما خود در گذشته ای نه چندان دور قطب آن محسوب می گردیدیم بکوشیم، که مطمئناً همان گونه که تاریخ چندین هزار ساله ما گواه است شاهد موفقیت های بی شماری در قلمی رشته ها خواهیم بود.

در پایان ضمن تشکر از دوستانی که متأسفانه اسمی از آنها در این کتاب برده نشده و یاری رسان ما در ویرایش نخست این کتاب بوده اند، تذکراتی لازم در جهت یاری رساندن به شما خوانندگان عزیز در مطالعه این کتاب شده است.

چاپ دوم این کتاب، با اضافاتی لازم ولی نه بمعنای کامل همراه است، سعی شده در متن اصلی کتاب هر گاه شما خواننده عزیز با لغتی کمتر آشنا (البته از دید ما) برخورد کردید با اصل لاتین، در پانویس همان صفحه همراه باشد و حتی در مواردی هم که به سند معتبری در این مورد برخورد نشده به آوانگاری فارسی پسند، تا حداقل از نظر تلفظ برای خوانندگان مشکلی نباشد.

در پایان متن به ترتیب یادداشت هایی مرتبط با متن اصلی در مورد لغات و اسامی که توضیحی در کتاب در مورد آنها داده نشده تهیه گردیده است، پس از آن نیز واژه نامه ای با بیش از یکصد و پنجاه درآمد فارسی، لغات مرتبط با متن را همراه با معادل آن به دو زبان انگلیسی و فرانسه ارائه می دهد که در پایان این واژه نامه نیز فهرست راهنمایی جهت واژه های انگلیسی و فرانسه به تنهایی تهیه شده است تا، با مراجعه به شماره روبروی ماده وارده مورد نظر و رجوع به واژه نامه اصلی، کمکی جهت درک بهتر معانی لغات برای خوانندگان عزیز بشود و سپس نیز فهرست راهنمای کتاب قرار گرفته که سعی در هر چه کاملتر بودن آن شده است، ولی ما خود بهتر از هر شخصی می دانیم که کاستی و کژی از ما بدور نبوده و پوزش خود را در اینجا از شما خواننده علاقمند و نکته منج خواستاریم و با

روی گشاده منتظر پیشنهادات سازنده و با هر نکته و سوالی در این رابطه از
سوی شما دوستان عزیز هستیم، در ضمن لازم به گفتن است، که مسئولیت هر
گونه اشتباه و کاستی به جانب ما بوده و خود معترف به آن هستیم.
سخن را کوتاه کرده و منتظر دریافت نامه ها و تماسهای تلفنی شما با این
مرکز هستیم تا جوابگوی سوالات و مشکلات شما در این رابطه باشیم.
نشانی ما:

تهران، تهران نو، خیابان نظامی، انتشارات حکیم نظامی، پلاک ۲۱، کد

پستی ۱۷۴۳۶

تلفن ۷۴۱۱۳۷۶

با تشکر واحد فنی

فرشید فریور

۷۰/۹/۱۶

IX

پیادافست

پیشگفتار

کتاب (نقطه سیاه) در اثر تشویق علاقه مندان، پس از سالها برای بار دوم تجدید چاپ شد، نکته قابل ذکر در این چاپ اینک، نواقص چاپ اول تا حد امکان رفع گردیده است.

این کتاب رساله ای است، در باب نیروهای معنوی و قدرتهای مغناطیسی که، مانیه تیزم را از تلقین و هیپنوتیزم افضل تر معرفی میکند، زیرا آرامشی که بعد از خواب مصنوعی بوسیله مانیه تیزم در معمول یا بهمار ایجاد می گردد در تلقین و هیپنوتیزم وجود ندارد، عبارت دیگر این در، وسیله ای در دانش مغناطیس شخصی محسوب می شوند و بهمین جهت از روش مانیه تیزم، در خودشناسی و خودسازی، تداوی روحی و ایمان درمانی می توان استفاده کامل برد.

در پایان، هدف ما تنها مفید بودن و نیت خیر در انجام رفتارها و برخوردهای اجتماعی بشر است که، در لباس شخصیت انسانی خود را نمایش میدهد و انجام قرینات گوناگون در مانیه تیزم رکن اساسی در ایجاد این شخصیت میباشد.

فریدون فرهود

۷۰/۶/۲۰

فهرست مطالب

V.....	درباره مولف
VII _ IX.....	یادداشت
XI.....	پیشگفتار
XV _ XVI.....	مقدمه
	فصل اول
۱ - ۳.....	تاریخچه
	فصل دوم
۵ - ۱۵.....	اسپیریتیزم
	فصل سوم
۱۷ - ۲۵.....	هیپنوتیزم
	فصل چهارم
۲۷ - ۲۹.....	خوابهای القایی
	فصل پنجم
۳۱ - ۳۴.....	مانیه تیزم
	فصل ششم
۳۷ - ۵۰.....	خوابهای مرکب
	فصل هفتم
۵۱ - ۶۳.....	دستورات خواب

فصل هشتم

۶۵ - ۷۲..... خوابهای مختلف در مانیه تیزم

فصل نهم

۷۵ - ۸۲..... غیبگویی، روشن بینی، پیشگویی

فصل دهم

۸۵ - ۸۷..... نتیجه

۸۹ - ۹۵..... یادداشت‌های توضیحی

۹۷ - ۱۰۹..... واژه نامه فارسی، انگلیسی، فرانسه

۱۱۱ - ۱۱۳..... فهرست راهنمای واژه های انگلیسی

۱۱۵ - ۱۱۷..... فهرست راهنمای واژه های فرانسه

۱۱۹ - ۱۲۹..... فهرست راهنما

مقدمه

ای نسخه اسرار الهی که تویی
وی اینسه جمال شامی که تویی
بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست
از خود بطلب هر آنچه خواهی که تویی

روح برای زمان کوتاهی در این کالبد دمیده و توسط حواسی که خداوند دانا و توانا ارزانی داشته می تواند با عالم خارج ارتباط حاصل نماید، هر چیزی را که مشاهده و حس می کنیم در نتیجه استعداد این حواس بوده، که حدود معینی را داراست و گرنه چیزهاییکه ما حس و درک می نمودیم خارج از حدود و حساب بود، در صورتیکه آفریدگار در این جهان چیزهایی بوجود آورده است که نامتناهی بوده و ادراک آن با این حواس ناقص، غیر ممکن و بلکه تخیل آنها نیز مشکل است.

اگر چند سال قبل راجع به اتم و نیروی آن سخنی بمیان می آمد کسی باور نکرده و آن را چیزی موهوم می پنداشت اما امروز در نتیجه بالا رفتن فکر بشر این موهوم و خیال محال جامه حقیقت به تن پوشیده و جهانی را به خود متوجه ساخته است.

بشر موجود ضعیفی است و آن چیزی را که خارج از درک خود می داند انکار می نماید، البته انکار و اصرار در آن از لحاظ دین و عقل هر دو مردود می باشد، از طرف دیگر قوای بی پایانی در طبیعت موجود است که ما از درک آنها عاجزیم و در عین حال به عدم آنها هم نمی توانیم حکم قطعی دهیم.

مدتی است که در اروپا علمی کشف گردیده و دارای پیروان بیشماری شده است که امروزه نیز آنان می کوشند تا به جهانیان وجود نیروی اسرار آمیزی را ثابت نمایند؛ البته احتمال می رود که در زمانهای گذشته انسان در این علم به پیشرفتهایی نائل گردیده باشد که به مرور زمان به طریق تسامع از نسلی به نسلی

انتقال پیدا کرده است، شاید عده ای نیز فعلاً از همان معلوماتی که نسل به نسل یاد گرفته اند استفاده می کنند.

این علم را نخستین بار در اروپا به نام فنون مکتومه نامیده اند که **سحر بازی**، **هیپنوتیزم**^۱، **اسپیریتمیزم**^۲، **فقریزم**^۳ و **بالاخره مانیه تیزم**^۴ و غیره داخل در این فنون بوده و بین این همه شعب مختلف ارتباطی کم و بیش موجود است، ما سعی می کنیم که در این کتاب و کتابهای بعدی که به ترتیب چاپ خواهیم نمود اسرار فنون مکتومه را بطور ساده ای نگاشته و در دسترس خوانندگان گرامی بگذاریم زیرا ممکن است در آینده نزدیکی همین علوم و فنون مکتومه تحولات و انقلابات پر دهشتی را به وجود آورده و باعث تغییرات بزرگی در زندگانی بشر شود.

XVI

فریدون فرید

نقطه سیاه

1) Hypnotism
4) Magnetism

2) Spiritisme

3) Pauperism

تاریخچه

۱

دیر زمانی است که انسان در خود به وجود نیروی خارق العاده ای پی برده و از آن استفاده می کند، این نیروی معنوی هر چند که در نظر انسان اسرار آمیز می باشد، برعکس تصور، نیرویی است طبیعی و چون دیگر علوم، مبادی و قواعدی را داراست و به همین جهت هر کس می تواند آن را کسب نماید.

این قوای طبیعی از ابتدای ظهور تمدن بشری مورد توجه قرار گرفته و با دوران باستانی ملل مختلف جهان چون هندیان، مصریان، یونانیان و رومیان عجین بوده، ولی قبل از قرن نوزدهم میلادی این نیرو، و تحقیق در آن، مبحث روشن و جداگانه ای نداشت و پیش از این قرن به افسون، سحر، جادو و شوق نامیده شده.

در موزه بریتانیا ستونی است که در روی آن هیكل دو نفر را برجسته نقش کرده اند که علائم خواباندن در آنها دیده می شود؛ درباریان و کاهنین در کاخهای سلطنتی و معابد بیماران را به توسط این نیرو تداوی می کرده اند، از اواخر قرون وسطی تداوی روحی در نتیجه آزمایش های متعدد دانایان این فن پیشرفت کرده است در صورتیکه از قدیم الایام بشر اصول آنرا می دانسته و تمدن امروزی فقط آنرا در تحت قواعد مخصوصی در آورده است.

در قرن هفدهم میلادی دانشمندانی چند از انگلستان، فرانسه و آلمان

در این علم کوشیدند ولی متاسفانه جادوگران، چشم بندان و بالاخره کشیشان متعصب که آن زمان در اروپا حکم روایی داشتند مانع از پیشرفت آن شدند.

در سال ۱۷۷۴ میلادی فردریک آنتون مسمر^۱ که روش او را مسمریزم^۲ می نامند، رساله دکترای خود را راجع به موضوع و نظریه، نفوذ ستارگان در بدن انسان نوشت و در ۱۷۷۵ میلادی با فرهنگستانهای علمی جهان درباره این موضوع مکاتبه کرد که متاسفانه پیشنهادهای او رد گردید، فقط دو نفر از اعضای فرهنگستان باواریا^۳ به نظریه او روی موافقت نشان دادند آنهم به دلیل آنکه در وین طرفدارانی داشت، ولی متاسفانه پزشکان با این شخص موافقت نمی کردند و مانع پیشرفت مقاصد او می شدند تا اینکه بالاخره مجبور به ترك شهر وین شده و به پاریس رفت و در آنجا با سطلی که به سطل مسمر مشهور است شروع به معالجه بیماران نمود، در پاریس نیز مورد حملات سخت محافل علمی واقع گردید و بهمین جهت برای بررسی آزمایش های خود خواستگار کمیسیونی شد ولی متاسفانه اعضای آن بطور کلی از اشخاص مفسده جو و متمصب تشکیل شده بود و در نتیجه مسمر درحالی که طرفداران زیادی داشت پاریس را هم ترك نمود، بالاخره به اصرار دوستان و آشنایان و طرفداران خود بار دیگر به پاریس رفت ولی باز آنجا را ترك کرده و به آلمان رفت و در سال ۱۸۱۵ میلادی در شهر سالزبورگ در سن ۸۱ سالگی بدرود حیات گفت.

بعد از مسمر دانشمندانی چون پوی زگور^۴، فاریا^۵ و دلوژ^۶ در این علم کار کردند، در سال ۱۸۲۰ میلادی بارون دوپوته^۷ سرو صورت تازه ای به این علم داد و در سال ۱۸۳۷ میلادی دوپوتا^۸ تا می توانست این علم را از حقه بازی تفریق کرد و در سال ۱۸۴۵ میلادی بود که نخستین روزنامه در مورد علوم مغناطیسی منتشر شد.

1) Franz also Friedrich Anton Mesmer

3) Bavaria

6) De Leuse

4) Puysegur

7) Dupotet

2) Mesmerism

5) Faria

8) Dubray

در سال ۱۸۵۴ میلادی مولفورد^۹ با افکار جدید خود اساس تداوی روحی را پدید آورد بالاخره جیمز برید^{۱۰} طریقه هیپنوتیزم کردن و دکتر لیه بو^{۱۱} نتایج مفید تلقین و القا را کشف کردند.

شارکو^{۱۲} مؤسس مکتب صالپتریه^{۱۳} و برنهایم^{۱۴} بانی مکتب تانسی^{۱۵} در این علم تحقیقاتی کردند، شارلوریش^{۱۶} اراده را در این علم دخالت داد و آنتوان^{۱۷} در تداوی روحی اصولی که به نام خورد ایشان به آنتوانیسم^{۱۸} موسوم است بوجود آورد.

دورویل^{۱۹} و پسرانش، پرفسور مان^{۲۰}، پرفسور مرسللی^{۲۱}، لافونتین^{۲۲} و دانشمندان دیگری سعی کردند، تا اینکه از شصت سال بدین طرف ریشه اوهام و خرافات از این علم متفک شد و امروز این علم چون ریاضیات و طب از علوم مثبت به شمار می رود.

9) Molford

10) Braid

11) Liebault

12) Charcot

13) Salpetriere

14) Bernheim

15) Nancy

16) Charles Richet

17) Antone

18) Antoinism

19) Durville

20) Mann

21) Morselli

22) Lafontaine

اسپیریتیزم

۲

ای روح مقدس تو خودت هادی مایی
باشد که تو اسرار بما فاش نمایی

علم ارتباط با ارواح را اسپیریتیزم می نامند که در نقاط مختلف جهان جمعیت هایی تشکیل یافته تا راجع به این علم تحقیقات نمایند ولی ما بین انجمن های روحی اختلافاتی موجود می باشد که هنوز بر طرف نشده است، قبل از قرون وسطی محققین در این علم به پیشرفتهای بزرگی نائل شده ولی بر عکس در قرون وسطی هر کس که اسپیریت^۱ شناخته می شد مردم او را گرفته و از بین می بردند و همین امر سبب شد که اسپیریتیزم نیز چون علوم دیگر روحی پای به قهقرا گذاشت ولی امروز هر آن بر عده اسپیریت ها افزوده می شود و مخصوصاً در آمریکا و انگلستان اشخاصی که بدین علم اشتغال دارند فزونی چشمگیری داشته، در ایتالیا و روسیه نیز عده آنان شایان توجه می باشد ولی در فرانسه عده اسپیریت ها بی اهمیت بوده و بیشتر آنان در پاریس جمع شده اند.

در بیشتر کشورهای مهم جهان که دارای انجمن های روحی می باشند کتابها و رسالات مختلفی راجع به این علم نوشته شده و یا اینکه روزنامه و مجله های متعددی انتشار یافته و هنوز نیز منتشر می شوند، در فرانسه به تنهایی تقریباً ۱۲ روزنامه و رساله راجع به این علم و وقایع روحی انتشار می یابد، در اسپانیا، آلمان، روسیه، ایتالیا و انگلستان رویهمرفته ۷۰ جلد تشریه از قبیل

1) Spirit

مجله و روزنامه و رساله راجع به مسائل روحی موجود است که بالطبع تا زمان حاضر افزایش چشمگیری داشته است.

ارتباط با ارواح توسط اشخاصی که دارای نیروی معنوی خاصی هستند انجام می یابد و این اشخاص را به اصطلاح این علم مدیوم^۲ یا واسطه می نامند؛ در همه این نیرو چون نیروی مغناطیسی با درصدهای متفاوت وجود دارد و آنانیکه نتایج خوبی از این نیرو می گیرند خیلی کم و نادر هستند.

عمر اسپیریتمیزم هر چند که در آمریکا و اروپا بیشتر از ۷۰ سال نیست ولی چنانکه گذشت از زمانهای قدیم بشر به آن دانا بوده و احتمال قوی می رود که به پیشرفت های بزرگی هم نائل آمده باشد؛ منشا آن بدین قرار از زمانهای خیلی قدیم می باشد و نخستین بار در سال ۱۸۴۷ میلادی توسط یک خانواده آلمانی موسوم به فوکس^۳ که به آمریکا مهاجرت کرده بودند از صورت سحر و جادو در آمده و علمیت پیدا کرد بالاخره شخصیت های بزرگی چون آلان کاردک^۴ در قرن ۱۹ میلادی در این علم زحمات بزرگی را متحمل شدند به طوریکه امروز آثار این شخص در فرانسه حکم دستور و قانون را پیدا کرده است، بعضی از نویسندگان بزرگ نیز مانند تتوقیل گوئی^۵ راجع به این علم کتابهایی نوشته و آنرا داخل در ادبیات و شعر نموده اند.

میزهای متحرک

چنانکه قبلاً نیز یادداشت شد برای موفقیت در تجربیات اسپیریتمیزم یعنی ارتباط با ارواح مدیومی لازم است، در همه این استعداد موجود می باشد و فقط درجات آن در اشخاص متفاوت است، برای ازدیاد این نیرو باید سالها مشق و تمرین نمود ولی با وجود این تجربیات آسانی موجود است که می توان با نیروی

2) Medium

3) Fox

4) Allan Kardec

5) Gautier

ضعیف مدیوم به آنها اقدام نمود و از این جمله می توان میزهای متحرك را نام برد و چون این تجربه خیلی ساده و آسان است لذا اولین دفعه اسپریت ها بدان اقدام نموده اند.

این حرکت دورانی را می توان در هر قسم از اجسام عملی کرد ولی چون نخستین بار در میز این عمل اجرا شده است بدین جهت به نام میزهای متحرك مشهور است، بعضی از اسپریت ها از تجربیات خود به پیشرفتهای تازه ای نایل آمده و یک درجه آنرا به سوی ترقی سوق داده اند.

اصولی که برای حرکت دادن میزها معمول است خیلی ساده می باشد و شرایطی که قبلاً در آنها مراعات می نمودند دیگر امروزه متروك شده است؛ چنانکه مدیومی نباشد چند نفر دور میزی نشسته و دستهای خود را روی میز قرار می دهند البته اگر مدیوم قوی باشد به تنهایی خواهد توانست میز را حرکت دهد؛ برای شناختن مدیوم علامتی خاص ظاهر موجود نیست بنابراین لازم است اشخاص متعددی دور میز جمع نشسته و مشغول تجربیات شوند تا موفقیت حاصل گردد.

بدین ترتیب که دور میز قرار گرفته و دستهای خود را روی آن می گذارند بطوریکه به میز، عضلات و اعصاب فشار وارد نیاید و فقط شرطی که بایستی رعایت شود عبارت از سکون و سکوت تام و صبر و انتظار تمام می باشد البته بایستی این شرایط مراعات گردد و بهمین ترتیب ممکن است میز بعد از چند دقیقه تا نیم ساعت به حرکت در آید و آن مربوط به نیروی مدیومی است که در بین تجربه کنندگان حضور دارد.

بعد از مدتی انتظار، از میز صدایی ضعیف شنیده می شود و ارتعاش خفیفی تولید می گردد که مقدمه حرکت میز بوده و پس از مختصر زمانی میز شروع به حرکت می نماید که کم کم کسب سرعت کرده و به دور خود می گردد.

چنانکه در این موقع دستهای خود را از میز جدا نمایند، میز همچنان به دوران خود ادامه داده و می چرخد، بعضی مواقع پایه های میز از زمین بلند شده و

میز در هوا معلق می ماند تا اینکه مثل کاغذ پاره ای به راست و چپ متمایل شده و آرام، آرام به زمین رسد، در بعضی مواقع نیز به شدت سقوط می کند بطوریکه از هم تلاشی می گردد.

در اوایل شکل خاصی برای میزهای متحرك قائل بودند ولی امروزه دیگر این شرایط را ملاحظه نمی نمایند و روز و شب هر ساعتی که باشد این تجربیات را انجام می دهند ولی هر قدر میز سبکتر باشد در عملیات و آسانی آنها دخیل بوده و عمل را ساده تر می نماید ولی چنانکه مدیومی قوی حضور داشته باشد سنگینی میز در تجربیات تأثیری نخواهد داشت.

تظاهرات طبیعی و مدرکه

در نتیجه تجربیات زیادی که در میزهای متحرك به عمل آمده است این علم سیر تکاملی خود را پیموده و اکنون می توانیم با ارواحی که میز را به حرکت در می آورند ارتباط برقرار نماییم، بدین ترتیب که به جای حروفات ا، ب، پ، ت . . اعداد ۱، ۲، ۳، ۴ . . را به ترتیب قرار داده و همچنین به جای بلی یک ضربه و به جای خیر دو ضربه را معین کرده تا بدین طریق ارتباط انجام پذیرد. بهر زبانی که سوالات را از میز می نمایند بهمان زبان نیز جواب صریح آترا می گیرند و بدین طریق حرکات و تظاهرات طبیعی به حرکات و تظاهرات مدرکه تبدیل می شود، در این تجربیات انسان باید با اراده تمام شروع به کار کرده و تفریح و شوخی را کنار بگذارد تا جوابهای صحیح و درست بگیرد و چنانکه این شرایط مراعات نگردد تمام تجربیات بی فایده و بی حاصل خواهد بود.

مکرراً به اثبات رسیده که صدای ضربه هایی که از میز شنیده می شود از طرف ارواح بوده و بارها مدیوم را در تحت کنترل قرار داده اند تا هیچ سوء استفاده ای در تجربیات به عمل نیاید و مخصوصاً در بعضی مواقع سوالاتی خارج از حدود معلومات مدیوم کرده و جوابهای صحیحی گرفته اند و یا به زبانی که

مدیوم هیچ آشنایی نداشته سوالاتی کرده اند ولی این اصول ارتباط، وقت زیادی را تلف می نماید و بدین جهت طریقه های ساده ای پیدا کرده اند که می توان قلم خودنویس را از این قبیل دانست.

ابتدا قلم را در یک پای میز سبکی وصل می کردند و بدین ترتیب جواب به سوالات توسط قلم روی صفحه ای ثبت می شد و بعدها اینطریقه نیز تکامل پیدا کرده تا اینکه خود مدیوم قلم را در دست گرفته و بدین طریق جواب سوالات را می نویسد.

بالاخره آنهایی که می خواهند نیروی مدیومی خود را قوی کرده و استفاده خوب از آن بنمایند ابتدا باید از میز شروع کرده و کم کم بعد از تجربیات زیاد طریقه قلم را تجربه نمایند تا بهتر موفق شوند و بدین ترتیب هم قوای مدیومی ایشان بطور طبیعی قوی شده و هم امر ارتباط را خوب انجام خواهند داد که در نتیجه قابل توجه عموم خواهد بود.

نظریه اسپیریت ها

اسپیریت ها در کائنات به یک سیال عمومی اعتقاد دارند و احتمال می رود که این سیال نیروی جاذبه، الکتریسته یا نیروی دیگری باشد که در این باره وارد بحث نمی شویم و چنانکه از این سیال عمومی تحت قوانین مخصوصی استفاده شود تاثیرات خارق العاده ای را به وجود می آورد و حوادث و تظاهرات اسپیریتیسم نیز از جمله آثار این سیال عمومی است ولی برای استفاده از این سیال و سوق آن واسطه ای لازم است که آنرا مدیوم می نامند.

اسپیریت ها همچنین می گویند که روح در قالبی نیمه مادی که آنرا بدن مثالی یا پریسپیری^۶ می نامند قرار گرفته و همین غلاف است که ماده و روح را به همدیگر ربط می دهد و در نتیجه ارتباط روح و اراده مدیوم با واسطه و سیال

عمومی، نیروی تازه و سیال جدیدی به وجود می آید که می توان در نتیجه آن اشیا را اشباع و به حرکت در آورد که آن همان تظاهرات طبیعی می باشد؛ در تظاهرات مدرکه نیز روحی که به خواست ما تبعیت می نماید دخالت می کند؛ می توان گفت که بطور کلی در تظاهرات، نیروی موثری که دخالت می نماید عبارت از نیروی پنهانی ارواح می باشد که با آن اشیایی را که چند نفر قادر به حرکت دادن آن نیستند می توان به حرکت آورد البته هر قدر استعداد مدیوم زیادتر باشد همان اندازه نیز می توان اشیا سنگین تری را بلند کرد، به جای میز که در تحت تاثیر ارواح بر خلاف قانون قوه جاذبه از زمین بلند می شود می توان چیزهای دیگری را انتخاب کرد و نباید این را مخالف با قانون طبیعی دانست زیرا اشیایی که روی کره زمین یا در فضای اطراف آن موجودند همیشه تابع قانون جاذبه زمین بوده اند مثلاً سنگی که به هوا پرتاب شود بالاخره به زمین سقوط می کند مگر آنکه به مانعی برخورد نماید که آنوقت یا از حرکت باز خواهد ماند و یا مسیر خود را تغییر خواهد داد مثلاً ممکن است نیروی جاذبه دیگری که قوی تر از نیروی جاذبه زمین باشد مانع از افتادن آن شود و چنان نیرومند باشد که آنرا به طرف خود جذب نماید و در آن حرکتی بر خلاف قانون طبیعی و کشش زمین به وجود آورد، آن نیرو نیز طبیعی می باشد، نیروی ارواح هم یکی از همین نیروهای طبیعی است که امروز بشر به وجود آن پی برده است؛ بعضی اشخاص بعد از مشاهده این همه تجربیات باز منکر آن بوده و در انکار خود اصرار می ورزند و این تظاهرات را حمل بر خرافه می نمایند البته گفته آنان اهمیتی ندارد و محرراً ثابت شده است که تمام این تظاهرات حقیقتی داشته و بعضی اوقات چنانکه گذشت مشاهده گردیده است که میز از هم متلاشی شده است و این تظاهرات طبیعی، خرافه و چشم بندی را قطعاً رد و باطل می نماید.

اقسام مدیوم

در اسپیریتیزم چنانکه دیدیم برای ارتباط با ارواح احتیاج به واسطه هایی داریم که مدیوم نام دارند و اقسام متعددی را شاملند که یکی از اقسام مهم آن مدیوم نویسنده می باشد که آن هم چندین نوع دیده می شود و بی آنکه بی اراده با دو دست خود راست یا چپ شروع به نوشتن می نماید دیگر آنکه صدایی را در ذهن یا از راه گوش شنیده و عین آن را روی کاغذ می آورد.

مدیوم هایی که توسط میز و ضربیه ها کار می نمایند خیلی زیادند ولی ضعیف بوده و کارهایی که از آنان سر می زند خارق العاده نمی باشد، قسم دیگر مدیوم هایی هستند که عین خط ارواح را که در زمان حیات داشته اند روی کاغذ می آورند، البته این مدیوم ها خیلی نادر بوده و از قویترین آنان محسوب می شوند، آنها نیز به تنهایی چندین نوع هستند، یکی قلم را خود مدیوم در دست می گیرد و بی اراده شروع به نوشتن می نماید، دیگری آنکه در روی میز قلم و کاغذی می گذارند و به خودی خود قلم در روی کاغذ به حرکت در آمده جواب سوالات را می دهد که مدیوم های تجسمی نیز از این قبیل بوده و نادر می باشند.

دیگر از اقسام مدیوم آنانی هستند که ارواح را می بینند و اشکال آن را تعریف می نمایند که شایان دقت است، بعضی ادعا می نمایند که ارواح در وجود ایشان حلول می نمایند و این نوع مدیوم ها در موقع حلول روح در بدن خود که مدتی به طول می کشد ارتعاشی حس می نمایند و بطور کلی تغییر حالت داده و صدای ایشان عوض می شود و این صدای ثانوی شبیه صدایی است که روح حلول کننده در زمان زندگانی مادی داشته است بالاخره این مدیوم ها به حالت استغراق افتاده که در آن حالت هر حرف و حرکت ایشان با اراده ارواح بوده و توسط آنها انجام می گیرد.

در این موقع مدیوم ممکن است با زبانی که اصلاً با آن آشنایی ندارد حرف بزند و یا راجع به مسائل فنی و علمی بحث نماید، این مدیوم ها نیز خیلی قوی بوده و نادر می باشند. یک نوع مدیوم هایی دیده می شوند که معالج می باشند، یعنی آنان ابتدا بیماری شخص رجوع کننده را تشخیص و بعد با حرکات دست

خود و مختصر لمس و مالشی آنرا معالجه می نمایند و مدیوم های دیگری که رسام و موسیقی دان هستند چندان مهم نمی باشند. بالاخره از نظر عمومی مدیوم ها را به دو دسته بزرگ تقسیم می نمایند که آثار مادی یا معنوی از ایشان سر می زند. البته می توان با تمرین و خواب کردن توسط مانیه تیزم و هیپنوتیزم مدیوم ها را تربیت کرد که قابل استفاده عموم باشند، در این قسمت نیز راه های مختلفی پیش می آید که در اینجا از شرح آن صرف نظر می کنیم.

فقیریزم

برهمن ها^۷ در معابد خودشان آیینی که شباهت زیادی به اسپیریتیزم دارد اجرا می نمایند، به اعتقاد آنان روح بعد از خارج شدن از بدن انسان داخل در کالبد اشخاص مختلف طبقه می گردد تا اینکه از گناهان پاک گردیده و تصفیه شود و جزو ارواح پاک و طیبه در آید و بعداً در ردیف دیگر ارواح عالیه موقعیتی ممتاز احراز نماید.

از این نظریه معلوم می شود که ارواح به دو طبقه بزرگ طیبه و خبیثه تقسیم می شوند که ما در این باره وارد بحث نمی شویم و همین قدر می توانیم بگوییم که تاکنون اسرار احضار ارواح برهمنها بر همه کس پنهان و پی به رموز آن برده نشده، فقیریزم مسلک یک عده از هندیانی است که به اسم فقیر^۸ نامیده شده اند و سالهای متمادی ریاضت می کشند و حبس نفس می نمایند و هزار گونه مشقات به خود هموار می سازند تا قوای معنوی خود را به مرتبه حیرت آوری می رسانند و دائماً در فقر و فاقه زندگی کرده و اعتنایی به مادیات ندارند.

کارهایی که برهمن ها و فقیرها انجام می دهند بیشتر خارق العاده بوده و

7) Brahman

8) Pauper

شباهت زیادی به کارهایی که مدیوم های قوی در اروپا و امریکا می نمایند دارد ولی فقیرها آنها را ماهرانه تر انجام می دهند.

از فقیرهای هند و برهمن ها که مفسرین کتابهای مقدس ودا^۹ می باشند کارهای غریب و عجیبی نقل می نمایند که نگاشتن آنها در اینجا موجب تطویل کلام است و فقط مختصراً به شرائطی که ایشان در عملیات خود رعایت می نمایند اشاره می کنیم.

فقیرها هر جا که باشند هنر خودشان را نشان می دهند و دوست دارند که از تماشاچی ها چند نفر برای کنترل، بالای سر ایشان باشند و مواظبت کارهای ایشان را بنمایند و به هر کجا که دعوت می شوند تا می توانند ساده و بی لباس و بی وسائل می روند و کمک و معاونتی نیز با خود نمی برند و در هر مکانی که بخواهند، هنرهای خود را نشان می دهند و شب و روز بر عملیات ایشان تاثیری ندارد و هر که را تماشاچی ها از میان خود انتخاب کردند به خواب می برند و هیچوقت با خود کسی را برای خواب کردن همراه نمی کنند و هر تجربه و عملی را به دلخواه مردم مکرراً نشان می دهند و تمام عملیات و هنرهای خود را بی اجرت و چشم داشتی انجام داده و از مردم هیچ تقاضایی را نمی کنند، بالاخره فقیرها توسط نیروی معنوی خود بیشتر بیماریها را مداوا می نمایند که به راستی حیرت آور است و ممکن است با کشف اسرار آنان که هنوز مکتوم است در آینده انقلاب بزرگی در عالم طب بوجود آید، اکنون که رشته سخن به کارهای فقیرها و خواباندن اشخاص رسید بهتر است که اصول خواباندن و طرق مختلفه آنرا بنگاریم تا خوانندگان گرامی اطلاعاتی از این علم کسب نمایند.

راه های مختلف خواباندن

هر یک از دانایان این علم برای خواباندن معمولین روشی اتخاذ کرده اند

و از قدیم الایام اصولی که برای خواب، کاهنین و درباریان می دانستند عبارت از مانیه تیزم بود ولی معلوم نیست که صاحبان این نیرو به حقیقت آن پی برده بودند یا نه؟ ولی بهر حال از عهده خواباندن بیماران به خوبی بر می آمدند و حرکات دستی که امروز معمول است در زمان قدیم عبارت از لمس کردن بیمار بود که توسط آن معمول را تحریک کرده و در نتیجه نگاه تیز در چشمان معمول، اعصاب و پی های چشم را خسته و بیمار را به خواب می بردند.

اسراری که اکنون فقیرها و برهمن ها در هندوستان می دانند هنوز کاملاً کشف نگردیده و نسل اندر نسل به یکدیگر انتقال داده اند چنانکه در مقدمه کتاب نگاشته شده از سال ۱۷۷۴ میلادی به این طرف مانیه تیزم سر و صورت جدیدی پیدا کرده است و اکنون حاملین قوی با آن کار می نمایند و در علم طب نیز بیشتر استفاده می کنند، هر چند که قبل از مسمر این علم وجود داشته ولی او را می توان بانی این علم دانست زیرا توسط مسمر این علم به جهانیان مکشوف گردیده است.

اصول دیگری که برای خواب کردن، معمول است روشی است که برید کشف کرده و عبارت از هیپنوتیزم می باشد، و آن شامل مبهوت کردن معمول یا سوژه^{۱۰} است توسط اشیا صدادار و یا چراغهای پر نور، هر چند که این طریقه در هندوستان قبل از برید معمول بوده ولی چون این پزشک آنرا در علم جدید وارد کرده است لذا بانی آن شناخته می شود.

بعد از مسمر و برید که روش آنان را مسمریزم و بریدیزم^{۱۱} نیز می نامند دکتری به نام لیه بو روش تلقین^{۱۲} را پیدا کرده و ثابت نمود که تمام آثار این دو اصول را می توان تنها با تلقین و القا ایجاد نمود.

امروزه برای خواب کردن از این سه اصول مختلف استفاده می شود و در یک آن در معمول آنها را اجرا می کنند که خوابهای مرکب یا مخلوط نامیده می شود، ما در اینجا هر یک از روش های فوق یعنی هیپنوتیزم، تلقین و القا و

بالاخره مانیه تیزم و خوابهای مرکب را شرح خواهیم داد.

هیپنوتیزم

۳

در حق این فن شریف کمتر کسی است که فکر حقیقی کرده و به هدف رسیده باشد، حقه بازان و شارلاتانها بیشتر از آن سوء استفاده کرده و مردم را اطفال نموده اند، هیپنوتیزم از کلمه رومی *اوپنوس*^۱ که به معنی خواب است مشتق می شود، اگر چه از قدیم الایام مورد استفاده بعضی از اشخاص بوده که خودشان را خارق العاده نشان می دادند ولی در قرون وسطی بکلی فراموش گشت و فقط روحانیون از آن استفاده می کردند در اواسط قرن نوزدهم برید درباره این فن تحقیقاتی کرده و دوباره جان تازه ای بدان دمید، دکتر برید کشف کرد که نگاه در یک چیز براق و روشن حالت خواب را ایجاد می نماید و در آن حالت معمول مطیع اراده عامل می شود، این پزشک و جراح انگلیسی توانست در این حالت عملیات جراحی انجام دهد ولی متأسفانه در ابتدا به کشف برید آنقدر بهایی قائل نشدند و بعداً لیه بو و امثال ایشان این علم را ترقی داده و اهمیت آن را ثابت کردند.

درجات مختلف خواب

1) Hypnos

اصولی را که شارکو در مکتب سالپتریه با آن عمل می کرد، سه حالت لتارژی^۲، کاتالپسی^۳ و سمنامبول^۴ بود ولی پرفسور برنهایم بانی مکتب نانسی ۹ حالت مختلف را قبول کرده که عبارت از خواب خیلی سبک، خواب سبک، خواب سنگین، خواب سنگین تر، خواب خیلی سنگین، سمنامبول خیلی سبک، سمنامبول سبک، سمنامبول سنگین و سمنامبول خیلی سنگین که در خواب آخری هر کاری را می توان با معمول انجام داد و هر خیال عجیب را در برابر چشمانش مجسم نمود و هوای اتاق را گرم یا سرد و روز را شب تلقین کرد، بطوری که معمول قبول نماید، ولی تقسیمات مکتب نانسی نظری بوده و می توان غیر از این تقسیمات خواب های خیلی سبک تر و سنگین تر نیز بر آن افزود، حال در اینجا سه حالت لتارژی، کاتالپسی و سمنامبول را مورد مطالعه قرار می دهیم.

خواب لتارژی

در لتارژی اعضای بدن معمول سست و بدون حس شده و نبضش تند می زند و چشمهای معمول در این خواب بسته و یا نیم بسته می باشد، طریقه بدست آوردن این خواب نیز چنین است، نگاه معمول را به شیئی غیر براق معطوف می کنیم بعد از چند دقیقه کم کم نفس معمول بطیء و چشمهایش اشک ریز گشته و پس از مدتی به خواب می رود، اشخاصی مستعد این خواب هستند که دارای بیماری هیستیریک^۵ باشند، این حالت عیناً به حالت مرگ شبیه است؛ طریقه بیدار کردن از این خواب فوت در چشمان معمول است که فوراً بیدار می شود.

می توان در این حالت در بدن معمول سوزنی فرو کرد بدون اینکه احساس درد نماید، از این سبب امروزه بعضی از جراحان از این حالت صرعی^۶ استفاده کرده و عملیات جراحی را انجام می دهند ولی نباید اشخاصی که واقف به فن

2) Lethargy

5) Hysteria

3) Catalepsy

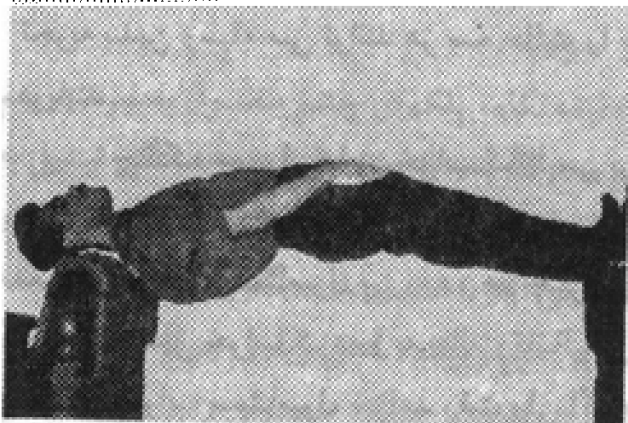
6) Epileptic

4) Somnambul

تشریح نیستند این عملیات را شخصاً در معمول انجام دهند و بهتر است که از این اعمال احتراز کنند زیرا ممکن است تولید خطر نماید.

خواب کاتالپسی

این خواب علمی و کلاسیک است، در این حالت می توان معمول را چون تیر چوبی، خشک کرده و سرش را روی یک صندلی و پاهایش را روی یک صندلی دیگر قرار داد (تصویر ۱-۳) و چند ساعتی در آن حالت نگهداشت، در حالت کمرخی^۷ که خواب سنگین شده است چند نفر نیز می توانند روی سینه او قرار گیرند، بدون اینکه معمول خم شود اشخاص هیستریکی و عصبانی را چنانکه در برابر شینی درخشان و براق بنشانیم تا نگاهشان را در آن معطوف نمایند بعد از مدتی به خواب کاتالپسی می روند و یا چنانکه در اتاقی تاریک ناگهان چراغ پر نوری را روشن کنیم معمول بدین حالت می افتد در این خواب بدن معمول چون سنگ بی حرکت بوده و چشمان او باز می ماند و هر حالتی را که بخواهیم معمول در این هنگام قبول می کند و هر کاری را به اراده عامل انجام می دهد، طریق بیدار کردن نیز فقط عبارت از فوت در چشمان معمول است، در این حالت چنانکه معمول طرز کار با



دستگاهی را بلند باشد و آن را در جلو او قرار دهیم بی اختیار مشغول کار می شود.

تصویر ۲-۱ خشکی تمام بدن در خواب کاتالپسی

خواب سمنامبول

توسط وسائل فیزیکی

نمی توان معمول را بدین خواب برد، در این حالت قوای عضلانی معمول خیلی قوی می شود و هر چه عامل به او تلقین نماید، معمول نمی تواند مخالفت نشان دهد و قوای سامعه، باصره و شامه اش فوق العاده حساس می شود آن چنانکه صداهای دور را می شنود و اگر دستمال ضخیمی را روی چشمان او ببندند، باز می بیند و می تواند کتاب بخواند.

توسط فشار به مناطق خواب یعنی بند انگشتان و بازوها می توان معمول را بدین خواب برد و چنانکه به چشم، گوش و بینی معمول فشار وارد آورند و تلقین بسیار نمایند، نتیجه خوبی می دهد طریقه بیدار کردن نیز در این خواب همان فوت در چشمان معمول است، برای اینکه بخواهیم معمولاً کسی را به حالت سمنامبول ببریم ابتدا به خواب کاتالپسی یا لتارژی برده و بعداً خوابش را تبدیل به خواب سمنامبول می کنیم که این طریقه آسان و بهتر از فشار دادن به مناطق خواب بدن است.

تبدیل خوابها به یکدیگر

برای اجتناب از بیدار کردن معمول و تبدیل خواب او بهتر است که یک بار او را خواب کرده و آن را به خوابهای دیگر تبدیل نمود، همچنین عاملین کم تجربه بدین وسیله می توانند هر سه حالت را مشاهده کرده و تفاوت بین آنها را دریابند.

چنانکه معمولی را در خواب کاتالپسی برده اید با بستن پلکهای چشمان و قدری فشار بر آنها خواب لتارژی حاصل می شود و با مختصر مالش دادن سر او، معمول به حالت سمنامبول می رود، هم چنین در خواب لتارژی با باز کردن پلکهای چشمان تبدیل خواب کرده و به حالت کاتالپسی می آید و چنانکه سرش را مالش دهید به خواب سمنامبول خواهد رفت ولی اگر معمول در خواب سمنامبول است دیگر تبدیل خواب ممکن نیست و بایستی معمول را بیدار کرد؛ علمای فن همگی

بر آنند که هیپنوتیزم کردن با اسباب در معمول مضر واقع می شود و بدین جهت بهتر است که در موقع عملیات هیپنوتیزمی پزشکی همراه باشد تا تولید خطر نشود، البته احتیاط همیشه شرط اول است.

وسائل مختلفه خواب کردن

جادوگران و ساحران در قدیم اسبابهای متعددی برای خواب کردن بکار می بردند که بعضی از آنها را ذیلاً شرح می دهیم:

پارچه سیاهی را برای جلب توجه روی چهار پایه ای انداخته و تنگی بلورین را پر از آب کرده و روی آن می گذاشتند و چراغی را نیز در پشت آن روشن می نمودند و معمول به نقطه روشن آن نگاه می کرد و به خواب هیپنوتیزمی می رفت.

در وسط بشقابی سفید یا چیزی مشابه که برآق بود نقطه سیاهی رسم می کردند و روی آنرا روشن می زدند تا برق بزند و نگاه معمول را در آن معطوف می کردند تا به خواب می رفت.

با حبایی که وسط آن خالی و پر از روشن بود معمول را به خواب می بردند و یا در کف دست و یا ناخن نقطه ای سیاه رسم کرده و به توسط آن اجرا عملیات می نمودند.

در تمام اینها بعد از چند دقیقه نگاه، پلکهای چشم معمول به سرعت بهم می خورد و اضطرابی حاصل می شد که بعد از چند دقیقه، خستگی تبدیل به خواب مصنوعی می گردید که برای آسان کردن و ناراحت نشدن معمول عطر و بخور نیز استعمال می نمودند، ولی اکنون اسبابهای دیگری بکار می برند که عبارتند از: آئینه گردان، حباب هیپنوتیک، آهن ربا و چراغ های پرنور ولی چشم بهترین وسیله خواب کردن است و چنانکه معمولی را بر روی صندلی نشاند و به ریشه چشم او نگاه کنید و او نیز نگاه خود را در چشمان شما معطوف

نماید و به خواب برود یک عمل هیپنوتیکی انجام داده اید. برای همین منظور عاملین، مشق چشم کرده و طوری تمرین می نمایند که در مدت بیداری خود که شانزده ساعت است مژه نزنند، عادت به نگاه خیلی آسان است و به طریق تمرین و مشق می توان در اندک مدتی بدان عادت نمود ولی نباید در موقع مشق چشم ها را خسته کرد؛ در هر چیزی می توان تمرینات چشم را انجام داد و منظور از مشق ها و تمرینات فقط و فقط عادت به نگاه و مژه نزدن می باشد.

بعضی از حیوانات وحشی نیز طبیعتاً دارای چشمان قوی هستند که با یک نگاه حیوان دیگری را مبهوت کرده و بدون اینکه آن حیوان فرار نماید نزدیک شده و آن را از بین می برند؛ راجع به چشم و قوه آن در کتابها حکایات بیشماری است که همه شنیده و یا خوانده اند و تکرار آنها در اینجا لزومی ندارد.

طریقه بیدار کردن

بهترین اصول برای بیدار کردن از خوابهای هیپنوتیزمی فوت در چشمان معمول است ولی بعضی از معمولین این استعداد را دارند که بعد از رفتن عامل از خواب بلند می شوند و برخی نیز به خواب خود ادامه می دهند که مدت خواب ایشان پس از رفتن عامل از نیم ساعت تا پانزده ساعت طول می کشد، هم چنین عده معدودی هستند که آنان را می توان استثنا کرد یعنی پس از ۱۸ ساعت از رفتن عامل، به خواب ادامه می دهند و بعداً بیدار می شوند.

با تلقین نیز می توان معمول را از خواب بیدار کرد مثلاً به معمول القا می کنند که از یک تا بیست شمرده و بیدار شود، معمول نیز شروع به شمردن می نماید و چون به عدد بیست می رسد فوراً بیدار می شود، بعضی معمولین نیز در موقع عملیات دیده شده که با گفتن بیدار شو زود و فوری بیدار شده اند.

ممکن است عامل بعد از خواباندن معمول به او تلقین کند که بعد از یکروز

بیدار شود آن وقت دیگر غیر ممکن است شخصی دیگر معمول را قبل از سر آمدن وقت مقرر بیدار نماید.

انتخاب معمول

از عادات، رفتار و کردار هر شخصی می توان پی برد که آیا قابل خواباندن است یا نه ولی بیشتر اشخاصی که تعریق می کنند و یا تخم چشیشان لرزش دارد و یا چشم خود را احول می نمایند قابل خواب می باشند همچنین اشخاصی که در خواب حرف می زنند و رعشه دارند و یا عصبانی، کم خون و خجول هستند خواب در ایشان زود تاثیر می نماید بعضی بر آنند که اشخاص ضعیف الفکر بهتر به خواب می روند و یا زن زود تر از مرد می خوابد، اینها تماماً خطا است و اشخاص قوی البنیه، متین و منورالفکر همیشه مثل اشخاص دیگر مستعد خواب می باشند؛ در همه قابلیت خواب وجود دارد ولی بعضی دیر و برخی زود به خواب می روند و دیده شده است که بعضی برای اینکه خودشان را خارق العاده نشان دهند، خود را مستعد خواب نمی دانند و خویشتن را می ستایند ولی در موقع عمل با یک نگاه و اشاره به خواب می روند، بالاخره می توان همه را خواب کرد ولی استثنائی نیز وجود دارد و آنان عبارتند از دیوانگان و آنانیکه شعور نداشته و به اراده معنوی مالک نیستند و چنین اشخاصی ندرتاً به خواب می روند.

تقسیمات خواب در مکتب نانسی

چنانکه قبلاً شرحش گذشت مکتب نانسی به خوابهای هیپنوتیزمی تقسیمات مخصوصی از این قرار قائل است :

۱ - خواب خیلی سبک : معمول در این حالت کاملاً در خواب نیست اگر تلفین شود که « چشمانشان باز نمی شود » ممکن است با مختصر فشاری آنها را باز

نماید، در این خواب هیچ اثری از کاتالپسی، سمنامبول، آنستزی^۸ و آلوسیناسیون^۹ وجود ندارد.

۲ - خواب سبک : فرقی چندان با خواب اولی ندارد فقط در این حالت توسط تلقین می توان از باز شدن چشمهای او مانع شد به طوریکه قادر به باز کردن آنها نباشد، در این حالت اراده معمول بکلی سلب شده است.

۳ - خواب سنگین : در این حالت معمول در خواب است و تقریباً یک درجه به خواب کاتالپسی نزدیک می باشد و هر حالتی که تحمل آن نیز طاقت فرسا باشد قبول و انجام می دهد.

۴ - خواب سنگین تر : در این حالت، خواب کاتالپسی بیشتر از خواب سوّم نمایان است و چنانکه دست معمول را بچرخانند بدون اراده می چرخاند و دیگر قادر به نگاهداشتن آن نخواهد بود.

۵ - خواب خیلی سنگین : همان خواب کاتالپسی است که شرحش گذشت.

۶ - سمنامبول خیلی سبک : اراده معمول همان اراده عامل است و هر امری تلقین شود بدون اختیار انجام می دهد و حالت آلوسیناسیون یعنی خرافه در این حالت نمایان نیست و چنانکه از خواب بیدار شود جریان وقایعی را که در خواب انجام یافته به خاطر می آورد.

۷ - سمنامبول سبک : وقایعی را که در حین خواب رخ داده بخاطر نمی آورد و همه آنها را فراموش می نماید و حالت آنستزی یعنی بیحسی در معمول دیده می شود در عین حال حرکات غیر اختیاری از معمول رخ می دهد.

۸ - سمنامبول سنگین : معمول حالت خرافه و آلوسیناسیون را داراست و تاموقمی که در خواب است این آثار در او دیده می شود.

۹ - سمنامبول خیلی سنگین : این آخرین خواب است که مکتب نانسی قبول کرده و در این حالت چنانکه امری را به معمول تلقین کنید، که بعد از مدتی

معین آن را انجام دهد در همان وقت بی اختیار پی آن امر معین خواهد رفت .
تقسیمات مکتب نانی همین نه حالت مختلف می باشد ولی چنانکه قبلاً
نیز نگاشته شد تئوری و نظری است .

خوابهای القایی

۴

تنها به وسیله تلقین، القا و حرف زدن می توان بعضی از معمولین را به خواب برد و خوابشان را سنگین کرده و باز بیدار نمود.

بعضی از معمولین حساس دیده اند که به محض گفتن جمله «بخواب» و «بیدار شو» خوابیده و بیدار شده اند ولی عدد ایشان خیلی کم و نادر است، مثال ساده تر برای همین موضوع لالایی مادر برای خواباندن کودک خود می باشد، در اجتماع نتایج تلقین بسیار شگفت آور است، هر کسی کم و بیش نیروی تلقین را داراست و برای پرورش آن نیز وسایل متعددی در دسترس می باشد که برای همه تمرین آنها مقدور است.

نیروی تلقین بستگی زیادی با شخصیت عامل دارد و خوابهاییکه با تلقین، معمول را بدان می برند، موسوم به خوابهای القایی است و آنها نیز مثل خوابهای هیپنوتیزی دارای صفحات مختلف مانند لتارژی، کاتالپسی، سمنامبول و غیره می باشد.

تلقین و القا

بهترین تلقین عبارت از آنستکه در دل ایمان و عقیده تولید نماید و بعضی

برآیند که «اشخاص بی اراده بیشتر از دیگران که با اراده و پرامان هستند قابلیت تلقین را دارند» در صورتیکه اگر به اشخاص با اراده نیز درست و صحیح تلقین شود عقیده و ایمان خود را تغییر می دهند؛ بطور کلی می توان گفت که هر عقیده تازه که در انسان بیدار می شود توسط تلقین یک شخص ثانوی است.

از قدیم الایام ناطقین و پیشوایان مذاهب مختلف از نیروی تلقین استفاده کرده اند ولی نخستین بار شارکو بانی مکتب نانسی بیشتر از طرق و اصول دیگر خواب، از تلقین استفاده نموده که امروز نقش بزرگی را در امر خواباندن بازی می نماید.

تلقین حربه ایست که با آن می توان در اشخاص نفوذ کرد و استادان این فن همیشه طوری تلقین می نمایند که موثر باشد یعنی اول خودشان آنرا در مغز و دل قبول کرده و بعداً با کمال ثبات، آرامی و اطمینان به طرف تحمیل می نمایند.

چنانکه در موقع تلقین امری، عاملی دو دل باشد هیچ تأثیری در معمول نخواهد کرد زیرا بنیان آن سست بوده و خود عامل از آن متأثر نشده است، بعضی اوقات اتفاق افتاده که شخصی به خویشتن تلقین خواب کرده و خوابیده است، بیشتر مدیوم ها از این قبیل می باشند و عاملین مجرب این گونه اشخاص را بهتر و زودتر می توانند به خواب برند بالاخره منظور از تلقین ایجاد القا در موضوع است و القا پس از تلقین تولید می شود؛ تلقین و القا با یکدیگر فرق دارند، بدین جهت باید طوری در معمول تلقین را تحمیل نمود که تولید القا نماید و چنان که در دل معمول ایمان و عقیده خواب پیدا نشود هیچوقت به خواب نخواهد رفت اینجاست که استادان فن، تلقین را بر دو قسم می دانند: **تلقین قبول کردنی** و **رد کردنی**، اولی آنستکه تولید القا می کند و آن دیگری نیز عبارت از تلقینی است که معمول قبول نکرده و رد می نماید.

عاملین کم تجربه بایستی طوری تلقین کنند که قابل قبول باشد و تمرین و مشق زیاد نمایند تا در امر خواباندن موفقیت حاصل کنند. تمرینات مختلف و متعددی راجع به قوی کردن نیروی تلقین وجود دارد که همه می توانند در عرض

چندین ماه مشق دارای این نیرو شوند، البته متانت و خوش آهنگی نیز در تلقین خیلی موثر است.

اقسام تلقین

تلقین را توسط فکر، صدا، نگاه، حرکت و لمس می توان انجام داد و این عوامل هر یک منفرداً در معمول تاثیر می کند همچنین استفاده از جمیع آنها تاثیر بیشتری دارد؛ چنانکه شخصی را خواب کرده باشید و شیشه پنزن را در جلوی بینی او قرار داده و فکر تلقین کنید که ادراک کن است، بوی عطر مشام معمول را متاثر می سازد و پا چنانکه بگویید شب است در صورتیکه روز باشد معمول همه جا را تاریک و ستارگان را در آسمان خواهد دید و همچنین با نگاه، لمس و حرکت نیز در معمول می توانید تولید القا نمایید.

مثلاً می خواهید معمول به طرف عقب جذب شود با پیش آوردن دست خود و نگاه تیز می توانید سنگینی معمول را به عقب بیندازید و یا اینکه اگر می خواهید به طرف راست یا چپ متمایل گردد با مختصر حرکت دست این اعمال را می توانید در معمول اجرا نمایید.

چنانکه می خواهید سوژه دهان خود را باز نماید بعد از آنکه این تلقین را در فکر خود متمرکز کردید دهان خود را باز می کنید و معمول تیز بی اختیار دهانش را باز می نماید و دیگر قادر به بستن آن نخواهد شد.

مانیه تیزم

۵

عالم همه بر تو است و لیکن از جهل
پنداشت ای تو خویش را بر عالم

از انسان نیروی معنوی اسرار انگیزی تظاهر می نماید که آنرا مغناطیس شخصی یا مانیه تیزم می نامند که ذات و جوهر آن ناکنون کشف نگردهده است؛ از قرن ۱۸ میلادی بدین طرف ثابت شده است که حیوانات نیز چون کره زمین و دیگر کرات سماوی دارای مرکز مغناطیسی هستند، و همچنین انسان که از نظر ساختمان بدنی و هوش بر دیگر حیوانات برتری دارد در این نیرو نیز از حیوانات برتر است و بهمین سبب حیوانات را، رام خویشان کرده و از وجود آنها استفاده می نماید؛ با توجه به موارد فوق هر کس می تواند توسط آن در سخن، گپ و در دوستی جذاب و پر حرارت باشد و بر اراده و نفس خویش و دیگران حکمرانی نماید.

دنیا پر از نیروهای مختلف و فراوانی است و هر کس می تواند طبیعتاً بطور محدود از این نیروها استفاده نماید و در صورت تمرین حد و حصری در آنها نمی توان قائل شد فقط کافی است که راه های استفاده از آن نیروها را پیدا نماییم.

نیروی مغناطیسی در بدن انسان ثابت است، که از نظر خصوصیات و مشخصات به نیروی الکتریسته شباهتی تام دارد.

انسان از قوایی که در طبیعت است استفاده می کند و قسمتی از آن را به حرارت و انرژی حرکت که قوای آن پست تر و قسمتی دیگر را به فکر، توالد،

تناسل و غیره که عالی تر می باشند تبدیل می نماید.

حواس ما از دور حرارتی که توسط منبهی خاص تولید می شود حس می کند؛ هر چیز سوزان مثل میدان مغناطیسی دارای میدان حرارتی است و هر کسی در آن میدان حرارتی واقع شود پی به وجود آن خواهد برد و چون حرارت، فکر نیز که از قوای عالی انسان است میدانی دارد، اگر انسان از وجود آن میدان فکر استفاده کند دارای این نیرو خواهد شد که در دیگران نفوذ کرده و در نتیجه فعالیت فکری خود هر چیزی که در میدان فکرش واقع شده باشد جذب و دفع نماید؛ در علم فیزیک ثابت شده است که قطبین هم نام آهن ربا همدیگر را دفع و برعکس قطبین مخالف همدیگر را جذب می کنند، در این نیرو نیز می توان عمل جذب و دفع را انجام داد و هر قدر قوای بدنی انسان سالم و کامل باشد این نیرو نیز بهتر و موثرتر از بدن انسان خارج می گردد و این بدان معناست که فکر تا هنگامی که فعالیت دارد، حیات انسانی نیز ادامه خواهد داشت.

افکاری که ضعیف هستند می توان گفت که در میدان مغناطیسی فکر قوی تری قرار می گیرند و مطیع اوامر آن می شوند و هر قدر فکر قوی و نیرومند باشد، همان اندازه نیز نیروی آن قوی تر خواهد بود.

اراده در علم مانیه تیزم دخالت دارد و هنگامی اراده شخص قوی می شود که حالت مزاجی شخص طبیعی باشد و بین کلیه اعضا و اعصاب بدنش رابطه ای کامل و سالم وجود داشته تا بتواند آنها را مطیع اراده خویش سازد و بدین جهت است که مانیه تیزورها با مشق هایی که دارند روابط بین اعضا و اعصاب خود را مستحکم می کنند.

نیروی مغناطیسی در همه کم و بیش وجود دارد ولی در پاره ای از اشخاص خارق العاده، قوی تر است و تقریباً نود درصد این نیرو نیز کسبی است؛ برای به خواب بردن شخصی توسط این نیروی بزرگ طبیعی، چندین مرحله می توان تشخیص داد:

مرحله اول آنکه مانیه تیزور با دیدن سوژه قضاوت می نماید که

حتماً می تواند این شخص را بخواباند و با این قضاوت در دل خود تولید ایمان می نماید.

مرحله دوم نیز عبارت از اراده راسخی است که با آن شروع به عملیات می کند و نیروی حیاتی خویش را بکار انداخته و سوژه را در میدان مغناطیسی فکر خود قرار می دهد.

مرحله سوم عبارت از خواب می باشد که در نتیجه فعالیت فکری حامل در معمول حاصل می شود.

وقتی که قضاوت صحیح با اراده مغلوب نشدنی و فکر قوی توأم گردد نیروی مثبتی را تشکیل می دهد که در همه موثر واقع می شود و همین نیرو است که در جامعه برای شخص، لیاقت و شخصیت واقعی را حفظ می نماید؛ بهمین جهت مانیه تیزورها نیروی فکر، اراده و قضاوت را در خویشتن نیرومند می نمایند تا بدان وسیله بتوانند در اشخاص نفوذ کنند.

مزیات مانیه تیزور از دیگران

برای اینکه مانیه تیزور نیروی مغناطیسی بدن خود را تربیت کرده و معلوماتی را اکتساب نماید بایستی نسبت به اشخاص معمولی مزایاتی را داشته و آنها را همیشه حفظ کند که همین خواص و مزایات را بعضی اشخاص فطرتاً مالک هستند و برخی نیز می توانند راه های وصول بدانها را تعقیب کرده و موفقیت یابند، ما در اینجا قسمتی از خصایص و مزایات ایشان را در تحت دو عنوان، مزایات معنوی و مزایات مادی می نگاریم که تقریباً تمام آنها نیز در صفحات مختلف کتاب ذکر شده است.

مزایات معنوی :

خلبه بر نفس : مانیه تیزور باید همیشه حاکم بر نفس خویش باشد چون

با اراده قوی، می توان تمامی موانع زندگی را بر طرف کرد، هیچ چیز در برابر اراده قوی نمی تواند تاب مقاومت داشته و نفس انسان نیز باید در تحت اوامر نیروی اراده واقع گردد.

مقنات و حقوق محرفی : دلپسند بودن عبارات در امر خواباندن خیلی کمک می کند، بهترین تلقین همانا صحبت کردن است، جامعه به اشخاصی که خوش صحبت و خوش خلق هستند شخصیتی قائل است که این نیز یکی از ارکان اصلی این علم بشمار می آید.

عصمت و هفت : هر کس در جامعه دارای حقوقی است و می تواند از آن در برابر دیگران دفاع کند، و چنان که کسی به حقوق افراد دیگر جامعه تجاوز نماید بر خلاف قوانین اخلاقی و جزایی رفتار نموده است، کسی که دارای این نیروی محنوی است و بر اراده دیگران حکمرانی می کند نباید از آن سوءاستفاده کرده و به عصمت، هفت و سایر قوانین اخلاقی و حقوقی اشخاص تجاوز نماید والا قوای مغناطیسی او بکلی از این اعمال بد و ناشایست ضایع خواهد شد.

مزیات مادی :

نگاه مغناطیسی : نگاه مغناطیسی غیر از نگاه معمولی است، برای اینکه بخواهیم کسی را تحت نفوذ خود قرار دهیم و یا به طرف خویشتن جذب نماییم ابتدا در او نگاه مغناطیسی می کنیم که اشخاص تحت تاثیر آن متواضع شده و بی اختیار مغلوب می شوند و در تحت نفوذ ما قرار می گیرند.

حرکات دست : در درجه دوم حرکات دست یعنی پاسها^۱ است که با آن می توان در معمول نفوذ نمود، بطور کلی نمی توان پاسها را برای یاد گرفتن مبتدیان در اینجا نگاشت، زیرا در هر شخص حرکات دست تغییر می نماید؛ در صفحات آتی بعضی از پاسهای معمولی را برای مشق یادآور خواهیم شد.

تشخیص قطبین

هر چیزیکه در طبیعت یافت می شود دارای قطبین مغناطیسی است که اکنون مختصری از قطبین مثبت و منفی موجودات و تشخیص این دو قطب را در جمادات، حیوانات و انسان می نگاریم زیرا در علم مائیه تیزم دانستن آنها لازم می باشد چونکه می توان با نگاهداشتن طرف مثبت چیزی در جلو چشمان معمول تولید خواب کرده و یا با طرف منفی آن، معمول را بیدار نمود.

در جمادات بطور کلی طرفی که مختصری گرم باشد مثبت و طرف دیگر آن منفی است و چنانکه میله ای آهنی را در کوره گرم کنیم طرفی که داخل کوره واقع شده مثبت و طرف بیرون کوره منفی خواهد بود، در نباتات نیز طرف ساقه مثبت و طرف ریشه منفی است.

از حیوانات نیز انسان را که اشرف مخلوقات است انتخاب کرده و در آن مطالعه می نماییم، تمام قسمت پیش روی انسان از جلو سر، صورت و سینه گرفته تا شکم و قسمت جلو پاها تا پنجه پاها نیروی مثبت و تمام قسمت عقب سر، پشت، کمر و بالاخره پشت پاها دارای نیروی منفی است. دست و پای راست مثبت و قسمت چپ بدن منفی است، دست و پای راست با وجود اینکه نیروی منفی نیز دارد بدلیل غلبه نیروی مثبت بر منفی، مثبت محسوب می گردد و بر عکس در دست و پای چپ نیروی منفی بر مثبت غلبه می کند.

هم چنین در جنس نیز قوای مثبت و منفی تفاوت دارند، در مرد قوای مثبت و در زن قوای منفی بیشتر است؛ بالاخره در عضوی که فلج است نیروی مغناطیسی به صورتی نسبی وجود دارد و درعین حال نمی توان با دست مفلوج حرکات دست را که بعداً خواهیم نگاشت انجام داد.

اگر ما دست راست خود را که دارای نیروی مثبت است در پیشانی شخصی که آن هم دارای نیروی مثبت می باشد بگذاریم عمل دفع را انجام می دهیم زیرا چنان که قبلاً نیز ذکر شد قوای هم نام همیشه یکدیگر را دفع می نمایند

و حالت دفع نیز تولید خواب در معمول می کند که بعداً شرحش خواهد آمد و یا بر عکس اگر دست چپ را در پیشانی معمول قرار دهیم عمل جذب انجام داده و این حالت نیز خواب را بر طرف کرده و معمول بیدار خواهد شد و از همین قوای مثبت و منفی دست ها حرکات دست یا پاس ها به وجود آمده که در امر خواباندن خیلی دخالت دارد.

امروزه جهان علم از آهن ربا و نیروی آن استفاده های مهمی می کند، این نیرو در نباتات بیشتر از جمادات و هم چنین در حیوانات بیشتر از نباتات است و هر قدر موجودات تکامل بیشتری می یابند این نیرو نیز در آنها فزونی می یابد و انسان که اشرف مخلوقات است دارای سهم بزرگی از این نیروی حیاتی است و اکنون نیز متأسفانه به دلیل عدم شناخت این علم بهره برداری صحیحی از آن به عمل نمی آورد.

حرکات دست

پاسهایی که در موقع خواباندن معمول، عامل اجرا می نماید به طور کلی

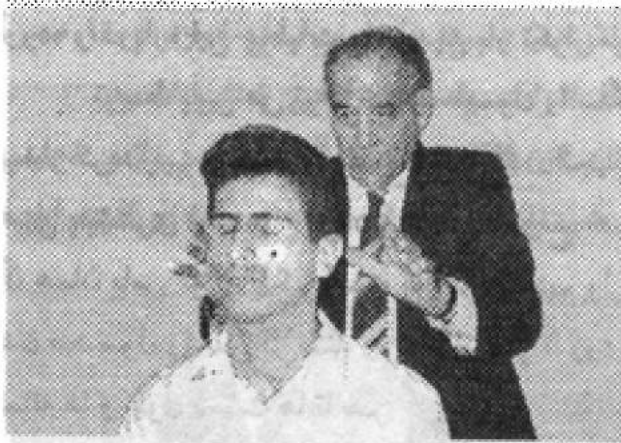
خیلی زیاد است و در هر شخص نیز فرق می کند و ما در اینجا قسمتی از آنها را که مهم و اساسی می باشند می نگاریم.



تصویر ۵-۱ پاس برای خواباندن

حرکات دست را به دو قسمت تقسیم می کنند که یکی برای خواباندن و دیگری برای بیدار کردن بکار می

آید و هر یک از اینها نیز بر دو نوع می باشد که رویم رفته چهار نوع پاس می



تصویر ۲-۵ پاس برای بیدار کردن

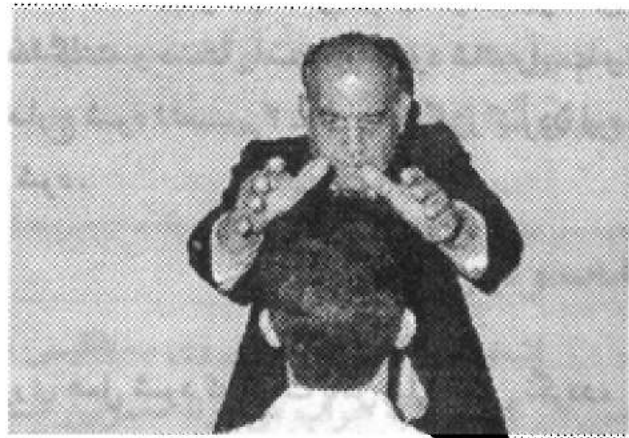
شوند بدین ترتیب :
 پاس برای خواباندن با
 مَس بدن معمول
 پاس برای خواباندن
 بدون مَس بدن معمول
 (تصویر ۱-۵)

پاس برای بیدار کردن
 از بالای سر به پایین
 (تصویر ۲-۵)

پاس برای بیدار کردن از طرف پا به بالا

معمولاً پاسی که برای خواب کردن اجرا می شود بدین ترتیب است :
 در مقابل معمول روی چهار پایه ای کوچک قرار گرفته و از معمول
 خواهش می کنید که غیر از خواب فکر دیگری نکند و خودش را به اراده شما
 بگذارد، ابتدا انگشتان ابهام او را در دست گرفته و در چشمان او نگاه می نمایید،
 چند دقیقه بعد که حرارت بین دو دست شما و معمول مساوی شد دستها را از
 طرفین او تا بالای سرش بلند

می کنید و در روی شانه های او
 دقیقه ای مکث کرده و به
 آهستگی در طول بازوها تا نوک
 انگشتان دست پایین می آورید
 و مجدداً دستها را به طریق اول
 بالا برده و لحظه ای در روی
 سر معمول نگاهداشته و مقابل
 چهره او تا روی ناف پایین



تصویر ۲-۵ پاس برای سنگین کردن خواب معمول

آورده و دقیقه ای در آنجا مکث می کنید و بعد از آنجا تا زانوان و انگشتان پایین

آورده و دوباره این عملیات را چندین بار تکرار می نمایید.

توسط پاس می توان خواب معمول را سنگین کرد (تصویر ۳-۵) و در موقع بیدار کردن نیز پاسها مثل موقع خواباندن انجام می گیرد و فقط دارای سرعت عمل بیشتری است، پاس دیگری برای رفع خستگی معمول به کار می رود و آن همان پاس فوق الذکر است که شرح دادیم ولی قدری سریعتر انجام می یابد و بدن معمول را مَس می کند و ابتدا از سر تا روی شکم مکرر پاس داده و بعداً از



تصویر ۲-۵ پاس افقی

شانه ها و طول دست ها تا سر پنجه معمول ادامه داده می شود تا تمام خستگی سوژه بر طرف شود، پاس دیگری نیز به نام پاس افقی معمول می باشد که برای بر طرف کردن سردرد معمول به کار می آید و در آن دو دست را از پشت

معمول روی هم گذاشته پنجه دست راست را مقابل شانه چپ و پنجه دست چپ را مقابل شانه راست برده بعد به ملایمت از جلو سینه خودتان و سر معمول می گذرانید بطوریکه دستها از هم جدا گشته و دست راست از حدود شانه راست و دست چپ از حدود شانه چپ خارج شود (تصویر ۲-۵) و با مکرر کردن این پاس، سردرد معمول بر طرف می شود.

نکات لازم

باید در موقع پاس دادن طوری عمل شود که اثرات پاس قبلی خشی نگردد، بدین جهت نکاتی چند را باید مراعات کرد :

در موقع بالا بردن دست ها به طرف سر معمول باید سینه را قدری

عقب کشیده و نوک انگشتان دو دست را بهم قفل نمود و تا سر معمول همین طور پیش برد تا اثرات پاسهای قبلی خنثی نشود. بایستی اقلأ در ظرف ۳۰ ثانیه از بالای سر تا روی شکم پاس دهید و انگشتان دست را کمی از هم باز نمایید (تصویر ۵-۵) و البته این



تصویر ۵-۵ پاس برای خواباندن

مدت باید در پاسهای خواباندن مراعات گردد زیرا پاسهای بیدار کردن عموماً سریع می باشند. فاصله انگشتان بایستی از بدن معمول تقریباً ۲ الی ۴ سانتی متر باشد، این نیز در پاسهای بدون مسّ مراعات می شود در

صورتیکه در پاسهای مسّ دار بایستی کف دست لباسهای معمول را لمس کند.

برای یاد گرفتن پاسها، عاملین مشق های مختلفی دارند که هر روز آنها را انجام می دهند، در نتیجه، حرکات دست ایشان دارای تاثیر است که دست های معمولی آنها ندارند.

معمولین حساس

اشخاصی که مجذوب نیروی مغناطیسی می گردند و به اوامر مانیه تیزور عمل می کنند و یا به خواب می روند معمولین حساس نامیده می شوند که در اناث و ذکور بودن معمول تفاوتی نیست ولی باید دانست که تمام مردم به اندازه کافی حساس نیستند و به خواب نمی روند، حساس در اصطلاح این فن به معنی کسی

است که سیالات مغناطیسی را که از بدن عامل خارج می شود در خود جمع کرده و به خواب رود.

مطابق آماریکه دانیان این علم بعد از تجربیات زیاد بدست آورده اند از یکصد نفر اشخاص سالم و نیرومند که هیچ بیماری نداشته باشند ۱۳ نفر در مدت ۳ الی ۱۰ دقیقه و ۲۲ نفر در مدت ۲۰ الی ۴۰ دقیقه به خواب می روند و برای ۶۵ نفر باقی، عاملی خیلی قوی و مجرب لازم می باشد که قسمتی از آنها را به خواب برد، بعضی مانیه تیزورهای قوی از یکصد نفر ۸۰ نفر را کاملاً به خواب برده اند؛ بیماری باعث حساسیت معمول می شود و در نتیجه تمام بیمارها در مقابل قوای مغناطیسی زود مغلوب می شوند.



تصویر ۶-۵ انتخاب معمولین حساس

کودکان بین ۸ تا ۱۵ سالگی مستعد خواب هستند و از ۱۵ تا ۲۵ سالگی نیز می توان آنان را به خواب برد و از ۲۵ تا ۳۰ سالگی عده حساس کمتر و از ۳۰ تا ۶۰ سالگی عده کمی به خواب می روند و از ۶۰ سالگی به بالا همه را می توان خواباند ولی باید مواظب بود که قلب بیمار یا معمول ضعیف نباشد که در موقع عملیات موجب خطر شود.

برای خوابهای سمنامبولی اشخاصی که بین ۸ تا ۲۵ سالگی هستند مستعد می باشند و اطفال کوچکتر از ۸ سال برای این خواب خطرناک هستند.

طرز شناختن معمولین حساس با مانیه تیزم بدین ترتیب است :

عامل دستهای خود را بر استخوانهای پشت و یا شانه های معمول می گذارد که پس از گذشت مدتی کوتاه معمول در بدن خود احساس گرما می کند و بعداً نیز احساس سنگینی در سر می نماید و چنانکه عامل دستهای خود را به عقب

بکشد معمول نیز با آنها جذب عقب خواهد شد (تصویر ۶-۵) و اگر عمل ادامه داده شود معمول در تمام بدن احساس سنگینی کرده و به خواب می رود.

کسمان ۲ معمولین حساس را با طریق ذیل انتخاب می نمود:

دو انگشت دست راست خود را به دست معمول داده و می گفت که «آنها را فشار دهید» و بعد از چند دقیقه می پرسید که «چه حس می کنید» و چنانکه تاثیر می کرد باز تلقین می نمود که «بیشتر فشار دهید و دیگر نمی توانید دست مرا ول نمایید» معمول نیز در نتیجه نمی توانست انگشتان خود را باز نماید.

اثرات مانیه تیزم در بدن انسان

اگر دست راست را درپیشانی معمول بگذارید، علامت دفع می باشد و معمول به خواب می رود و بر عکس با دست چپ علامت جذب حاصل می شود و معمول از خواب بیدار می گردد.

علائم دفع در بدن معمول عبارت است از :

احساس حرارت.

ناراحتی.

تحریکات عصبی.

ریزش خون که از سرخی پوست بدن معلوم می شود.

انقباض اعضای بدن.

علائمی که از جذب در معمول پیدا می شود عبارت است از :

حس خنکی و سلامتی

دوران آهسته و منظم خون که در نتیجه مداومت، اعصاب بدن را

به طرف رخوت و مستی می برد.

چنان که دست چپ را زیاد در پیشانی معمول قرار دهیم دچار بی حسی می

شود و بر عکس با دست راست خواب معمول سنگین تر می گردد. این بود اختصاراً تعریف اثراتی که مانیه تیزم در بدن انسان دارد ولی باید مانیه تیزور مواظب باشد که دست چپ خود را بیشتر از اندازه در پیشانی معمول نگاه ندارد زیرا چنان که نوشتیم معمول را بی حس می نماید.

فرق مانیه تیزم و هیپنوتیزم

نیروی مانیه تیزم یکی از قوای طبیعی محسوب می شود و در همه موجودات وجود دارد، اگر از این نیروی شریف که کائنات از آن پیروی می کنند و مطابق قوانین عمومی آن، کرات مختلف، مدار خود را سیر می نمایند، سوء استفاده شود، طبیعت دیر یا زود انتقام خود را خواهد کشید؛ این نیرو باید در راه عمومی، اجتماعی، خیر و صلاح نوع بشر و تداوی روحی صرف شود. هیپنوتیزم با مانیه تیزم فرق زیادی دارد و نباید آن دو را با هم اشتباه کرد، مانیه تیزم چنان که بارها اشاره کرده ایم همان مغناطیس شخصی است که یک نوع جاذبه می باشد، ولی هیپنوتیزم عبارت از خواب مصنوعی است که توسط اشیا صدادار، چراغهای پر نور و یا چیزهای دیگر انجام می یابد؛ اشخاص عصبانی و صرعی برای این خوابها مستعد می باشند ولی اشخاص سالم را مشکل بتوان هیپنوتیزم کرد در صورتی که با مانیه تیزم هشتاد درصد اشخاص سالم به خواب می روند و یا متأثر می شوند.

برای یاد گرفتن علم هیپنوتیزم ریاضت لازم نیست و فقط متانت و بردباری در این علم انسان را موفق می کند ولی مانیه تیزم محتاج ریاضت است فرق دیگری که خیلی مهم است عبارت از بی نظم بودن خوابهای هیپنوتیزمی است در صورتی که خوابهای مانیه تیزم مرتب و منظم بوده و یکی پس از دیگری سنگین می شود و هم چنین اعمال هیپنوتیکی خطرناک است، علمای فن، هیپنوتیزم را مضر دانسته و بر آن باورند که هوش و ذهن را کند می نماید ولی بر عکس مانیه

تیزم دقت و حافظه را قوی کرده و به قوای معنوی انسان می افزاید؛ نیروی مانیه تیزم بهترین وسیله برای نگاهداری تعادل قوای جسمانی و روحانی است و به این حلل است که مانیه تیزم را برتر از علم هیپنوتیزم می دانند و اکنون در بیشتر نقاط جهان علما و پزشکان این علم را یاد می گیرند.

هیپنوتیزم دارای هیچ نوع قوایی نیست و می توان گفت که مردم را توسط اشیایی که برای خوابهای مصنوعی بکار می رود، اغفال می نماید ولی مانیه تیزم دارای نیرویی طبیعی است که در انسان از چشم و نوك انگشتان خارج می گردد که حیوانات نیز دارای این نیرو می باشند و از آن استفاده می کنند.

فوائد و نتایج مانیه تیزم

یگانه مقصود از دانستن مانیه تیزم تداوی بیماریهای مختلف می باشد ولی نباید تصور کرد که مغناطیس حیوانی معالجات کل بیماریها بوده و باید خط بطلان بروی علم طب و اطبا کشید بلکه مانیه تیزم قادر است که غالب بیماریها را تضعیف نموده و برخی را نیز که بیماریهای روحی و عصبی دارند معالجه نماید.

کاری را که کلرفرم در بیهوش کردن بیمار می کند با نیروی مانیه تیزم می توان عملی نمود یعنی بدن بیمار را بی حس کرده و عملیات جراحی را درباره اش انجام داد و بدین جهت دانستن این علم برای جراحان پر استفاده می باشد.

تقریباً تمام بیماریهای عصبی را به وسیله مانیه تیزم به طریقی آسان تداوی می توان نمود و امروزه پزشکان جهان بر آنند که یگانه وسیله تداوی این گونه بیماریها مانیه تیزم می باشد، به طور کلی این علم در طب بیشتر مورد استفاده قرار گرفته و ممکن است در آتی در دانشگاه ها این علم مورد توجه بیشتر واقع گردد، نه تنها بایستی پزشکان این علم را یاد بگیرند بلکه برای آموزگاران، دبیران و استادان که متصدی تربیت کودکان، جوانان، مردان و زنان آینده هستند دانستن آن ضرورت دارد زیرا می توان با نیروی مغناطیسی اشخاص تنبل را کاری و

شاگردی را که در درس نمی کوشد و هلاقه نشان نمی دهد ساهی کرد و بهمین جهت مانیه تیزم بهترین و سهلترین وسیله برای تربیت اطفال است.

کودکی که در مدت یکسال چیزهایی را در خاطر می سپارد و یاد می گیرد ممکن است با مانیه تیزم آن را در عرض دو ماه باو یاد داد با نیروی مانیه تیزم می توان ترك سپگار کرد بطوریکه دیگر شخص معتاد میل استعمال آن را نداشته باشد و حتی از بوی آن خوشش نیاید، بدون اینکه تغییراتی در حالت عمومی بدنش پیدا شود.

برای قضات نیز آگاهی از این علم لازم است و ممکن است که مجرمی را توسط آن مجبور به اقرار نمود و بدین وسیله حق را از باطل تشخیص و تفریق نمود.

تمام قوای معنوی را می توان توسط مانیه تیزم در خود و دیگران تقویت نمود و بهمین جهت برای جامعه، علم مغناطیس چیزی فوق العاده پر ارزش است و در آتیه ممکن است که با ترقی این علم دیگر بشر احتیاجی به دارو و غیره نداشته باشد.

دورویل، مانیه تیزور مشهور فرانسه می نویسد که «سل درجه سوم را با این نیروی طبیعی مداوا کرده» آیا با این ترقی نباید انتظار آنروزی را داشته باشیم که بشر معنی بیمار بودن را نفهمیده و به خوشی و سلامتی زندگی معادتمندی را داشته باشد.

خوابهای مرکب

۶

برای اینکه انسان در این علم حقیقتاً مجرب شود بایستی هر یک از اصول خواب کردن را یاد بگیرد تا بتواند معمولین حساس را با تلقین و القا، هیپنوتیزم و مانیه تیزم جمعاً و یا هر یک به تنهایی بخواباند. استادان، امروزه برای اینکه بتوانند شخصی را به آسانی به خواب برند اعمال مانیه تیزم، هیپنوتیزم و تلقین و القا را در یک زمان اجرا می کنند که با این روش می توان هشتاد درصد اشخاص سالم را به خواب برد، مثلاً برای اینکه جراح، در بیمار عملیات جراحی را انجام دهد، خوابهای مرکب را بکار بسته و بیمار را به طور ساده و آسان خواب و عملیات جراحی را درباره او انجام می دهد. بدین ترتیب که عامل در برابر معمول ایستاده و امر به نگاه در چشمان خود را می نماید و همچنین تلقین می کند « بخواب، سرتان کم کم سنگین می شود، بخواب الخ » و خود عامل در چشمان معمول نگاه می نماید و دست راست را نیز در پیشانی او قرار می دهد که در نتیجه این عمل معمول زودتر به خواب می رود، پس از خوابیدن با تلقین و پاسهای متوالی خواب را سنگین کرده و مشغول عملیات جراحی می شود.

تأثیرات عمومی

استادان در موقع خواباندن معمول سه حالت مختلف را در آنها مشاهده می کنند و آنها عبارتند از :

در حالت اول معمولی که به خواب رفته در موقع بیدار شدن هر چه در موقع خواب بر او گذشته و هر واقعه ای که جریان داشته است به خاطر حفظ می کند و فراموش نمی نماید و چنانکه بعد از بیداری از ایشان شرح وقایع را بپرسند تمام آنها را بی کم و کاست بیان می کند.

در حالت دوم معمول حرفهای حامل را خوب می شنود و آنها را به هیچ عنوان فراموش نمی کند ولی به اشخاص دیگری که در آنها هستند اعتنا نکرده و به حرفهای آنان گوش نمی دهد و بعد از بیداری نیز آنها را فراموش می نماید ولی ممکن است صحبت دیگران را به خاطر بیاورد ولی موضوع آن را نتواند معین کند که درباره چه چیز صحبت می کرده اند.

در حالت سوم معمول هیچ چیز را به خاطر نمی تواند بسپارد و ممکن است بعد از بیدار شدن اصلاً متکر خواب بودنش باشد، چنانکه کسی را در این حالت ۲۴ ساعت یا بیشتر نگاهدارند مثل اینست که این مدت اصلاً وجود نداشته و چیزی به خاطر ندارد؛ جراحان باید برای عملیات جراحی، معمول را در این حالت نگاهدارند.

شرایط اتاق عملیات

شرایطی که بایستی اتاق عملیات دارا باشد عبارتند از :

اتاق باید دارای هوای کافی باشد، چون معمول و مانیه تیزور چند ساعت را در یک اتاق سپری خواهند کرد لذا بهتر است که اتاق

وسیع باشد و هوای کافی برای چند ساعت آنان داشته تا موجب ناراحتی بیمار نشود.

هوای اتاق باید نه گرم و نه سرد باشد، زیرا در هوای ملایم معمول راحت تر به خواب می رود، گرمی باعث تعرق و سردی نیز سبب لرز و بالاخره ناراحتی بیمار می شود و بهمین جهت ملایم بودن هوای اتاق شرط عملیات است.

اتاق باید خلوت باشد، اگر در اتاق سرر صدا شود موجب پریشالی فکر و ذهن عامل و معمول می گردد و تمام زحمات استاد را به هدر می دهد و ثانیاً اتاقی که در آن تداوی روحی یا عملیات جراحی انجام می یابد مقدس است حضور تماشاچی در آنجا مورد ندارد و بهمین جهت خلوت بودن اتاق نیز شرط می باشد.

این شرایط را باید مراعات کرد تا خوب و بهتر در عملیات موفقیت حاصل شود.

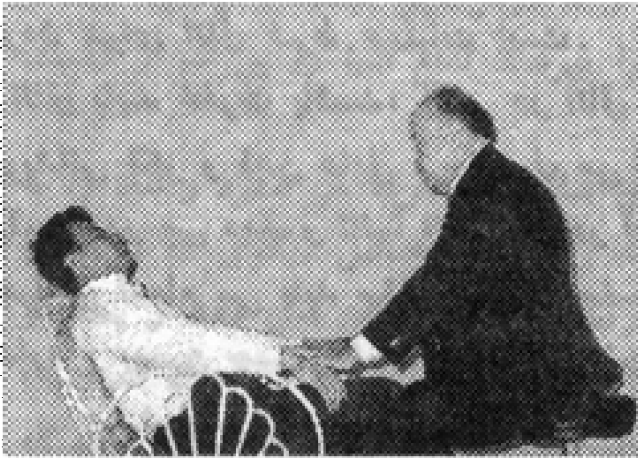
طریقه تحت تاثیر گرفتن

برای اینکه شخصی را خواب کنیم ابتدا باید او را تحت تاثیر بگیریم و اراده اش را سلب نماییم، هر استادی طریقه بخصوصی دارد که بعداً آنها را خواهیم نگاشت ولی در اینجا مجعلاً طریقه ای را یاد می دهیم که باید آن را تمرین کرد، که در صورت دارا بودن نیرو و قدرت مغناطیسی، در روی معمول تاثیر خواهید گذاشت.

معمول را، راحت روی صندلی می نشانید و خود در برابر او نشسته و دو انگشت شست او را در دست خود نگاه می دارید بطوریکه ناخنهای شما و معمول به طرف بیرون واقع شود و دستها از طرف داخل بهم متصل باشند در ضمن زانوهای معمول را جفت کرده و میان دو زانوی خود قرار می دهید و پاهای خود

را نیز به پاهای او متصل می کنید (تصویر ۱-۶) و در ریشه چشمانش نگاه می نمایید و تلقین را شروع کرده و دستور می دهید که در چشمان شما نگاه نماید، بعد از چند دقیقه معمول در بدن خود احساس حرارت می کند و کم کم اراده اش نیز سلب شده و مطیع می شود و با تلقین « بخواب » زود به خواب می رود و برای بیرون آوردن او از این حالت

نیز در چشمانش فوت کرده و دستها را بهم می زنید و می گوئید « تمام شد » و معمول در این موقع به حالت عادی بر می گردد.



تصویر ۱-۶ تحت تاثیر گرفتن معمول

اصول خواب

ابتدا معمول را تحت تاثیر می گیرید و از سر تا نوک انگشتان پا چندین پاس می دهید، باید در این موقع چشمانتان را از ریشه چشم معمول بر ندارید و تلقین خواب کنید و موقعی که چشم های معمول بسته شد شروع به پاس کرده و همچنان تلقین را ادامه دهید تا هر آن خوابش سنگین تر شود، در موقع خواب کردن باید حواس استاد جمع بوده و کم حوصله نباشد زیرا مختصر حواس پرتی و کم حوصلگی عملیات را ختی می نماید و بهمین جهت خلوت بودن اتاق را شرط دانستیم، در حین عمل بهتر است که هم با مانیه تیزم و هم با هیپنوتیزم و همچنین تلقین و القا کار کرد تا در امر خواباندن بهتر موفق شد، خوبست که قبل از تحت تاثیر گرفتن چندین پاس از رستن گاه موی سر در پیشانی تا بالای سر معمول بدهید، این عمل برای سنگین کردن سر معمول مفید است و چنان که استاد بخواهد عملیات جراحی را در بیمار انجام دهد بایستی اول امتحان کند که آیا خوب به خواب رفته است یا نه، چنان که به خواب نرفته باشد باید پاسهای زیادی

بدهد تا خوابش سنگین تر شده و معمول به حالت سوم [رجوع به، تاثیرات عمومی] بیفتد تا عملیات جراحی به خوبی انجام گرفته و بی خطر باشد.

اجرای اوامر عامل در خواب

بعد از تحت تاثیر گرفتن چنانکه خواستید کاری را معمول انجام دهد بایستی خودتان با اطمینان کامل آنرا از تصور خود بگذرانید و تلقین را موقرانه و با صوتی قشنگ و خوش آیند ادا نمایید هم چنین هر عملی را که خواستید، سوژه انجام دهد خوبست که قبلاً خودتان آن عمل را در برابر او انجام دهید تا معمول بی اختیار از شما تقلید نماید.

در حالت اول [رجوع به، تاثیرات عمومی] می توانید معمول را بهر سمت که بخواهید جذب کنید و یا تعادل بدن او را بهم بزنید به نحوی که مثل مست ها تلو تلو بخورد و یا اینکه می توانید امر کنید، معمول دهانش را باز کند و قادر به بستن آن نباشد، یا اینکه مجبور به تعقیب شما شود و بالاخره هر عملی که خواستید انجام آن در معمول ممکن است و معمول قدرت مقاومت در برابر عامل را نخواهد داشت.

با تلقین جسمی سبک را می توان طوری سنگین کرد که دیگر قادر به حرکت دادن آن نباشد، یا خود معمول را در جای خود به قسمی خشک کرد که قادر به حرف زدن و راه رفتن نباشد و چنانکه خود عامل عملیات را خشی نکند همچنان معمول بی حرکت خواهد ماند و همچنین می توان حواس معمول را در خواب دچار اختلال کرد.

اختلال حواس

بعد از تحت تاثیر گرفتن با تلقین می توان حواس معمول را مختل کرد،

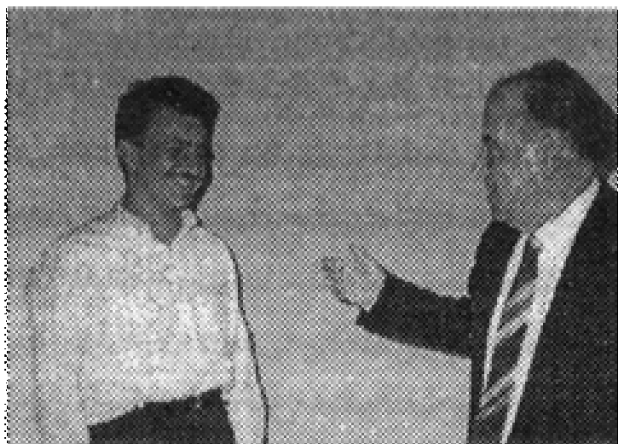
مثلاً قند را به جای نمک و نمک را به جای قند و با چیزهای دیگر را به معمول تلقین کرد تا طعم آنها را حس نماید، دخالت در ذائقه را *اختلال ذائقه* می نامند و هم چنین دخالت در هر کدام از حواس معمول (تصویر ۲-۶) را اختلال آن حواس گویند.

چنانکه به معمول تلقین شود که بوی عطر گل سرخ می آید حقیقتاً آن را حس خواهد کرد، همچنین می توان به معمول تلقین کرد که بوی شیشه ای که مقابل بینی اش گرفته شده دماغش را متاثر خواهد نمود، بالاخره چیزی که به چشم دیده نمی شود و پا در اتاقی که چیزی وجود نداشته و حامل و معمول در آنجا مشغول عملیات هستند می توان با تلقین، هر چیزی را در برابر چشمان معمول مجسم کرد.

صدایی که اصلاً وجود

ندارد می توان در سامعه او تولید کرد و با صدای موزیک رقصی را تصویراً در اتاق تولید نمود تا معمول شروع به خواندن و رقصیدن کند.

هوای اتاق را می توان با تلقین سرد و گرم نمود و ممکن است چیزی سرد را به



تصویر ۲-۶ دخالت در حواس

دست او داد و گفت که مثل آتش گرم است که معمول زود آنرا دور خواهد انداخت و مثل اینست که حقیقتاً دستش را می سوزاند، بالاخره می توان نتایج خوبی از اختلال حواس گرفت که در تداوی روحی خیلی دخالت دارد و به این طریق به جای دارو تنها با آب خالص می توان بیشتر دردهای معمول را معالجه کرد.

دستورات خواب

۷

عده ای از مانیه تیزورهای مشهور جهان بعد از سالها کار و تجسس هر یک اصولی خاص از خود به یادگار گذاشته اند که اکنون به بررسی برخی از آنها در این کتاب می پردازیم که به نام خود ایشان موسوم می باشد.

دستور دکتر برنهایم

به سوژه می گفت که « فکر خواب را کند » و در چشمان او نگاه کرده و امر می نمود که « نگاه خود را در چشمان وی معطوف دارد » در آن هنگام شروع به تلقین کرده و در آن اصرار می ورزید و با دو دست خود از برابر چشمهای معمول از بالا به پایین چندین پاس می داد و آمرانه می گفت « بخوابید »، دکتر برنهایم همیشه سوژه را با این اصول به خواب می برد.

اصول دکتر ریشه

در برابر معمول می نشست و انگشتان بزرگ او را در هر یک از دستانش می گرفت و تقریباً مدت سه و یا چهار دقیقه فشار می داد و بعد از بالا به پایین از برابر

چشم های او پاس می داد و او را به خواب می برد، البته این اصول برای مجربین و استادان آسان است و برای آنانی که تازه شروع به عملیات کرده اند خیلی مشکل می باشد.

دستور راهب فاريا

سوژه را راحت می نشانید و می گفت که « در فکر خواب باشد » و در



تصویر ۱-۷ اصول راهب فاريا

چشمان او نگاه کرده، دست راست خود را آمرانه بلند نموده و چشمان خود را به معمول معطوف می کرد و بعداً چند قدم پیش رفته و امر به خوابیدن می نمود و سپس به سرعت دست خود را پایین می آورد و شخص را می خوابانید، چنانکه این عمل در

سوژه تأثیری نمی بخشید (تصویر ۱-۷) پیش می رفت و نوک انگشتان را جمع کرده و در پیشانی او قرار می داد و آمرانه تلقین خواب می نمود.

اصول خواب کرلینک

کرلینک^۱ معمول را راحت می نشانید و صندلی را طوری می گذاشت که روشنایی از پشت معمول می افتاد و می گفت « در فکر خواب باشد » و هم چنین دستهای خود را روی دست های معمول گذاشته و بدون اینکه تلقین را قطع کند

چشمان خود را در چشم معمول دوخته و می گفت « پلک چشمان شما آرام سنگین می شود » و در این امر اصرار می نمود و سپس چند پاس از سر تا روی معده داده و از بالا به پایین به طور سنگین پایین می آورد و بعد انگشتان شست خود را در روی پلکهای چشمان او می گذاشت و مختصر فشاری وارد می آورد و تلقین می نمود « راحت بخوابید . »

دستور پیکمان

پیکمان^۲ معمول را سر پا نگهداشته و خود در طرف چپ او قرار می گرفت و در برابر چشمان او تقریباً به فاصله ۱۵ سانتی متر انگشتی را که در انگشت دست چپ اش بود نگاه می داشت تا نظر او را به آن معطوف دارد، سپس دست راست را در پشت معمول می گذاشت و پا به سر و پشت او در امتداد ستون فقرات پاس می داد تا اینکه سوز به خواب می رفت .

اصول دکتر لیه بو

دست خود را در پیشانی سوز قرار می داد و برای بستن پلکهای چشم معمول، آنرا آرام آرام و سنگین پایین می آورد، در عین حال با صدایی که کم کم سنگین می شد تلقین می نمود که « پلکهای چشمان تو سنگین شده و بسته می شوند، بخوابید » و اصرار می کرد تا سوز به خواب می رفت .

اصول کسمان

در برابر سوز نشسته و می گفت « چشمهای خود را ببندد » بعد دستهای سوز را به دست می گرفت به طوریکه انگشتان شست خود و معمول بهم متصل

باشد و تلقین می کرد که «مقاومت ننمایید» و در ظرف ۲ تا ۱۰ دقیقه چشمان معمول سنگین شده و سپس چند پاس به سر او می داد تا می خوابید.

دستورات خواب موتن

موتن^۳ معمول را به راحتی می نشانید و انگشتان شست خود را به انگشتان شست او متصل کرده دستهای معمول را در دستهای خود می گرفت و می گفت که «به چشمانش نگاه نماید»، نظر خود را نیز در چشمان معمول معطوف می کرد، در این حالت از ۱۰ تا ۱۶ دقیقه مکث می کرد، چنانکه سوزه حساس بود زود می خوابید (تصویر ۲-۷) زیرا این مدت برای به خواب رفتن معمول حساس کافی می باشد.



تصویر ۲-۷ اصل موتن

آنوقت دستهای او را رها می کرد و بر پا می ایستاد و دستهای خود را تا بالای سر او بلند نموده و به فاصله چند سانتی متر نگاه می داشت بعد از چند ثانیه مکث از طرفین سر او دستها را پایین می آورد و در برابر گوشهای معمول نیز مجدداً چند ثانیه ای صبر می نمود.

بعد انگشتان خود را قائم به بینی او نزدیک کرده و متعاقباً سنگین و آرام و بدون تماس تا شانه های او پایین می آورد و تا آرنج او پاس را امتداد می داد و مکرر دستها را بالای سر معمول برده و تقریباً پنج دقیقه به این عملیات ادامه داده و چند پاس دیگر از سر تا نوک انگشتان پای معمول انجام می داد تا بی حسی بطور

کامل فراهم گردد. البته دستور موتن برای معمولین غیر حساس است و معمولین حساس زود به خواب می روند و احتیاج به این قدر پاسهای متعدد را ندارند.

اصول دکتر ژ. بوننه

این اصول برای معمولینی که در مقابل عامل مقاومت می کنند و به خواب نمی روند شایان توصیه می باشد، خود دکتر می گوید «در هر حالتی اصول مختلف مغناطیسی و تلقین را مخلوط کرده و استفاده می کنم و این هم نتیجه تحقیقات، بدون غرض من می باشد» و در نتیجه ظرف چند دقیقه اثرات خواب در معمول آشکار می شود، دکتر بوننه^۲ تکرار می کند «وضع سوزنه از دو حال خارج نیست یا می تواند سر پا بایستد و یا نمی تواند»، چون حالت اول یعنی سر پا ایستادن مهم است به شرح آن می پردازیم.

به معمول می گوییم «متین و راست بایستد و دست هایش را بطور آزاد نگاه دارد و سرش را بالا و چشم هایش را باز کند» و با انگشتان برای بستن چشمها از بالا به پایین تا روی چشم ها چندین پاس داده و فشار خفیفی به چشم سوزنه وارد می کنیم و بعد به پشت سر او رفته و دستهای خود را روی استخوانهای پشت قرار می دهیم طوری که انگشتان شست نزدیک به ستون فقرات واقع شوند و انگشتان دیگر به طرف بالا قرار گیرد بعد از ۱۵ تا ۳۰ دقیقه دیگر بگویید که «به دستهای شما تکیه کند» و آنوقت دستها را به طرف عقب آرام آرام می کشید و چنانکه سوزنه نیز به عقب مایل شد و حالت مجذوبی را در خویشتن احساس نمود می توان گفت که حساس است، چنانکه در سوزنه جزئی مقاومت و احتراز از افتادن مشاهده گردد آنقدر حساس نیست و چنانکه این عملیات هیچ تاثیری نبخشد و یا تاثیرش کم باشد دو باره به کمک تلقین شروع به تجربه نمایید و تلقین کنید که «به طرف عقب و دستهای شما جذب می شود» و چنانکه مختصری حس نمود،

1) Dr. Bonnet

بگویید که « با تمام ایمان و اعتقاد خود را آزاد گذاشته و از افتادن نترسد » و قبلاً نیز خبر دهید که در موقع افتادن مانع زمین خوردن ایشان خواهید بود.

سپس دستهای خود را دو یا سه دقیقه در روی استخوانهای پشت او قرار داده و بگویید « ترك مقاومت کند » و بعد بدون اینکه دستهای شما از بدن او جدا شوند مختصری عقب بکشید و چنانکه سوزنه حساس باشد حرکات شما را تعقیب میکند و بدون اینکه پاهای خود را حرکت دهد به طرف عقب جذب می شود، چنانکه این عملیات نیز تاثیری نداشته باشد می توانید توسط یک دست از بالای ستون فقرات تا پایین آن مالش دهید و دست دیگر را روی معده او قرار دهید، یا اینکه با دو دست از طرفین ستون فقرات مسّ کنید و هنگام این عملیات شفاهاً و با تمرکز فکری متاثر شدن کل اعصاب و راحتی سوزنه را تلقین نمایید.

بعد از چند ثانیه دیگر می توانید ران و پشت سوزنه را مالش دهید، اگر باز تاثیری حاصل نشود آنگاه یک دست خود را روی پیشانی او قرار دهید و با انگشت کوچک همان دست چشم های بسته معمول را قدری فشار داده و دست دیگر را در

پشت سرش قرار دهید و بعد

به سرش چند پاس بدهید و اگر حساس باشد متاثر شده و به طرف عقب جذب خواهد شد و یا بدنش سنگین می شود و چنان که حساس نباشد و نتیجه ای گرفته نشود ممکن است با تلقین در سوزنه نفوذ کرد، به عبارت دیگر به تلقینات خود ادامه دهید.



تصویر ۲-۷ استفاده از حباب، اصول دکتر ژ-برنه

حبابی را در برابر چشمان معمول قرار داده و یا به دست خود معمول می دهید تا در آن نگاه نماید (تصویر ۳-۷) و فکر خواب را بکند و آن وقت ایشان را

ترك کرده و بگذارید ۴ تا ۵ دقیقه بدان حباب نگاه نماید و چون سر پا ایستاده است بایستی مواظب باشید تا موازنه خود را حفظ کرده و چشمهایش بسته و به زمین نخورد.

چنان که معمول از تجربه های شما خسته شود آنگاه او را می نشانید و باز حباب را به دستش می دهید و می گوئید « در ۳۰ یا ۴۰ سانتی متری معده یا چشمان خود نگاهدارد و نظر خود را معطوف به آن نماید و فکر خواب کند » و ۵ تا ۲۰ دقیقه این حالت حفظ شود تا خوب تاثیر نماید، معمولی که حساس است در آن هنگام چشمهای خود را می بندد و اگر چشمانش بسته نشود خودتان کمک کنید و چشم های سوژه را ببندید بعد تلقین نمایید که « چشم های شما دیگر باز نمی



تصویر ۴ - ۷ بی حسی توسط مانیه تنیوم

شوند » و چنان که نتوانست باز کند، حساس است و اگر باز کرد مجدداً سر معمول را مالش می دهید و برای دفعه دیگری جلسه را واگذار کرده و عملیات را ختم می نمایید، زیرا ممکن است در اولین جلسه به خواب نرود ولی در جلسه دیگر خوب و بهتر بخوابد.

دستور خواب

کف دست راست را روی سر معمول بگذارید و انگشت ابهام را در برابر چشمانش نگاهدارید تا بدان نگاه نماید و خودتان نیز در چشمان او نگاه کنید تا به خواب رود و بعد از خواب شروع به پاس دادن نمایید.

اخطار و دستور

چنان که کسی را به خواب بردید بهتر است که تلقین نمایید « هر آن خواب تو سنگین تر می شود و بدون اجازه من نمی توانی بیدار شوی، بخواب » نباید این تلقینات را فراموش کرد.

تنبیه

اگر شب خواستید کسی را به خواب ببرید، بهتر است که طوری او را بنشانید که روشنایی از پشت سر او بتابد زیرا در این حالت خوب و راحت به خواب می رود.

اشخاص خسته زودتر به خواب می روند و برای همین منظور قبل از خواباندن، معمول بهتر است دستهای را قدری افقی نگاه دارد تا مختصری تولید خستگی شود و عامل به خود فشار و زحمت بیشتری وارد نسازد.

وقتی معمول را به خواب بردید معمولاً این تلقین را به تلقینات خود اضافه می نماید :

« قلب و ریه و دیگر اعضای حیاتی بدن شما خوب کار می کنند و خون در بدن شما جریان عادی دارد و نفس های معمولی می کشید » این تلقینات باعث می شود که در موقع بیدار شدن معمول در خود خستگی احساس نکرده و در موقع خواب نیز ناراحت نمی شود.

تبدیل خواب طبیعی

اشخاصی که در خواب حرف می زنند و یا اینکه حرکت می نمایند، می

توان خواب طبیعی ایشان را به خواب مصنوعی تبدیل کرد.

برای این منظور ابتدا از سر تا روی معده شخصی که خوابیده است چندین پاس می دهید و تلقین خواب می نمایید، در تلقین و پاس اصرار زیاد باید کرد تا خواب او عوض شود و برای امتحان اینکه خوابش تبدیل یافته یا نه می توانید آرام دستش را بلند نمایید و تلقین کنید که «دست شما خشک شده و دیگر نمی توانید آنرا پایین بیاورید» آن وقت دست او را رها می کنید چنانکه به پائین افتاد هنوز خوابش تبدیل نیافته است و اگر همان طور خشک ماند و نتوانست پایین بیاورد می توان اطمینان در تبدیل خوابش داشت.

اگر خواب طبیعی معمول عوض شده باشد می توانید از او سوالاتی را بنمایید و جواب بگیرید، که طریقه به حرف آوردن معمول را نیز در این جا خواهیم نگاشت.

طریقه دیگری برای تبدیل خواب طبیعی به مصنوعی موجود است که اول تنفس را با تلقینات خود منظم می نمایید و چنانکه تنفس معمول نیز در خواب طبیعی مطابق با تنفس شما گردد حتماً خوابش تبدیل یافته است و آن وقت نیز می توان خوابش را سنگین کرده و سوالاتی از سوژه نمود که بعد از بیداری به خاطر نیاورد.

طریقه به حرف آوردن معمول

عده ای از معمولین پس از خوابیدن به سوالات عامل جواب می دهند و بعضی نیز ممکن است جواب ندهند، برای به حرف آوردن معمول در این موقع چندین طریقه وجود دارد، به گلولی معمول چند پاس داده و نوك انگشتان دست خود را، در پیشانی او قرار می دهید و دست چپ را در تهی گاه معده او می گذارید و تلقین می کنید تا جواب «بلی» و یا «می شنوم» را بگوید. چنانکه باز جواب ندهد یا مختصری لبش را تکان داده ولی نتواند حرف بزند آنگاه بطور

آمرانه تلقین می کنید و چند پاس دیگر به گوش و گلوی او می دهید تا جواب دهد.

معمول را راحت نشانده و خواب می کنید، بعداً چند پاس به گوش های او داده، سؤال می کنید « صدای مرا می شنوید » چنانکه جواب داد سوالات دیگر را می توان نمود و اگر جواب ندهد می توان به گلوی او پاس مسّ دار داده و بعداً خم شده دست چپ را در تهی گاه معده او و دست راست را در سر و پا پیشانی او قرار داد و باز هم سؤال نمود، اصرار در این موقع معمول را مجبور می کند که به سوالات جواب دهد.

تلقین برای آتیه

در خواب به معمول می توان امری را تلقین کرد، تا پس از مدت معینی چه یک روز، چه یکماه و چه یکسال آن را اجرا نماید.

بدین منظور بعد از خواباندن معمول، دست چپ او را در دست چپ خود می گیرید و دست راست را در پیشانی معمول قرار می دهید آنگاه تلقین برای آتیه می نمایید و در آن اصرار می ورزید تا معمول جواب دهد که فراموش نکرده و حتماً در وقت معین آنرا اجرا خواهد کرد، پس از بیدار شدن البته همان امر را به خاطر نخواهد آورد ولی در وقت موعود بی اختیار پی آن امر خواهد رفت، بایستی برای این عمل عملیات بیشتری در معمول انجام داد و نمی توان در یک جلسه خواب، تلقینی برای یکسال بعد، به ایشان تحمیل نمود.

امروز از این طریقه استفاده های بزرگ و زیادی می نمایند، مخصوصاً برای ترك عادات بد مانند ترك الكل، ترياك، سيگار و غيره، از تلقین برای آتیه نتایج خوبی می گیرند و یا کودکانی که مبتلا به عادات بد بوده و علاقه به درس نشان نمی دهند بدین ترتیب، تربیت کرده و صاعی و کاری نمایند.

خواباندن از فاصله دور

در یک اتاق خلوت بی صدا این آزمایشات را اجرا می نمایند؛ در اتاقی که نیمه تاریک است رفته و چشمان خود را می بندند و با اراده قوی هر کسی را که می خواهند به خواب ببرند، در جلو چشم خود در عالم خیال مجسم می نمایند البته این کار برای اولین دفعه برای هر کس میسر نیست و تمرین زیادی لازم دارد؛ اگر فاصله این شخص از مانیه تیزور چندین فرسنگ هم باشد باز با اراده قوی می توان خوابش کرد.

چنانکه شخصی را در خیال مجسم کردند، شروع به تلقین نموده و بدان هیکل خیالی پاس می دهند و آنرا به خواب می برند، از این امر آزمایشات متعددی به عمل آمده و نتایج خوبی گرفته شده است بعضی از مرتاضین نیز به جای اینکه چشم های خود را ببندند در یک شیشه بلوری حباب مانند نگاه می کنند.

عادت به نگاه در بلور عجایی دارد که بعد از تحقیقات زیاد در این باره باز به جایی نرسیده و قواعد و قوانین آن هنوز مجهول است و چون به حقیقت آن از تظاهراتی که دیده شده پی برده اند لذا در ردیف علوم مثبت شناخته شده و به اسم کریستالومانسی^۵ مشهور است که می توان با نگاه در بلور، آب و یا آینه هر چیز و هر کسی را که بخواهیم مشاهده نماییم.

اصول بیدار کردن

برای معمولینی که اولین بار به خواب رفته اند بهتر است که مدت خواب ایشان بیشتر از نیم ساعت ادامه نیابد ولی وقتی در چندین جلسه، چند بار به خواب رفته باشند می توان چند ساعتی به خواب او ادامه داد.

برای بیدار کردن می توان پاسهای بیداری را انجام داده و گفت « بیدار شو، خواب بس است » که فوراً معمول بیدار می شود؛ برای اینکه معمول از خواب بدون خستگی و ناراحتی بیدار شود تلقینات ذیل را نیز اجرا می دارند « آرام آرام بیدار شوید، در کمال آرامش هستید » چنانکه معمول بیدار نشود آنگاه در چشمان او فوت کرده و دستها را بهم زده می گویند « خواب بس است بیدار شوید » و پاس می دهند.

ممکن است معمول همچنان به خواب ادامه دهد در آن صورت تلقینات را بطور آمرانه اجرا می کنند « بیدار شو، بیدار شو » و چنانکه باز به خواب خود ادامه دهد تلقین می کنند که « از یک تا ده بشمارید و بیدار شوید » معمول نیز شروع به شمردن کرده و با تلفظ عدد ده خود حامل، دستها را محکم بهم می زند و می گوید « بیدار شوید. »

در این موقع حتماً معمول بیدار خواهد شد ولی چنانکه بیدار نشود می گذارید در همین حالت خواب بماند تا به میل خودش پس از مدتی بیدار شود. چنانکه خواستید معمول زودتر بیدار شود باز اصولی چند بکار می برند که اکنون آنها را شرح می دهیم :

ضریات ملایمی به پاشنه های معمول وارد می سازند و امر به بیداری می کنند و در صورت احساس خستگی در معمول با پاس های سریع رفع خستگی می نمایند.

چنانکه باز معمول از خواب بیدار نشود ممکن است طریقه بیدار کردن را از خود ایشان پرسید و با آن اصول او را بیدار نمود.

بیدار نشدن معمول از خواب در نتیجه بد خوابانیدن عامل است، خواب کردن با چراغ های پر نور، کلرفرم و یا صداهای ناگهانی نیز این نتایج را در پی دارند و بدین جهت است که هیپنوتیزم را مضر و خطرناک می دانند.

هر عملی را که عامل بر روی معمول در خواب انجام می دهد، باعث سنگین تر شدن خواب معمول می گردد و هر قدر نیز خواب سنگین شود، طبیعی

است که معمول دیرتر از خواب بیدار خواهد شد. مانیه تیزور نباید در این مواقع دست و پای خود را گم کند بلکه می توان به نام، معمول را خطاب کرده، بیدارش نمود؛ عامل باید با معمول با زبان خوش صحبت کند و در موقع خواباندن نیز بد حوصلگی نشان ندهد زیرا نتیجه تندی و بد حوصلگی عامل باعث بد خوابی و دیر بیدار شدن معمول می گردد، عاملین مجرب بدین جهت تا می توانند از این عادات بد احتراز می نمایند.

خوابهای مختلف در

۸ مانیه تیزم

خواب طبیعی غیر از خواب مانیه تیزم و یا هیپنوتیزم است، اسم خواب که در این علوم ذکر می شود، حالاتی است که شبیه خواب طبیعی بوده و از شباهت این حالات مختلف، به خواب طبیعی استفاده شده و آن ها را خواب می نامند، برای اینکه این خوابها و یا حالات را از همدیگر تشخیص دهیم محتاج شرح می باشیم.



تصویر ۸ - استفاده از خواب مانیتیک

خواب اول

سوگزشتيف

بعد از تحت تاثیر گرفتن و سلب اراده کردن از معمول، خواب سوگزشتيف^۱ حاصل می شود، ممکن است در معمولی این خواب در عرض چند دقیقه بدست آید و یا در دیگری در عرض چند ساعت حاصل شود،

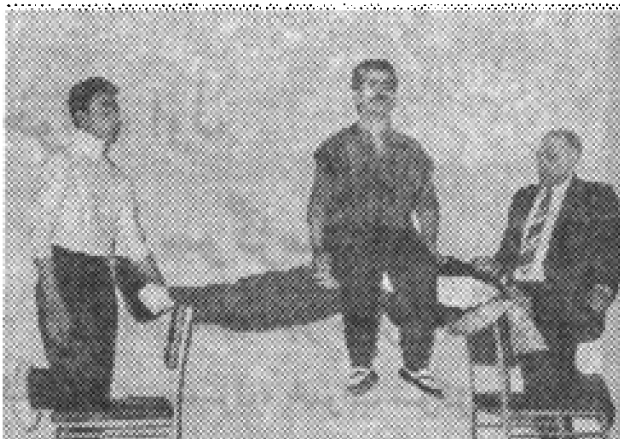
1) Suggestive

بطور کلی در معمولین مختلف در طول زمانهای مختلف حاصل می شود. این خواب، خوابی ملایم است که در آن چشمان معمول باز می باشد، نگاه می کند، می بیند و می تواند با همه صحبت نماید. معمول در این حالت مثل حالت عادی است ولی دارای اراده نمی باشد و اراده او همان اراده شخص عامل است (تصویر ۳-۸ و ۴-۸)، در این خواب هر کاری را که از معمول بخواهند انجام می دهد و نمی تواند مخالفت نشان دهد. در این خواب می توان بدن معمول را بی حس کرده و سوزنی در آن فرو برد یا عادات بد کودکان را ترك داد و بالاخره تداوی روحی نمود.

خواب دوم

کاتالپسی

اگر دست راست را در پیشانی معمولی قرار داده و پاس ها را تکرار نمایند



خواب او سنگین شده، به خواب کاتالپسی می رود؛ در این حالت بدن معمول بی حس است، چنانکه چشمش نیز باز باشد بی حرکت و ثابت می باشد چنانکه چشمان او را با دست ببندند قادر به باز کردن آنها نخواهد بود، یا اگر

تصویر ۲-۸ خشکی بدن در خواب کاتالپسی

دستش را بلند نمایند نمی تواند پایین بیاورد.

در این خواب هر عضوی را که مالش دهند خشک می شود و می توان بدن را مالش داده و خشک نمود (تصویر ۲-۸) و سپس روی دو صندلی گذاشت تا مثل

پل چند ساعت در آن حالت بماند، در حالت کاتالپسی هر قسم حرکتی که به معمول داده شود قبول می کند، چنانکه دستش را گرفته و چند بار بپرخانند همان طور ادامه خواهد داد و قادر به توقف آن نخواهد بود. این خواب چنانکه در خوابهای هیپنوتیزمی نیز نگاشته ایم خوابی علمی و کلاسیک است.

خواب سوم

سمنامبول

چنانکه باز عمل ادامه شود و دست را در پیشانی معمول قرار داده و پاس دهیم، معمول به خواب سوم که حالت سمنامبول است می رود؛ این خواب دارای هفت درجه است که یکی بعد از دیگری سنگین تر می شود، خواب سمنامبول به خواب، خوابگردان^۲ شباهت دارد، در این خواب معمول کاملاً در تحت اراده مانیه تیزور قرار میگیرد و قوای عضلانی، باصره، سامعه و شامه معمول در این حالت بسیار نمو و حساسیت فوق العاده ای پیدا می کند، در حالت سمنامبولی معمول می تواند بدون کمک چشمانش کتاب بخواند و یا جاهایی را که در، دوردست می باشد مشاهده نماید.



تصویر ۲ - ۸ قفل شدن انگشتان

درجه اول

خواب سمنامبول

در این درجه، معمول صداهای خارجی را احساس

نمی کند، تنها عامل را می بیند و حرفهای او را می شنود و هر امری که عامل دهد بدون تخلف و اراده انجام می دهد، چنانکه عامل بخواهد معمول را با دیگران ارتباط دهد چندین طریقه موجود است، یکی آنکه دستش را روی گوش معمول می گذارد، دیگر آنکه دستش را به مولد صدا اتصال می دهد که در این موقع معمول صداهای خارجی را می شنود، دیگر اینکه این ارتباط با نگاه پر اراده عامل به مولد صدا و یا گوشهای معمول حاصل می شود.

درجه دوم

خواب سمنامبول

در این درجه خواب اگر عامل دستش را به دست معمول دهد و سوزنی به بدن عامل بزنند معمول آن را حس می نماید، چنانکه آتشی نزدیک بدن عامل نمایند معمول در همان نقطه بدنش احساس حرارت می کند، می توان در این حالت دست بیماری را به دست معمول داد تا بیماری جزئی او را تشخیص دهد که همین نتیجه را نیز می توان از لباس بیماری که تازه کنده شده است گرفت یعنی بجای خود بیمار لباس او را به دست شخص خوابیده داد تا بیماری را تشخیص دهد.

درجه سوم

خواب سمنامبول

در این حالت بدون اتصال، معمول تشخیص بیماری کرده و معالجه آن را می گوید و کاملاً روشن بین می باشد، چنانکه به بدن عامل سوزنی فرو کنند معمول آنرا حس می کند و می توان در این حالت معمول را با همه کس ارتباط داد.

درجه چهارم

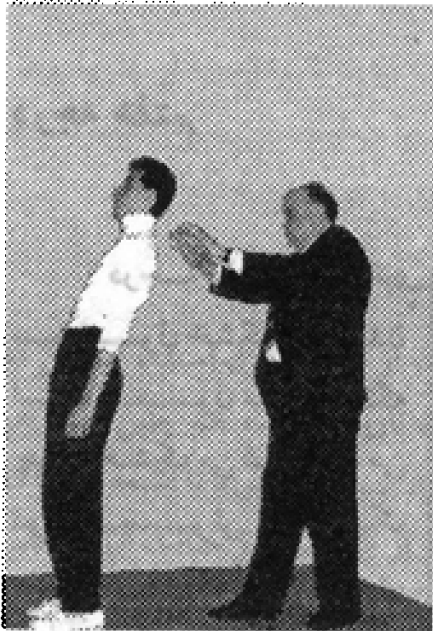
خواب سمنامبول

در این حالت معمول با چشم بسته همه چیز را مشاهده می نماید و احساساتش بیدار و هر مسئله مشکلی را حل می نماید و بیماریها را تشخیص داده و نسخه آنرا می نویسد، یا راه علاجش را می گوید، چنانکه نامه تازه رسیده ای را به دست معمول دهند بدون اینکه پاکت را باز کند، نامه را خوانده و تاریخ و تمام اطلاعات راجع به نویسنده را می گوید.

درجه پنجم

خواب سمنامبول

در این درجه خواب، معمول کاملاً روشن بین بوده و چشمهایش نیز باز است و از همه حیث به روشن بینی معمول افزوده می شود، صداهای دور را در این حالت می شنود و حرکات دور را می بیند و رنگ های مثبت و منفی مغناطیسی را تشخیص می دهد، برای این عمل بهتر است که معمول را در اتاق تاریکی بخوابانید.



تصویر ۲-۸ کشیدن معمول به عقب

بعضی اظهار می دارند که صوت نیز دارای قوای مثبت و منفی است و هر چیز مختلف را از حیث قوه مغناطیسی دارای رنگ و اثری خاص می دانند، عده ای از مانیه تیزورها در این خواب تجربیاتی به عمل آورده و نتایج خوبی بدست آورده اند.

درجه ششم

خواب سمنامبول

این درجه از خوابهای قبلی سنگین تر بوده و معرف حالت طبیعی معمول است در این خواب اگر عامل حالت خشم بخود گیرد، معمول عصبانی می شود و بر عکس اگر حالت شادی بخود گیرد، معمول خندان می شود، این درجه را حالت خلطه نیز می گویند و چنانکه معمول شخصی متدین باشد اعمال دینی را انجام می دهد و اگر شخص عیاشی باشد می رقصد و می خندد، در این حالت می توان با دو انگشت ابهام چشمهای باز او را بسته و به خواب درجه پنجم برد (تصویر ۵-۸) و پرسید که چه فکری می کرده است.

درجه هفتم

خواب سمنامبول



درجه هفتم خواب سمنامبول خشکی تمام بدن است، معمول مثل یک تکه چوب خشک می شود که می توان سرش را روی یک صندلی و پاهایش را روی صندلی دیگری قرار داد، و می توان معمول را مثل پل چند

تصویر ۵-۸ تبدیل خواب ششم به پنجم

ساعت همین طور باقی گذاشت، بدون اینکه آسیبی به بدن معمول وارد شود، همچنین می توان روی سینه او رفته و نشست.

خواب چهارم

لتارژی

بعد از خواب سمنامبول و درجات مختلف آن خواب لتارژی است که سنگین تر از خواب سمنامبول است، تلخی و شیرینی را معمول در این حالت احساس نمی کند و هیچ صدای خسارچی را نمی شنود و هر عضوی را که مختصری مالش دهید خشک شده و احساسات معمول بطور کلی مثل مرده است، چنانکه دستش را بلند کرده و رها نمایید همین طور مثل دست مرده به زمین می افتد، در این خواب بدن معمول را می توان برید و یا سوزانید بدون اینکه آنرا حس کند.

خواب پنجم

تجزیه قالب

خواب پنجم عبارت از خروج احساسات از بدن معمول است، محلی که باید در آن معمول را بدین خواب برد بهتر است تاریک باشد، هم چنین چند نفر معمول را نیز به حالت روشن بینی [درجه پنجم، خواب سمنامبول] ببرید تا اشعه ای را که از بدن معمول خارج می شود مشاهده نمایند و از وضعیت و حالت آن شخص مطلع باشند، در خواب پنجم هر قدر خواب سنگین تر شود اشعه مانیه نیزم نیزم تدریجاً از بدن معمول خارج شده در پشت سر او به فاصله چند قدم تشکیل دو ستون نور به رنگهای زرد و آبی را می دهد و هر قدر خواب عمیقتر شود این دو ستون بزرگتر می گردد که می توان آن را تجزیه قالب نام نهاد، اگر در این حالت به بدن معمول سوزنی فرو برند ابداً احساس نخواهد کرد ولی چنانکه،

آن دو ستون را مختصری لمس کنند صدای معمول بلند خواهد شد.

خواب ششم

تخلیه قالب

آخرین خواب مانیه تیزم را تخلیه قالب می نامند، این خواب از همه خوابها سنگین تر است و دو ستون فوق الذکر در این حالت به همدیگر نزدیک تر شده، تشکیل یک انسان تمام، در قالب نور را می دهند که در چشم معمولین روشن بین [درجه پنجم، خواب سنامید] دیده می شود، این مجسمه نوری از هر دیوار محکم و درب بسته ای می گذرد و می توان با تمرین های متعدد به جاهای خیلی دور نیز او را فرستاد، تاکنون نیز عکسهای بی شماری که از این مجسمه برداشته شده است، حاکی از حقیقت این موضوع می باشد.

برای اینکه عاملی، سوزه ای را بدین خوابهای سنگین ببرد اقلاً باید یکسال و بلکه بیشتر با او کار نماید و مرتباً باید هر روز در ساعت معین معمول را خوابانده و خوابش را سنگین تر کند، تا بالاخره بتواند بدون اینکه به خود و معمول فشار وارد آورد یا ضرری بر بنیه اش برساند، معمول را بدین خوابهای سنگین ببرد.

البته این امتحانات باید در هوای خشک و صاف انجام گیرد، تا بهتر بتوان در آن موفق شد که ما در کتابهای بعدی خود راجع بدین موضوع مفصلاً خواهیم پرداخت.

علامت تغییر خواب

برای اینکه بدانیم چه زمانی خواب معمول تغییر پیدا می کند و به خواب

دیگری که سنگین تر از اولی است می رود به طرز تنفس او دقت می نماییم، علامت داخل شدن از خوابی به خواب دیگر آهی بلند و حرکت مختصری است که به معمول روی می دهد.

غیگویی روشن بینی

۹ پیشگویی

در بعضی از معمولین حساس حائتی است که در آن حالت می توانند غیب گویی، روشن بینی و پیشگویی نمایند برای هر یک از اینها، باید معمول را تربیت نمود و با هر معمولی نمی توان غیب گویی و پیشگویی کرد.

ممکن است بعضی از معمولین حتی با تربیت کردن نیز لیاقت رفتن بدین حالت را نداشته باشند، یا ممکن است بدون اینکه شما برای تربیت ایشان زحمتی به خود هموار سازید، ذاتاً غیب گو و روشن بین باشند و در دفعه اول خواب، به موفقیت های بزرگی نائل گردد ولی بیشتر معمولین باید تربیت شده و دوره های مختلف خواب را ببینند تا بدین حالت ها برسند.

در حالت خواب غیب گویی، معمول با چشم بسته همه چیز را مشاهده می کند. اشخاصی مستعد این خواب هستند که، در خواب طبیعی حرف می زنند و عرق می نمایند، و بالاخره در خواب حرکات غیر ارادی دارند، و یا سمنامبول طبیعی هستند، در میان مردم عادی این نوع معمولین را می توان یافت، و با چند دفعه خواب کردن، می توان نیروی او را تدریجاً قوی کرده و استفاده های بزرگی نمود.

چنانکه شخصی را یافتید که شامل حالات فوق الذکر بود، ابتدا او را به خواب می برید، و بعد از سنگین کردن خواب او چند پاس به پیشاتیش از بالا به پایین می دهید، آن گاه از چیزهای آسان و جزئی سوالات را شروع می کنید، اگر

معمول جواب داد قدری سوالات را مشکل تر می نماید، چنانکه در چند جلسه نتوانستید موفقیت حاصل نمایید، بهتر است که معمول را عوض کرده و شخص دیگری را برای خواب کردن انتخاب نمایید.

فرقی که مابین روشن بینی و غیب گویی می باشد، فقط عبارت از این است که در غیب گویی از معمول مسائلی را که خودتان می دانستید، سؤال می کردید و ایشان نیز جواب می دادند ولی در روشن بینی نیروی معنوی معمول قوی شده، مسائلی را که خودتان نمی دانید و یا در صحت آنها مشکوک می باشید، سؤال کرده و پاسخ می گیرید.

برای تربیت معمول بدین امر نیز مثل غیب گویی از سوالات آسان و کوچک گرفته به مسائل مشکل و مهم می پردازید، که در صفحات بعد طریقه تربیت کردن معمولین را برای غیب گویی، روشن بینی و پیش گویی خواهیم نگاشت.

بالاخره چنانکه معمولی توانست غیب گویی کرده و روشن بین باشد، می تواند پیش گویی نیز بکند و این بستگی به کار عامل و مدت زمان تجربیات ایشان بر روی معمول دارد.

بهترین معمول برای پیش‌گویی اشخاصی هستند که، خواب های نزدیک به تعبیر می بینند و بیشتر خوابهای آنان بعد از گذشتن مدتی حقیقتاً واقع می شوند، این مسئله را نیز نمی توان انکار نمود که در میان خوانندگان گرامی شاید، اشخاصی یافت شوند که خوابهای نزدیک به حقیقت دیده و وقوع آنها را نیز مشاهده نموده اند که در علم مانیه نیزم، این مبحث را *حس قبل الوقوع* می نامند.

حس قبل الوقوع

در انسان بعضی مواقع، حالتی تظاهر می نماید که بی جهت انسان شاد و

مخزون می شود، و پس از گذشت مدتی، سبب آن ظاهر می گردد، این حس را حس قبل الوقوع نام می دهند.

بعضی از علمای فن حس قبل الوقوع را قبول کرده و تصدیق می نمایند که چنین حسی در انسان وجود دارد، که در خواب و یا در بیداری انسان را از وقایعی که در آینده وقوع خواهد یافت، باخبر می سازد ولی سبب و منشا آن را نمی دانند و برخی نیز چنین استدلال می کنند، همچنانکه شخص مبتلا به بیماری رماتیسم، از درد پایش به انقلابات هوایی و بارندگی ها پی می برد، عده ای نیز از تأثیرات جوی بر اعصابشان می توانند از وقایعی که در آینده اتفاق خواهد افتاد، باخبر شوند، در نظر ایشان نیروی مغناطیسی کرات و بخارات مختلفه سیالات، با اعصاب رابطه ای نزدیک را دارا هستند و چنانکه گذشت مسمر نیز ابتدا بدان پی برده و اصول خود را بر روی آن استوار کرده بود.

عده ای از علما و مادیون نیز اصلاً منکر حس قبل الوقوع می باشند که بحث در این مسئله از کتاب ما خارج است.

روحانیون و آناتیکه قائل به وجود روح در بدن انسان می باشند، حس قبل الوقوع را از آثار معنوی و روحی دانسته و در حق آن نظریاتی را اظهار می دارند که بعداً در کتابی جداگانه راجع بدان خواهیم پرداخت.

طریقه تربیت معمولین حساس برای

غیب گویی، روشن بینی و پیش گویی

برای تربیت معمول جهت غیب گویی می توانید، پس از به خواب بردن معمول، ساعتی را در پیشانی او قرار داده و سؤال کنید که «ساعت چند است» و اصرار کنید تا جواب صحیح بدهد.

بعد از آن می توانید انگشتان دست را پشت سر او قرار داده و چند انگشت

را باز و بقیه را به بندید و سؤال کنید که «چند انگشتم باز و بسته است» اگر جواب صحیح گرفتید مختصری نیز تمرینات را مشکلتر می‌سازید، چنانکه جواب صحیح ندهد و در همین تمرینات اولیه از جواب دادن عاجز ماند، بهتر است که معمول دیگری را برای همین آزمایشات انتخاب کنید.

اگر معمول به سؤالات فوق جواب صحیح بدهد، می‌توانید تمرینات را مشکل‌تر و غامض‌تر کرده و سؤالات سختی پیرسید، مثلاً می‌گویید «در فلان قریه یا شهر چه چیز مشاهده می‌کنید و در فلان نقطه آن چه چیز واقع شده است» به شرط اینکه خودتان آن نقطه ده یا قریه را دیده باشید، و خوب بشناسید که در آن نقطه و منطقه معین چه چیز واقع شده است، که در این صورت خواهید دانست، جواب معمول در برابر سؤال شما چه اندازه صحت داشته.

یا از معمول می‌پرسید «منزل فلان دوست من در کجا واقع شده، اکنون دوست من به چه کاری مشغول است، فلان کتاب را کجا گذاشته، در منزل ایشان چه اشخاصی هستند و چه کار می‌کنند» بدین ترتیب سؤالات دیگری می‌توانید از معمول پیرسید و جواب بگیرید، چنانکه جوابهای صریح و صحیحی داده باشد، باز می‌توانید سؤالات سخت‌تری از ایشان بنمایید، و نیروی معنوی او را قوی‌تر کرده و آن را تربیت کنید.

قبلاً تفاوت روشن بینی و غیب‌گویی را نگاشتیم، و تکرار آن در اینجا لزومی ندارد، برای تربیت معمول به روشن بینی می‌توانید بدون اینکه به ساعت نگاه کنید آن را در پیشانی او گذاشته و سؤال نمایید «ساعت چند است» بعد از جواب دادن، به ساعت نگاه می‌کنید و به صحت گفتارش پی می‌برید، چنانکه چند بار این عمل را تکرار کردید و جواب‌های صحیحی گرفتید می‌توانید مشق‌های دیگری نیز درباره معمول اجرا دارید تا نیروی معنوی تقویت شود.

مثلاً روی کارت‌های مختلف و متعددی، شماره‌هایی می‌نویسید و به معمول که در خواب سنگینی است می‌گویید: «با انگشت یکی از این کارت‌ها را نشان کن و شماره‌ای که بر آن ثبت شده بخوان» معمول انگشت خود را به

طرف کارت ها پیش می برد و یکی از آنها را نشان داده و شماره ای که در پشت آن ثبت شده است بدون اینکه نگاه کند، با صدای بلند می خواند، چنانکه چند بار تکرار کرده و جواب صحیح گرفتید باز می توانید مشق و تمرینات دیگری را که از این تمرین سخت تر است، درباره معمول اجرا دارید.

اگر معمول توانست به سوالات فوق نیز جواب صحیحی بدهد، می توانید پیرسید: « اکنون فلان شخص در کجاست، چه کاری انجام می دهد و راجع به چه چیز صحبت می کند » البته شما در این موقع اصلاً از وضعیت دوست خود که از معمول حال ایشان را می پرسید بی اطلاع هستید، و بعد از یادداشت کردن گفته های معمول از دوست خود راجع به کارهایی که در آن ساعت معین انجام داده سوال کنید و اگر معمول جواب های صحیحی داده باشد باز می توانید سوالات سختی از او بنمایید، تا روشن بینی او کامل شود.

برای تربیت کردن به پیشگویی نیز همین طور از سوالات آسان گرفته و کم کم آنها را مشکل می نمایید، و از زمان های نزدیک گرفته، به زمان های دور می پردازید تا معمول جهت پیشگویی تربیت شود.

مثلاً به معمول می گوئید « بعد از دو دقیقه فلانی چه کار خواهد کرد؟ » خودتان مواظب آن شخص باشید که بعد از دو دقیقه چه کاری انجام خواهد داد، البته گفته معمول را نباید آن شخص ثالث بشنود، اگر همان کاری را که معمول گفته بود، انجام داد آنوقت سوال دیگری می پرسید: « بعد از یک ساعت در فلان مکان چه اتفاقی رخ خواهد داد » و یا « فردا چه کسی به منزل، مهمان خواهد آمد؟ » از این نوع سوالات از معمول می نمایید، اگر جوابهای صحیح گرفته باشید می توانید باز سوال سخت تری را از معمول پیرسید، بدین ترتیب معمول برای پیشگویی تربیت می شود، آنگاه می توانید استفاده های بزرگی از استعداد حس قبل الوقوع ایشان بنمایید.

ممکن است معمولی بتواند از اول به سوالات شما جواب های صحیحی بدهد و هم چنین ممکن است که زحمات شما را به هدر دهد، در هر صورت با

مشق و تمرین می‌توانید معمول را تربیت نمایید و غیب گو، روشن بین و پیش گو کنید.

پس از کار کردن در این قسمت، از معمولین چیزهای عجیبی خواهید شنید، و به اسراری نهانی پی خواهید برد، و تعجبستان بیشتر خواهد شد بخصوص اگر کریستالومانسی کار کنید، و به بعضی حقایق پی خواهید برد که بطور کلی شخصیت شما را تغییر خواهد داد در اینجا راجع بدین علم مختصراً سطری چند می‌نویسیم تا خوانندگان از این علم نیز اطلاعاتی داشته باشند، چون بیشتر این علوم چنانکه قبلاً نیز گفته شد، کم و بیش به یکدیگر مربوط هستند.

کریستالومانسی

در فتون مکتومه، نگاه کردن به ظرفی پر از آب، یا به بلوری کروی و یا آینه را کریستالومانسی نام می‌دهند که، می‌توان توسط آن، به اسرار نهانی پی برد و گذشته، حال و آینده را در آن مشاهده نمود.

این عمل نوعی احضار ارواح می‌باشد که از قدیم الایام در کتاب‌های تاریخی نوشته شده و داخل در حکایات و نوشته‌ها نیز گردیده است.

این را نیز باید در اینجا یادآور شد که، هم اکنون عده‌ای در شرق و غرب، بدین کار اشتغال داشته، و از کتابهای مختلفه قدیمی استفاده نموده و کارهایشان را مخلوط با حقه‌بازی و شارلاتانی کرده‌اند، و همین امر مسبب شده است که، مردم به کریستالومانسی عقیده‌ای بد پیدا کنند ولی برعکس، این علم نیز یکی از علوم شریفه بوده و نباید بدین ترتیب آن را از نظر دور داشت.

کریستالومانسی در یونان قدیم خیلی رواج داشته است، و با اصول مختلفه آن را اجرا می‌کردند و اسامی مختلفی نیز مانند *ایدرومانسی*^۱، *لقانومانسی*^۲ و *گاتوپترومانسی*^۳ بدان داده بودند که اکنون در زبان ما فقط

1) Hydromancy

2) Iqânôwmânsy

3) Gâtowptromânsy

کریستالومانسی معمول می باشد، اصول دیگری که در یونان قدیم معمول بود همان رسم کردن نقطه سیاهی در روی ناخن انگشتان بود که آنرا *انیخومانسی*^۴ می نامیدند، همچنین نیز در کشور ما عده ای با این علم آشنا بوده و آن را به کار می بندند.

موفقیت در این علم چندان مشکل نبوده فقط لازم است که چشمان انسان عادت به نگاه نماید بطوریکه در عرض چند ساعت مژه نزنند، و چنانکه پیر *ژانت*^۵ می نویسد:

« از هر پنجاه نفر، ده نفر می توانند بطور کامل و در همه حال موفقیت یابند » برای تمرین می توانید، آینه یا کره بلوری را بدست گرفته و در آن نگاه خود را معطوف دارید، البته باید این عملیات در اتاقی که نیمه روشن است و نور خفیفی دارد، انجام گیرد و بهمین جهت نیز ما اوصاف اتاق نیمه روشن را در صفحات بعد خواهیم نگاشت تا خوانندگان عزیز بهتر در مشق و تمرینات خود موفقیت حاصل نمایند.

روی آینه یا بلور کروی باید نور خفیفی بیفتد و برای این منظور بهتر است که دور آینه یا بلور کروی دستان سیاهی کشیده و یا در محفظه کوچکی گذاشته شود تا سطح آنها یک رنگ شده و برق نور در هیچ نقطه ای از آنها مشاهده نگردد.

چون نگاه کردن در بلور یا آینه شخص را به خواب هیپنوتیزی می برد، لذا بهتر است شخصی تلقین کند: « با دقت نگاه کنید، آیا چیزی مشاهده می کنید، حالا خواهید دید، نگاه کنید » که بدین وسیله معمول را از خواب هیپنوتیزی حفظ می نماید، البته باید در این موقع از الفاتی که به انسان خواب می آورد اجتناب کرد و تکرار نمود که: « در کره بلوری اکنون اشکال مختلفی را مشاهده خواهید کرد » و با این اصول ساده می توان در کریستالومانسی موفقیت پیدا نمود.

4) ànyxumànsy

5) Pierre Janet

ابتدا در کره بلوری یا آینه چیزهای بی معنی مشاهده کرده و رنگ های مختلفی دیده خواهد شد، ولی پس از مدتی سطح آینه یا بلور سیاه رنگ و اطرافش کدر می شود و بالاخره در داخل آن سیاهی، خطوط مبهم سفیدی به نظر می رسد که آرام آرام ستاره های سفیدی نیز به آنها اضافه شده و کم کم پس از مدتی انتظار و نگاه کردن در آن، اشکال مختلف رنگی چون انسان، حیوان، درخت و چیزهایی از این قبیل دیده می شوند.

غالباً اتفاقات گذشته و آینده را می توان در آینه و یا بلور کروی مشاهده نمود، عده ای در مرتبه اول موفق به دیدن چیزهایی که خارج از ذهن آنها می باشد، می شوند ولی با تمرین می توان در آن موفقیت کاملی پیدا کرد.

برای این تجربیات لازم نیست که انسان، معمولی را داشته تا با او عمل کند، بلکه خود انسان می تواند به تنهایی مشغول این عملیات گردد فقط باید مواظبت کند تا به خواب نرود، برای این منظور نیز رعایت صبر، متانت، بردباری و نیت، چون اراده در مانیه تیزم دخالت مهمی دارد.

ولی نباید فراموش کرد که، در کریستالومانسی باهستی به تجربیات زیادی دست زده و تطبیقات و ممارست نمایید، تا نگاه کردن بدون مسژه زدن و دیدن اشکال مختلفه در بلور و آینه ممکن گردد.

بطور کلی در اسپیریتمیزم، مانیه تیزم، هیپنوتیزم و کریستالومانسی تجربیات زیادی لازم است تا انسان در آنها موفقیت های شایانی را مشاهده نماید، بهمین جهت با عدم موفقیت در جلسات اولیه، نباید زود میدان را خالی و تجربیات و تمرینات را ترك گفت، بر عکس بهتر است که جلسات متعددی تشکیل داده و مشغول گردید تا در آنها موفق شد.

رویا و خواب

چون در این کتاب راجع به خواب های مصنوعی صحبت کاملی کردیم و در

چند جا تکرار نمودیم که اشخاصیکه خوابهای نزدیک به حقیقت می بینند، برای روشن بینی و پیش گویی استعداد دارند، لذا لازم دانستیم که راجع به رویا و خواب مختصری نیز بنویسیم.

رویا عبارت از مشاهدات روحی است، وقتی که انسان در خواب طبیعی است و از هر چیز بی خبر می باشد، روح آزاد شده و دایره مشاهداتش وسیع می گردد، در آن حالت می تواند، گذشته، حال و آینده را درک کرده و بدانها واقف شود، بالاخره معلومات خود را به طریقی در ذهن انسان تمرکز دهد که، بعد از بیدار شدن، شخص بتواند آنها را به خاطر بیاورد.

از قدیم الایام، به رویا تعبیراتی قائل شده اند، و آن را به رویای صادق و رویای کاذبه تقسیم نموده اند، که بحث در اطراف آنها خارج از موضوع این کتاب است.

درباره رویا عقاید بی شمار است، بعضی می گویند که، رویا در حالتی که بین خواب و بیداری است واقع می شود، و برخی نیز بر آنند که اشخاص سالم هیچگاه بدین حالت دچار نمی گردند، که مجدداً در این موضوع بحث نکرده و آن را به کتابهای بعدی واگذار می نمایم.

اتاق نیمه روشن

بیشتر مشق های مانبه تیزم و کریستالومانسی، در اتاقی که نیمه روشن است، به عمل می آید و داشتن چنین اتاقی برای آن کسیکه می خواهد در این علم وارد عمل شود، لازم می باشد تا در آنجا تمام حرکات روزانه خود را در عرض چند ساعت چون صفحه روزنامه ای از جلوی چشمان خود گذرانده و از افعال بد، خود را سرزنش و توبیخ و به کردار نیک خود که در طی روز انجام داده است فخر نماید.

نگاه به بلور و آئینه نیز در همین اتاق انجام می یابد، و موفقیت با کسانی

است که بتوانند در این اتاق به مشق‌ها و تمرینات روزانه خود، چندین ساعت مشغول گردند.

البته باید اشیا این اتاق خیلی ساده باشد و چیزهاییکه برای مانیه تیزور لازم نیست نباید در آنجا گذاشته شود.

فقط اشیا این اتاق عبارت از یک صندلی یا چهارپایه، اسبابهای تمرین چشم و پرده که در موقع تمرین باید به پنجره اتاق زده شود، تا اتاق نیمه روشن گردد ولی فراموش نشود که، باید قبل از تمرین هوای اتاق خوب تهویه شده و پاک و تمیز باشد.

ما در کتابهای بعدی خود راجع به مشق‌های مانیه تیزم مفصلاً خواهیم نوشت و طریقه استفاده از اتاق نیمه روشن را متذکر خواهیم شد.

نتیجه

۱۰

مغنایس شخصی یا مانیه تیزم، نیرویی است که، مافوق نیروهای دیگر بوده و حاکم بر جهان می باشد، بزرگان دین و مردان مشهور جهان، در هر کشور و در هر عصری که بوده اند، در هر خصوص از آن استفاده کرده اند و چنانکه این نیرو را نداشتند، احراز مقامات فوق بر ایشان تقریباً غیر ممکن بود.

بعضی از بزرگان و پیشوایان دیده شده اند که بدون اینکه اطلاعاتی از این علم داشته باشند به مقامات بزرگی رسیده اند، برخی نیز پی بوجود آن برده و از آن استفاده کرده اند؛ و به همین جهت می توان گفت که باتیان این علم نیز عبارت از همین اشخاص بوده اند.

آنانیکه فطرتاً این نیرو را داشته اند، ندرتاً در هر زمان و مکانی دیده شده اند، ولی بایستی علاوه کرد که، بیشتر مردم هنوز از وجود آن بی اطلاع هستند، و از شنیدن نام مانیه تیزم و هیپنوتیزم خندیده و عاملین آن را استهزاء کرده و می نمایند، ولی باز مانیه تیزورها و اسپیریت ها امیدوارند و به کارهایی که انجام می دهند، ایمان دارند و این را می دانند که، هر علم و دانش در اوایل مورد استهزا مردم قرار گرفته و بعد از سالهای متمادی مقام مهمی را اشغال کرده است.

برای بانوان و مردان یاد گرفتن این علم خیلی لازم است، زیرا می توانند

بدین وسیله کودکان خود را خوب تربیت نمایند، برای جوانان نیز فوائد بیشماری را داراست و در هر شغلی که باشند، می توانند از آن استفاده کنند، و موفقیت یابند. ولی نباید فراموش کرد که، برای یاد گرفتن این علم شرط اول تهذیب اخلاق و تربیت نفس است و اشخاص بی اراده در جامعه بشری عموماً طبقه سوم را تشکیل می دهند، هیچ وقت این افراد نمی توانند مقامات بزرگی را اشغال کرده و کار کنند، طبیعت نمونه های بیشماری به ما نشان داده است و هر کس و هر فردی که دارای اراده قوی بوده، و از طبقه سوم نیز محسوب می شده بالاخره به مقامات عالیّه رسیده است.

نباید اراده را با عناد اشتباه کرد زیرا بر خلاف اراده، عناد نیروی معنوی انسان را متزلزل ساخته و از بین می برد؛ ناپلئون، میرابو، ویکتور هوگو و دیگر آنانکه عالمی را تسخیر خویش کرده اند، و در مدت حیات به آرزوهای خود رسیده اند، تنها وسیله ای که داشته اند، عبارت از متانت و شجاعت و بالاخره اراده ایشان بوده است.

اکنون نیز بزرگان هر کشوری را که، در نظر بگیریم و تاریخچه حیات آنان را از برابر چشمان خود گذرانده و دقیقاً مطالعه نماییم، خواهیم دید، اولین وسیله ای که ایشان را بدین مقامات رسانیده است همانا قوای معنوی ایشان بوده، بزرگان و پیشوایان آینده را نیز غیر ممکن است افراد بی اراده، بی وجدان و بی ایمان تشکیل دهند، همیشه تقدم با اشخاص روشن فکر، دانا و با اراده بوده و بعد از این نیز گوی سبقت را ایشان خواهند ربود.

زندگی را انسان برای سعادت و خوشبختی خود و جامعه بشری می خواهد، سعادت و خوشبختی نیز تنها در زندگانی معنوی خلاصه شده است و برای نیل بدان، تقویت قوای معنوی لازم می باشد، آن لذتی که در زندگانی مادی به انسان روی می دهد، با سعادت نیست، زندگی معنوی دارد، قابل مقایسه نمی باشد، زیرا همیشه از پی لذات دنیوی، اندوهی نیز به انسان روی می آورد، ولی در زندگانی معنوی جز سعادت چیز دیگری را نمی توان تشخیص داد، بهمین

جهت نیز بوده است که همیشه پیغمبران و پیشوایان بشر را به زندگانی معنوی دعوت کرده اند.

پایان

یادداشت‌های توضیحی

(۱) آنتوان (۱۹۱۲ - ۱۸۴۶)

با وجود اینکه کارگری ساده بود، شخصیتی است که در دانش هیپنوتیزم کار کرده و اصولی را برای خواب و تداوی بیماران ابداع کرده است که جنبه مذهبی داشته.

(۲) آنتوانیسم

اصولی که آنتوان برای تداوی بیماران ابداع کرده و به نامش معروف شده است.

(۳) آهن ربا

در زمان مسمر و قبل از ایشان به اشکال مختلف تهیه میکردند و بر روی اعضای بیمار قرار میدادند تا بهبودی یابد، حال نیز انواع و اقسامی از آن در داروخانه‌ها بفروش می‌رسد.

(۴) آیینه گردان

وسیله‌ای برای هیپنوتیزم کردن که در روی میز قرار داده میشود و با معطوف کردن نگاه معمول در آن و چرخاندن آن، خواب مصنوعی ایجاد می‌شود.

(۵) اشیا صدا دار

هیپنوتیزم را بوسیله اشیا و چیزهای که پرخش می‌باشد ایجاد می‌نمایند، هم چنین میتوان این خواب را توسط صدای بسیار بلندی مثل طبل یا منظم مثل تك تك ساعت و یا چیزهای دیگری که کم و بیش صدا دار هستند تولید نمود.

(۶) انیخومانسی

نگاه به ناخن شست و توسط آن پیشگویی کردن.

۷ (ایدرومانسی

با نگاه کردن به آب روان يك چشمه و مشاهده مناظر و تصاویر در آن، پیشگویی می نمودند.

۸ (برنهایم (۱۹۱۷ - ۱۸۴۲)

پی شناس معروف فرانسوی و یکی از موسسین درمانگاه نانسی است که مدتها با مکتب سالیتریه مبارزه علمی داشته و همین امر در پیشرفت خواب مصنوعی موثر واقع شده است.

۹ (برهمن

پیشوای روحانی آیین برهمایی که در هندوستان طرفداران و مریدان زیادی دارد.

۱۰ (بریل، جیمز (۱۸۶۰ - ۱۷۹۵)

ایشان اولین شخصی هستند که هیپنوتیزم را وسیله ایجاد خواب مصنوعی معرفی نمودند و آن را نتیجه نفوذ اراده و تلقین عامل در اعصاب معمول میدانستند که بوسیله نگاه در شینی براق و تلقین خواب این حالت را ایجاد میکرد.

۱۱ (بریدیزم

اصول خواب برید، بانی هیپنوتیزم را بریدیزم نامند.

۱۲ (پوی زگود (۱۸۲۵ - ۱۷۵۱)

یکی از شاگردان مسمر وی در تعقیب عقاید مسمر درباره مانیه تیزم کتابهایی نوشته و منتشر کرده است.

۱۳ (جذبه

در اصطلاح عرفان و تصوف، آنرا کشش غیبی میدانند و عارف و صوفی بدین طریق بسوی حق کشیده شده، از خود بی خبر میشود.

۱۴ (چراغ های پر نور

با چراغ های پر نور و تابش آن بصورت معمول خواب هیپنوتیزمی را ایجاد می نمایند، ممکن است این نور بطور منظم به چشمان معمول انداخته شود یا اینکه بطور ناگهانی در صورت معمول روشن شود، بهمین جهت است که هیپنوتیزم را از نظر این طریق

مضر میدانند.

۱۵) حباب هیپنوتیک

وسیله ای است برای ایجاد حالات هیپنوتیکی که به شکل گوی می باشد، این وسیله از قدیم بین عاملین شناخته شده است.

۱۶) خلصه

حالت بین خواب و بیداری که عارفان در آن حالت کارهای خارق العاده ای انجام می دهند.

۱۷) خوابگردی

راه رفتن در خواب، از جا برخاستن و راه رفتن بهنگام خواب که همان سمنامبولیسم است و سومین حالت از خوابهای مصنوعی است.

۱۸) دلوز

ایشان مبتکر تلقین، بعد از بیداری است، همین موضوع بعدها پایه ای برای تداوی روحی معرفی شد و مسمریسم را بصورت درمانی، علمی توصیف کرد.

۱۹) بیهوشی

ایشان در سال ۱۸۴۵ نخستین روزنامه در مورد علوم مغناطیسی را در فرانسه منتشر کرد و در سال ۱۸۶۱ فوت کرده است، از نظر شناسایی علم مغناطیس ۱۵ سال فعالیت کرده و در نتیجه فعالیت و کوشش ایشان این علوم در سال ۱۸۲۷ مورد توجه فرهنگستان و انجمن علوم فرانسه قرار گرفت و از پیشروان این علم محسوب می گردند.

۲۰) نورویل

شخصیتی است که در توسعه و تحقیق و شناسایی علم هیپنوتیزم فعالیت داشته و پسرانش نیز همین طور پیرو پدر در این دانش کوشیده اند.

۲۱) رنگهای مثبت و منفی

هر جسمی دارای رنگی مشخص است، بعضی از آنها شادی آور بوده و انسان را خوشحال میکند، برخی نیز بر عکس ایجاد ناراحتی می نماید، از نظر مغناطیسی نیز این موضوع صادق است، هر موجی که از هر جسمی ساطع میگردد، در نظر شخص خواب

رفته (سمنامبول)، رنگی از آن مشاهده می‌شود.

(۲۲) ریشه، شارل (۱۹۳۵ - ۱۸۵۰)

پزشک و فیزیولوژیست و استاد دانشگاه پاریس، متخصص الرژی‌ها، کاشف سرم مصنوعیت و برنده جایزه نوبل، کتابهایی با عنوان (انسان گیج) و (جنون بشری) و غیره تألیف کرده است.

(۲۳) ژانت، پیر

گیاه‌شناس و دبیر فلسفه، با آشنایی با ریشه و شارکو در روانشناسی نیز جویای حقیقت شد و کتابهایی بنام معجزات روحی و هیپنوتیزم نوشته است؛ همچنین تحقیقاتی در مورد پاسها، استفاده از نور شدید، ساختمان و طبیعت آن در هیپنوتیزم به عمل آورده است.

(۲۴) سالپتریه

نام مخفی است که موسس آن شارکو بود و از شاگردان ایشان می‌توان پیر ژانت و زیگموند فروید را نام برد که هر دو ایشان بعد از شارکو به ترتیب در تلقین و روانکاوی معروفیت جهانی پیدا کرده‌اند.

(۲۵) سالزبورگ

مرکز فرهنگی اتریش نزدیک به مرز باواریا، شهری است دارای کلیساهای زیبا و کاخ‌های باشکوه و به همین جهت جنبه توریستی را نیز داراست.

(۲۶) سطل مسمر

وسیله‌ای بود که مسمر آن را ابداع کرده و بیماران درون آن می‌نشستند و دست‌های مدافا می‌شدند که به سطل مسمر معروف شده است.

(۲۷) سیال عمومی

سیال به معنای بسیار روان است و موجودی که گرداگرد آن را عدم فرا گرفته و همیشه در حال تغییر و تحول است و از نظر اینکه در همه جا وجود دارد مانند امواج صوت و زمان است که آن را سیال عمومی نام نهاده‌اند.

(۲۸) شارکو (۱۸۹۳ - ۱۸۲۵)

یکی از پزشکان مشهور قرن ۱۹ که تحقیقات زیادی در مورد بیماریهای روانی داشته و موسس مکتب سالاپتیه می باشد.

(۲۹) شوق

آرزومندی و برانگیختن عشق و محبت، رغبت و میل خاطر، شدت عشق و محبت.

(۳۰) صرع

بیماری عصبی است که با از دست دادن ناگهانی شعور، مشخص می شود و با تشنج عضلات همراه است.

(۳۱) حامل

عمل کننده، در علوم مغناطیسی همان خواب کننده می باشد که هیپنوتیزور یا مانیه تیزور نیز نامیده میشود.

(۳۲) فاربا، جوزه کاستودیو (۱۸۱۹ - ۱۷۶۶)

کشیش و راهب پرتغالی که مسافرت های عیدیه ای به مشرق زمین داشت، لباسهای مخصوصی می پوشید و در عمل خواب مصنوعی تجربیاتی انجام داده بود، بطوریکه معروف است نگاه های عمیق ایشان را هاله ای از اسرار می پوشانید و با طرز ویژه ای نیز بیماران را خواب میکرد.

(۳۳) فوکس

در سال ۱۸۴۸ میلادی دو خواهر جوان آلمانی الاصل، مقیم آمریکا با نام خانوادگی فوکس توانستند بطور اتفاقی نخستین بار با بشکن زدن با يك شمع ارتباط حاصل نمایند که نقطه عطفی در تاریخ ارتباط یا احضار ارواح محسوب میشود؛ که یکی از این دو خواهر موسوم به مارگارت (۱۸۹۳ - ۱۸۳۳) بوده است.

(۳۴) کاردک، الان (۱۸۶۹ - ۱۸۰۴)

شخصیتی است که اصول نوین رابطه با ارواح یا احضار ارواح را بنا نهاده است، نام اصلی ایشان هیپولیت دنیزارت ریوای می باشد، بطور خلاصه ایشان اعتقاد داشتند به اینکه بوسیله يك واسطه انسانی ارواح با زندگان ارتباط پیدا میکنند.

(۳۵) کرلینک

آلمانی، در تمرکز قوای دماغی مطالعات گرانیهایی داشته که از نظر دانش مغناطیس اهمیت بیشتری دارد و دستورهایی عملی و پزشکی نیز در کتابهای خود نوشته است.

۳۶ (کریستالومانسی)

با نگاه کردن به گوی بلورین یا آئینه بلورین اشباحی را در آن مشاهده کرده و پیشگویی می کنند.

۳۷ (لائومانسی)

توسط نگاه کردن به ظرفی پر از روغن زیتون و مشاهده اشکالی در آن، پیشگویی می کرده اند.

۳۸ (لیه بو)

پزشک فرانسوی که بیماران خود را مجانی می پذیرفت تا بدین وسیله تجربیات خود را تکمیل نماید، برنهایم با آشنایی ایشان و همکاری وی، درمانگاه نانسو را برای تداوی بیماران و بیماری های مختلف، از طریق خواب مصنوعی روبراه کرد و بالاخره ایشان در تلقین و فواید آن با توجه به مضراتش کار کرده است.

۳۹ (مان)

شخصی است که در راه پیشرفت هیپنوتیزم فعالیت داشته و در تله پاتی و انتقال فکر تجربیاتی داشته است و کتابهای متعددی راجع به اراده و فکر نگاشته و در عکاسی اشباح مردگان نیز زحماتی کشیده است.

۴۰ (مرسلی)

در پیشرفت دانش، طب مغناطیسی بعد از نورویل و ژاکو فعالیت داشته است.

۴۱ (مسمر، فریدیک انتوان) (۱۸۱۵ - ۱۷۳۴)

پزشک آلمانی متولد ایزنانگ، پایه گذار نظریه مغناطیس حیوانی که توسط آن به تداوی بیماران میپرداخت.

۴۲ (مسمریزم)

اصول تداوی روحی و روش مسمر که باین نام خوانده شده است.

(۲۲) معمول

عمل شده، کار شده، در علوم مغناطیسی آن را سوژه نیز می نامند.

(۲۳) مناطق خواب

قسمت هایی از بدن که در برابر حالت هیپنوز حساسیت دارند، چون ریشه چشم ها، قسمت بطن، بند انگشتان و قسمتی از کف دست.

(۲۵) مولفورد

آمریکایی و موجد افکار جدید در تداوی روحی است که در انگستان، آمریکا و فرانسه طرفداران بیشماری داشت و در طب مغناطیسی کار میکرد و اصول تداوی ایشان جنبه مذهبی داشته که می توان آن را ایمان درمانی نیز نام گذاری کرد.

(۲۶) نانسی

درمانگاه معروفی که برنهایم و لیه بود در آن تحقیقات و مطالعات خود را درباره بیماریها و تداوی بیماران با روش خاصی انجام میدادند.

(۲۷) ودا

کتاب مقدس هندوان که کیش هندویی مبتنی بر آن است و دارای سرودهایی است در چهار دفتر که عبارتند از (ریگ ودا، یاجورودا، ساماودا، اثرودا) مشخص می باشد.

(۲۸) هیستری

نام قدیم یکی از بیماریهای عصبی (نوروز) که شامل واکنشهای جانشین سازی، جبران و افتراقی عصبی است، به طور کلی مربوط به بیدار شدن علایم اختلال در اعضای گوناگون بدن است در صورتی که هیچگونه ضایعه عضوی واقعی وجود ندارد.

واژه نامه

فارسی، انگلیسی، فرانسه

F. Avenir (m)		الف
E. Mirror	۷ آینه	۱ آرنج
F. Miroir (m)		E. Elbow
	۸ اتم	F. Coude (m)
E. Atom		۲ آلوسیناسیون
F. Atome (m)		E. Hallucination
	۹ احضار	F. Hallucination
E. Summon		۳ آنتوانیسم
F. Rappei (m)		E. Antoinisme
	۱۰ اختلال	F. Antoinisme (m)
E. Disorder		۴ آنستزی
F. Trouble (m)		E. Anesthesia
	۱۱ اراده	F. Anesthésie
E. Will		۵ آهن ربا
F. Volonté (m)		E. Magnet
	۱۲ ارتباط	F. Aimant (m)
E. Connexion		۶ آینده
E. Communication		E. Future

۲۱ القا	F. Liaison (m)
E. Suggestion	F. Communication (f)
F. Suggestion (f)	۱۳ ارتعاش
۲۲ الکتریسیته	E. Tremble
E. Electricity	F. Tremblement (m)
F. Electricité (f)	۱۴ ادعاج
۲۳ انسان	E. Spirits
E. Human	F. Ames (f)
F. Homme	۱۵ اسپیریت
۲۴ انگشت ابهام	E. Spirit
E. Index finger	F. Spirite (m)
E. Fore finger	۱۶ اسپیریتمیزم
F. Doigt index	E. Spiritism
۲۵ اوپنوس	F. Spiritisme (m)
E. Hupnos	۱۷ استعداد
F. Hupnos	E. Talent
۲۶ ایدرومانسی	F. Capacité (f)
E. Hydromancy	۱۸ استغراق
F. Hydromancie (f)	E. Drowning
ب	F. Plonge
۲۷ بازو	۱۹ اسرارآمیز
E. Arm	E. Mysterious
F. Bras (m)	F. Mystères
۲۸ باصره	۲۰ افسون
E. Sight	E. Incantation
F. Vue (f)	E. Charm
	F. Charme (m)
	F. Incantation (f)

	پ	۲۹ بدون حس
E. Foot		E. Insensitive
F. Pied (m)	۲۸ پا	F. Insensible
		۳۰ برهمن
E. Pass	۲۹ پاس	E. Brahman
F. Passe (f)		F. Brahmane (m)
		۳۱ بریدیزم
E. Heel	۴۰ پاشنه	E. Braidisme
F. Talon (m)		F. Braidisme
		۲۲ بلور
E. Perisprit	۴۱ پریسپری	E. Crystal
F. Perisprit		F. Cristal
		۲۳ بند انگشت
E. Eyelid	۴۲ پلك چشم	E. Phalanx
F. Paupière (f)		F. Lion, Articulation des doigts
		۳۴ بی حس
E. Claw	۴۳ پنجه	رجوع به، بدون حس
F. Griffe (f)		۲۵ بیدار
		E. Awake
E. Forehead	۴۴ پیشانی	F. Éveil (m)
F. Front (m)		۳۶ بیمار
		E. Sick
E. Prediction	۴۵ پیشگویی	F. Malade
F. Vaticination		۳۷ بینی
		E. Nose
		F. Nez (m)

E. Suggestion			
F. Suggestion (f)			ت
	۵۵ تناسل		۴۶ تجزیه
E. Reproduction		E. Analysis	
F. Reproduction (f)		F. Analyse (f)	
	۵۶ تنفس		۴۷ تخلیه
E. Breathing		E. Evacuation	
F. Respiration (f)		F. Evacuation (f)	
	۵۷ توالد		۴۸ تخم چشم
E. Reproduction		E. Eyeball	
F. Reproduction (f)		F. Globe de L'oeil	
			۴۹ تخیل
	ج	E. Imagination	
	۵۸ جابوگر	F. Imagination (f)	
E. Magician			۵۰ نظامرات
F. Magicien		E. Demonstration	
	۵۹ جاذبه زمین	F. Démonstrations	
E. Gravity			۵۱ تعرق
F. Gravité (f)		E. Perspiration	
	۶۰ جذب	F. Suer	
E. Attractive			۵۲ تعریق
F. Attraction (f)		E. Perspire	
	۶۱ جذب	F. Sudation (f)	
E. Rapture			۵۳ تکامل
F. Attrait (m)		E. Evolution	
	۶۲ جوان	F. Perfection (f)	
E. Young			۵۴ تلقین

F. Mouvement

۷۰ حس قبل الوقوع

E. Presentiment

F. Pressentiment (m)

۷۱ حلول

E. Penetration

F. Pénétration (f)

۷۲ حواس

E. Sense

F. Sens (m)

۷۳ حیات

E. Life

F. Vie (f)

F. Vitalité (f)

خ

۷۴ خارق العاده

E. Unusual

E. Supernatural

E. Wonderful

F. Extraordinaire

۷۵ خرافات

E. Superstition

F. Superstitions

۷۶ خشک

E. Dry

F. Sec

۷۷ خلسه

F. Jeune

۶۲ جوهر

E. Essence

F. Essence (f)

چ

۶۳ چشم

E. Eye

F. Oeil (m)

۶۵ چشم بندی

E. Jugglery

F. Escamotage (m)

ح

۶۶ حافظه

E. Memory

F. Mémoire (f)

۶۷ حال

E. Now

F. Présent

۶۸ حباب

E. Bubble

F. Bulle (f)

۶۹ حرکت

E. Motion

E. Movement

F. Bouche (f)

ذ

۸۶ ذائقه

E. Taste

F. Goût (m)

۸۷ ذات

E. Essence

F. Essence (f)

۸۸ ذهن

E. Opinion

F. Mémoire (f)

۸۹ ذایقه

رجوع به، ذائقه

ر

۹۰ ران

E. Thigh

F. Cuisse (f)

۹۱ رخوت

E. Frailty

F. Mollesse (f)

۹۲ رماتیسم

E. Rheumatism

F. Rhumatisme (m)

۹۳ روح

E. Spirit

E. Ecstasy

F. Extase (f)

۷۸ خواب

E. Sleep

F. Sommeil (m)

۷۹ خوابگردی

E. Somnambulation

E. Somnambulism

F. Somnambulisme (m)

۸۰ خواب مصنوعی

رجوع به، سبینوتیزم

۸۱ خون

E. Blood

F. Sang (m)

د

۸۲ درک

E. Perception

F. Entendement (m)

۸۳ دفع

E. Repel

F. Répulsion (f)

۸۴ دوران

E. Circulation

E. Rotation

F. Circulation (f)

۸۵ دمان

E. Mouth

E. Stem
F. Tige (f)
۱۰۱ سامعه
E. Hearing
F. Ouïe (f)
۱۰۲ ستون فقرات
E. Spinal column
F. Colonne vertébrale
۱۰۳ سحر
E. Magic
F. Magie (f)
۱۰۴ سست
E. Feeble
E. Weak
F. Faible
F. Mou ou Mol
۱۰۵ سستی
E. Frailty
E. Asthenia
F. Faiblesse (f)
۱۰۶ سمنامبول
E. Somnambul
F. Somnambule
۱۰۷ سوزده
E. Subject
F. Sujet (m)
۱۰۸ سوگزستیف

E. Soul
E. Ghost
F. Esprit (m)
۹۲ روشن بینی
E. Clear Sightedness
E. Clair Voyance
F. Clairvoyance (f)
۹۵ روبا
E. Vision
F. Vision (f)
۹۶ ریاضیات
E. Mathematics
F. Mathématique (f)
۹۷ ریشه
E. Root
F. Racine (f)
۹۸ ریه
E. Lung
F. Poumon (m)
ز
۹۹ زن
E. Woman
F. Femme (f)
س
۱۰۰ ساقه

E. Enthusiasm
E. Eagerness
F. Enthousiasme (m)

هـ

۱۱۷ صادق (حقیقی)

E. Truthful
F. Sincère

۱۱۸ صرع

E. Epilepsy
F. Epilepsie (f)

۱۱۹ صورت

E. Face
F. Face (f)

ط

۱۲۰ طب

E. Medicine
F. Médecine (f)

۱۲۱ طبیعت

E. Nature
F. Nature (f)

ع

۱۲۲ عرق (بدن)

E. Sweat
E. Perspiration

E. Suggestive
F. Suggestif

۱۰۹ سیال

E. Fluid
F. Fluide

۱۱۰ سینه

E. Breast
F. Poitrine (f)

ش

۱۱۱ شامه

E. Membrane
F. Odorat (m)

۱۱۲ شانه

E. Shoulder
F. Epaule (f)

۱۱۳ شست

E. Thumb
F. Pouce (m)

۱۱۴ شعور

E. Intelligence
E. Common Sense
F. Intelligence (f)

۱۱۵ شکم

E. Belly
F. Ventre (m)

۱۱۶ شوق

F. Paralytie (f)

۱۲۰ فوت

E. Puff

F. Souffle (m)

ق

۱۳۱ قالب

E. Mould

F. Moule (m)

۱۳۲ قانون

E. Law

E. Statute

F. Loi (f)

۱۳۳ قطب مغناطیسی

E. Magnetic Pole

F. Pole Magnétique

۱۳۴ قلب

E. Heart

F. Coeur (m)

۱۳۵ قوه سامعه

E. Sense

F. Ouïe (f)

ک

۱۳۶ کاتالپسی

E. Catalepsy

F. Catalepsie (f)

F. Suée

F. Sueur (f)

۱۲۳ عقل

E. Intellect

F. Sagesse (f)

F. Raison (f)

غ

۱۲۴ غلاف

E. Sheath

F. Gaine (f)

۱۲۵ غیبگوئی

E. Divination

F. Voyance (f)

ف

۱۲۶ فقیر

E. Pauper

F. Pauvre

۱۲۷ فقیریزم (فقیری)

E. Pauperism

F. Paupérisme (m)

۱۲۸ فکر

E. Thought

F. Pensée (f)

۱۲۹ فلج

E. Paralysis

E. Loin
F. Lombes

۱۴۵ کودک

E. Enfant
E. Baby
F. Infant

ک

۱۴۶ گذشت

E. Past
F. Passé

۱۴۷ کو

E. Throat
F. Gorge (f)

۱۴۸ گوش

E. Ear
F. Oreille (f)

ل

۱۴۹ لب

E. Lip
F. Lèvre (f)

۱۵۰ لتارژی

E. Lethargy
F. Léhargie (f)

۱۵۱ لیز

E. Tremble

۱۳۷ کاذب

E. False
F. Faux

۱۳۸ کالبد

E. Skeleton
E. Mould
F. Corps (m)
F. Moule (m)
F. Forme (f)

۱۳۹ کاینات

E. Universe
E. Beings
F. Lesêtres

۱۴۰ کرخ

E. Benumb
E. Insensitive
F. Insensible
F. Engourdi

۱۴۱ کریستالومانسی

E. Crystallomancy
F. Cristallomancie (f)

۱۴۲ کف دست

E. Palm
F. Paume

۱۴۳ کلرفرم

E. Chloroform
F. Chloroforme (m)

۱۴۴ کمر

E. Ascetic
F. Ascète (m)

۱۶۰ مرد

E. Man
F. Homme (m)

۱۶۱ مرده

E. Dead
F. Mort (f)

۱۶۲ مرکز

E. Centre
F. Centre

۱۶۳ مرگ

E. Death
F. Mort (f)

۱۶۴ مژه

E. Eyelash
F. Cil (m)

۱۶۵ مسمریزم

E. Mesmerism
F. Mesmérisme (m)

۱۶۶ معده

E. Stomach
F. Estomac (m)

۱۶۷ معنوی

E. Spiritual
F. Spirituel

۱۶۸ مغز

F. Frisson (m)

۱۵۲ لمس

E. Touch
F. Toucher

م

۱۵۳ ماده

E. Matter
F. Matière (f)

۱۵۴ مادی

E. Material
F. Matériel

۱۵۵ مالش

E. Rubbing
E. Surub
E. Massage
F. Frotte Ment (m)

۱۵۶ مانیه تیزم

E. Magnetism
F. Magnétisme (m)

۱۵۷ مثبت

E. Positive
F. Positif

۱۵۸ مديوم

E. Medium
F. Médium

۱۵۹ مرتاض

۱۷۶ نیرو
E. Force
F. Force (f)

۱۷۷ نیروی جاذبه
E. Attractive Force
F. Force d'attraction

و
۱۷۸ ودا
E. Veda
F. Védas

۱۷۹ وهم (اوهام)
E. Imagination
F. Imagination (f)

ه
۱۸۰ هوش
E. Intelligence
F. Intelligence (f)

۱۸۱ هیپنوتیزم
E. Hypnotism
E. Hypnosis
F. Hypnotisme (m)
F. Hypnose (f)

۱۸۲ هیستری
E. Hysteria
F. Hystérie (f)

E. Brain
E. Pith
F. Cerveau (m)

۱۶۹ مغناطیس
E. Magnet
F. Magnétisme (m)

۱۷۰ مغناطیس حیوانی
E. Animal Magnetism
F. Magnétisme Animal

۱۷۱ مقدس
E. Holy
F. Saint

۱۷۲ منفی
E. Negative
F. Negatif

ن
۱۷۳ ناخن
E. Nail
F. Ongle (m)

۱۷۴ نبض
E. Pulse
F. Poulse (m)
F. Pulsation (f)

۱۷۵ نوک انگشتان
E. The tip of the finger
F. Bec bout du doigt

۱۸۳ هیستریک

E. Hysteric

F. Hystérique

فهرست راهنمای واژه های انگلیسی

Analysis 46	Charm 20	Electricity 22
Anesthesia 4	Chloroform 143	Enthusiasm 116
Animal magnetis	Circulation 84	Epilepsy 118
170	Clair voyance 94	Essence 63, 87
Antoinisme 3	Claw 43	Evacuation 47
Arm 27	Clear sightedness	Evolution 54
Ascetic 159	94	Eye 64
Asthenia 105	Common sense	Eyeball 48
Atom 8	114	Eyelash 164
Attractive 60	Communication	Eyelid 42
Attractive force	12	
177	Connexion 12	Face 119
Awake 35	Crystal 32	False 137
	Crystallomancy	Feeble 104
	140	Fluid 109
Baby 145		Foot 38
Beings 139	Dead 161	Force 176
Belly 115	Death 163	Fore finger 24
Benumb 140	Demonstration	Fore head 44
Blood 81	50	Frailty 91, 105
Brahman 30	Disorder 10	Future 6
Braidsme 31	Divination 125	
Brain 168	Drowning 18	Ghost 93
Breast 110	Dry 76	Gravity 59
Breathing 56		
Bubble 68	Eagerness 116	Hallucination 2
	Ear 148	Hearing 101
Catalepsy 136	Ecstasy 77	Heart 134
Centre 162	Elbow 1	Heel 40

Holy 171	Membrane 111	57
Human 23	Memory 66	Rheumatism 92
Hupnos 25	Mesmerism 165	Root 97
Hydromancy 26	Mirror 7	Rotation 84
Hypnosis 181	Motion 69	Rubbing 155
Hypnotism 181	Mould 131, 138	
Hysteria 182	Mouth 85	Sense 72, 135
Hysteric 183	Movement 69	Sheath 124
	Mysterious 19	Shoulder 112
Imagination 49, 179	Nail 173	Sick 36
Incantation 20	Nature 121	Sight 28
Index finger 24	Negative 172	Skeleton 138
Infant 145	Nose 37	Sleep 78
Insensitive 29, 140	Now 67	Somnambul 106
Intellect 123	Opinion 88	Somnambulation 79
Intelligence 114, 180		Somnambulism 79
Jugglery 65	Palm 142	Soul 93
Law 132	Paralysis 129	Spinal column 102
Lethargy 150	Pass 39	Spirit 15, 93
Life 73	Past 146	Spiritism 16
Lip 149	Pauper 126	Spirits 14
Loin 144	Pauperism 127	Spiritual 167
Lung 98	Penetration 71	Statute 132
	Perception 82	Stem 100
Magic 103	Perisprit 41	Stomach 166
Magician 58	Perspiration 51, 122	Subject 106
Magnet 5, 169	Perspire 52	Suggestion 21, 54
Magnetic pole 133	Phalanx 33	Suggestive 108
Magnetism 156	Pith 168	Summon 9
Man 160	Positive 157	Supernatural 74
Massage 155	Prediction 45	Superstition 75
Material 154	Presentiment 70	Surub 155
Mathematics 96	Puff 130	Sweat 122
Matter 153	Pulse 174	
Medicine 120	Rapture 61	Talent 17
Medium 158	Repel 83	Taste 86
	Reproduction 55,	The tip of the finger 174

Thigh 90
Thought 128
Throat 147
Thumb 113
Touch 152
Tremble 13
Tremble 151
Truthful 117

Universe 139
Unusual 74

Veda 178
Vision 95

Weak 104
Will 11
Woman 99
Wonderful 74

Young 62

فهرست راهنمای واژه های فرانسه

Aimant (m) 5	94	Essence (f) 63, 87
Ames (f) 14	Coeur (m) 134	Estomac (m) 166
Analyse (f) 46	Colonne vertébrale 102	Evacuation (f) 47
Anesthésie 4	Communication (f) 12	Éveil (m) 35
Antoinisme (m) 3	Corps (m) 138	Extase (f) 77
Ascète (m) 159	Coude (m) 1	Extraordinaire 74
Atome (m) 8	Cristal 32	Face (f) 119
Attraction (f) 60	Cristallomancie (f) 140	Faible 104
Attrait (m) 61	Cuisse (f) 90	Faiblesse (f) 105
Avenir (m) 6	Démonstrations 50	Faux 137
Bec bout du doigt 174	Doigt index 24	Femme (f) 99
Bouche (f) 85	Electricité (f) 22	Fluide 109
Brahmane (m) 30	Enfant 145	Force (f) 176
Braïdisme 31	Engourdi 140	Force d'attraction 177
Bras (m) 27	Entendement (m) 82	Forme (f) 138
Bulle (f) 68	Enthousiasme (m) 116	Frisson (m) 151
Capacité (f) 17	Epaule (f) 112	Front (m) 44
Catalepsie (f) 136	Epilepsie (f) 118	Frottement (m) 155
Centre 162	Escamotage (m) 65	Gaine (f) 124
Cerveau (m) 168	Esprit (m) 93	Globe de l'oeil 48
Charme (m) 20		Gorge (f) 147
Chloroforme (m) 143		Goût (m) 86
Cil (m) 164		Gravité (f) 59
Circulation (f) 84		Griffe (f) 43
Clairvoyance (f)		

Hallucination 2	Médecine (f) 120	Pole magnétique 133
Homme 23	Médium 158	Positif 157
Homme (m) 160	Mémoire (f) 66, 88	Pouce (m) 113
Hupnos 25	Mesmérisme (m) 165	Poulse (m) 174
Hydromancie (f) 26	Miroir (m) 7	Poumon (m) 98
Hypnose (f) 181	Mol 104	Présent 67
Hypnotisme (m) 181	Mollesse (f) 91	Pressentiment (m) 70
Hystérie (f) 182	Mort (f) 161, 163	Pulsation (f) 174
Hystérique 183	Mou 104	
	Moule (m) 131, 138	Racine (f) 97
Incantation (f) 20	Mouvement 69	Raison (f) 123
Insensible 29, 140	Mystères 19	Rappel (m) 9
Intelligence (f) 114, 180	Nature (f) 121	Reproduction (f) 55, 57
Imagination (f) 49, 179	Négatif 172	Répulsion (f) 83
	Nez (m) 37	Respiration (f) 56
Jeune 62		Rhumatisme (m) 92
	Odorat (m) 111	
Léchargie (f) 150	Oeil (m) 64	Sagesse (f) 123
Lesêtres 139	Ongle (m) 173	Saint 171
Lèvre (f) 149	Oreille (f) 148	Sang (m) 81
Liaison (f) 12	Ouïe (f) 101, 135	Sec 76
Lien, Articulation des doigts 33		Sens (m) 72
Loi (f) 132	Paralyse (f) 129	Sincère 117
Lombes 143	Passé 146	Sommeil (m) 78
	Passe (f) 39	Somnambule 106
Magicien 58	Paume (f) 142	Somnambulisme (m) 79
Magie (f) 103	Paupérisme (m) 127	Souffle (m) 130
Magnétisme (m) 156, 169	Paupière (f) 42	Spirite (m) 15
Magnétisme animal 170	Pauvre 126	Spiritisme (m) 16
Malade 36	Pénétration (f) 71	Spirituel 167
Matériel 154	Pensée (f) 128	Sudation (f) 52
Mathématique (f) 96	Perfection (f) 53	Suée 122
Matière (f) 153	Perisprit 41	Suer 51
	Pied (m) 38	Sueur (f) 122
	Plonge 18	Suggestif 108
	Poitrine (f) 110	Suggestion (f) 21,

54

Sujet (m) 106

Superstitions 75

Talon (m) 40

Tige (f) 100

Toucher 152

Tremblement (m)

13

Trouble (m) 10

Vaticination 45

Védas 178

Ventre (m) 115

Vie (f) 73

Vision (f) 95

Vitalité (f) 73

Volonté (f) 11

Voyance (f) 125

Vue (f) 28

فهرست راهنما

الف

- | | | | |
|---------|---------------------|---------|-------------------------------|
| ۸۰ | احضار ارواح | ۶ | الان کاردک |
| ۴۹ - ۵۰ | اختلال حواس | ۵، ۱ | المان |
| ۵۰ | - اختلال ذائقه | ۲ | انتوان |
| ۵۰ | - دخالت در حواس | ۲ | انتوانیسم |
| ۵ | اسپانیا | ۲۱ | آهن ریا |
| ۹، ۷، ۵ | اسپیریت | ۲۱ | آیینه گردان |
| ۵ - ۱۵ | اسپیریتمیزم | ۸۳ - ۸۴ | اتاق نیمه روشن |
| ۶ | - ارتباط با ارواح | | اثرات مانیه تیزم در بدن انسان |
| ۹، ۷، ۵ | - اسپیریت | ۴۱ - ۴۲ | |
| ۵ | - انجمن های روحی | ۴۱ | - بی حسی |
| ۵ | - تحقیقات | ۴۱ | - علائم جذب |
| ۶ | - سحر و جادو | ۴۱ | - علائم دفع |
| ۶ | - شعر و ادبیات | ۴۱ | - سنگین تر شدن خواب معمول |
| ۵ | - کتاب، مجله، رساله | ۴۹ | اجرای اوامر حامل در خواب |
| ۶ - ۱۲ | - مدیوم | ۴۹ | - تلقین |
| ۶ | - نیروی مغناطیسی | ۴۹ | - حالت اول (تأثیرات عمومی) |
| ۲۳ | استعداد خواب | | |
| ۳۷ | اصول برای خواباندن | | |

- اصول بیدار کردن ۶۱، ۶۳، ۶۸ - ۶۱
- بد خوابی ۶۲
- پاسهای بیداری ۶۱
- دیر بیدار شدن معمول ۶۲
- زود بیدار کردن معمول ۶۲
- مدت خواب ۶۱
- اصول خواب ۴۸ - ۴۹
- پاس ۴۸
- تحت تاثیر گرفتن ۴۸
- حالت سوم (تاثیرات عمومی) ۴۹
- عملیات جراحی ۴۹
- اصول خواب کرلیتک ۵۲ - ۵۲
- اصول دکتر ریشه ۵۱ - ۵۲
- اصول دکتر ژ - بوننه ۵۵ - ۵۷
- اصول دکتر لیه بو ۵۲
- اصول کسمان ۵۲ - ۵۴
- اقسام تلقین ۲۹
- اصول ۲۹
- اقسام مدیوم ۱۰ - ۱۲
- تقسیم عمومی و کلی ۱۲
- مادی ۱۲
- معنوی ۱۲
- حلول ارواح ۱۱
- رسام ۱۲
- مدیوم تجسمی ۱۱
- مدیوم نویسنده ۱۱
- انواع ۱۱
- مدیوم های معالج ۱۱
- موسیقی دان ۱۲
- امریکا ۱۳، ۶، ۵
- انتخاب معمول ۲۳
- استثنائات (دیوانگان) ۲۳
- استعداد خواب ۲۳
- علانم ظاهری ۲۳
- انگلستان ۵، ۱
- انیخومانسی ۸۱
- اوپنوس ۱۷
- ایتالیا ۵
- ایدرومانسی ۸۰
- ب**
- بریده، جمیز ۱۷، ۱۴، ۲
- بریدیزم ۱۴
- برنهایم ۵۱، ۱۸، ۲
- برهن ۱۲ - ۱۴
- بی حسی ۲۳، ۴۱
- پ**
- پاریس ۵، ۲

- اشعه مانیه تیزم ۷۱
- - ستون نور ۷۱
- ۷۲ تخلیه قالب (خواب ششم)
- انسان بر قالب نور ۷۲
- تشخیص قطبین ۲۵ - ۳۶
- قطبین مغناطیسی ۲۵
- - بیدار نمودن معمول ۲۵
- - تولید خواب ۲۵
- - قطب مثبت ۲۵
- - قطب منفی ۲۵
- انسان ۲۵
- - نیروی مثبت ۲۵
- - نیروی منفی ۲۵
- جمادات ۲۵
- عمل جذب ۲۶
- عمل دفع ۲۵
- منشا حرکات دست (پاس ها) ۲۶
- نباتات ۲۵
- ۸ - ۱۰ - تظاهرات طبیعی و مدرک
- ارتباط با ارواح ۸
- اصول ارتباط ۸
- - قلم خودنویس ۹
- تبدیل تظاهرات طبیعی به مدرک

- پاس ۲۸، ۳۴
- پاس افقی ۲۸
- پاس ها ۵۹
- پرسیپیری ۹
- پوی زگور ۲
- پیکمان ۵۲

ت

- تاثیرات عمومی ۲۵ - ۴۶
- حالت اول ۴۶
- حالت دوم ۴۶
- حالت سوم ۴۶
- - عملیات جراحی
- تاریخچه ۱ - ۲
- مسمریزم ۲
- سطل مسمر ۲
- آنتوانیسم ۲
- تبدیل خواب طبیعی ۵۸ - ۵۹
- اصول ۵۸
- - طریقه اول ۵۸
- - طریقه دوم ۵۹
- طریقه به حرف آوردن ۵۹
- تبدیل خوابها به یکدیگر ۲۰ - ۲۱
- تجزیه قالب (خواب پنجم) ۷۲ -

- تقویت نیروی مدیومی ۹

تقسیمات خواب در مکتب نانسی

۲۲ - ۲۵

- خواب خیل سبک (حالت اول)

۲۳ - ۲۴

- خواب خیلی سنگین (حالت پنجم،

کاتالپسی) ۲۴

- خواب سبک (حالت دوم) ۲۴

- خواب سنگین (حالت سوم) ۲۴

- خواب سنگین تر (حالت چهارم)

۲۴

- سمنامبول خیلی سبک (حالت ششم)

۲۴

- سمنامبول خیلی سنگین (حالت نهم)

۲۴

- - تلقین برای آینده ۲۴ - ۲۵

- سمنامبول سبک (حالت هفتم)

۲۴

- - آنستزی (بی حسی) ۲۴

- سمنامبول سنگین (حالت هشتم)

۲۴

- - آلوسیناسیون ۲۴

تلقین ۶۹، ۲۲، ۱۴

تلقین برای آتیه ۶۰

- اصول ۶۰

- موارد استفاده ۶۰

تلقین و القا ۲۷ - ۲۹

- اصول ۲۸

- - خود تلقینی ۲۸

- - تلقین رد کرنی ۲۸

- - تلقین قبول کرنی ۲۸

- شارکو ۲۸

- - نانسی ۲۸

تولید خواب ۲۵

چ

چراغهای پر نور ۲۱

ح

حباب هیپنوتیک ۲۱

حرکات دست ۲۴، ۲۹ - ۳۶

- اصول بیدار کردن ۲۸

- اصول برای خواباندن ۳۷

- برای بیدار کردن ۳۶

- - از بالای سر به پائین ۳۷

- - از طرف پا به بالا ۳۷

- برای خواباندن ۳۶

- - با مَس بدن ۳۷

- - بدون مَس بدن ۳۷

- پاس افقی (رفع سردرد) ۲۸

- رفع خستگی معمول ۲۸

- نکات لازم ۲۸-۲۹

حسن قبل الوقوع ۷۶-۷۷

حلول ارواح ۱۱

خ

خلعه ۷۰

خواب سمنامبول ۱۹-۲۰

- اصول به خواب بردن ۲۰

- - مناطق خواب ۲۰

- اصول بیدار کردن ۲۰

- حالت خواب ۲۰

خواب غیبگویی ۷۵

خواب کاتالپسی ۱۹

- اشخاص مستعد ۱۹

- اصول به خواب بردن ۱۹

- اصول بیدار کردن ۱۹

- حالت خواب ۱۹

- حالت کرخ ۱۹

خوابگردان ۶۷

خواب لتارژی ۱۸-۱۹

- اشخاص مستعد ۱۸

- - هیستریک ۱۸

- اصول به خواب بردن ۱۸

- حالت صرعی ۱۸

- - عملیات جراحی ۱۸

- طریقه بیدار کردن ۱۸

خوابهای القایی ۲۷-۲۹

- تلقین ۲۷

- سمنامبول ۲۷

- کاتالپسی ۲۷

- لتارژی ۲۷

خواباندن از فاصله دور ۶۰-۶۱

- اصول ۶۱

- کریستالومانسی ۶۱

- مرتاضین ۶۱

خوابهای مختلف در مانیه تیزم

۶۵-۷۳

خوابهای مخلوط ۱۵ (همچنین

رجوع به، خوابهای مرکب)

خوابهای مرکب ۲۵-۵۰، ۱۵

- تلقین والقا ۲۵

- عملیات جراحی ۲۵

- - اصول ۲۵

- مانیه تیزم ۲۵

- مینوتیزم ۲۵

خود تلقینی ۲۸

ک

درجات مختلف خواب ۱۷-۱۸

- نانسی ۱۸
 - - حالات مختلف ۱۸
 - سالپتریه ۱۸
 - - حالات مختلف ۱۸
 دستورات خواب ۵۱ - ۶۲
 - اصول خواب کرلینک ۵۲ - ۵۲
 - اصول دکتر ریشه ۵۱ - ۵۲
 - اصول دکتر ژ - بونه ۵۵ - ۵۷
 - - حالت ایستاده ۵۵
 - - مالش اعضا ۵۶
 - - معمولین مقاوم ۵۵
 - اصول دکتر لیه بو ۵۲
 - اصول کسمان ۵۳ - ۵۴
 - دستورات خواب موتن ۵۴ - ۵۵
 - - معمولین غیر حساس ۵۵
 - دستور پیکمان ۵۲
 - دستور دکتر برنهایم ۵۱
 - دستور راهب فاربا ۵۲
 دستورات خواب موتن ۵۴ - ۵۵
 دستور پیکمان ۵۲
 دستور خواب ۵۷ - ۵۸
 - اختار و دستور ۵۷ - ۵۸
 - تنبیه ۵۸
 دستور دکتر برنهایم ۵۱
 دستور راهب فاربا ۵۲
- دکتر بود ۱۷
 دکتر ژ - بونه ۵۵
 دکتر لیه بو ۵۲ ، ۲
 دلوز ۲
 دوپرا ۲
 دوپوته ۲
 دورویل ۲۲ ، ۲
- راه های مختلف خواباندن ۱۵ -
 ۱۲
 - بریزم ۱۴
 - تلقین والقا ۱۴
 - خوابهای مرکب (مخلوط) ۱۵
 - سوزده (معمول) ۱۴
 - عامل ۱۴
 - مانیه تیزم ۱۴
 - - حرکات دست ۱۴
 - مسمریزم ۱۴
 - معمول ۱۲
 - هیپنوتیزم ۱۴
 رنگهای مغانطیسی ۶۹
 روح ۹
 روسیه ۵
 روشن بینی ۶۸ - ۶۹

رومیان ۱

رویا و خواب ۸۲ - ۸۲

- رویای صادق ۸۲

- رویای کاذب ۸۲

ریشه، شارل ۵۱، ۳

ژ

ژانت، پیر ۸۱

س

سالمپتیه ۱۸، ۳

سالزبورگ ۲

مطل مسمر ۲

سمنامبول (خواب سوم) ۷۰ -

۶۷

- خوابگردان ۶۷

- درجه اول خواب سمنامبول ۶۸ -

۶۷

- درجه پنجم خواب سمنامبول ۶۹

- رنگهای مغناطیسی ۶۹

- روشن بینی ۶۹

- درجه چهارم خواب سمنامبول ۶۹

- تشخیص بیماری ۶۹

- درجه دوم خواب سمنامبول ۶۸

- تشخیص بیماری ۶۸

- درجه سوم خواب سمنامبول ۶۸

- تشخیص بیماری ۶۸

- روشن بینی ۶۸

- درجه ششم خواب سمنامبول ۷۰

- خلسه ۷۰

- درجه هفتم خواب سمنامبول ۷۰

سوگزیستیف (خواب اول) ۶۶ -

۶۵

سیالات مغناطیسی ۳۹

سیال عمومی ۹

ش

شارکو ۲۸، ۱۸، ۳

شرایط اتاق عملیات ۴۶ - ۴۷

ط

طریقه بیدار کردن ۲۲ - ۲۳

- تلقین ۲۲

- فوت ۲۲

طریقه به حرف آوردن معمول ۶۰ -

۵۹

- اصول ۵۹

- پاس ها ۵۹

طریقه تربیت معمولین حساس ۸۰

- ۷۷

ف

- فاريا ۵۲، ۲
فرانسه ۶، ۵، ۱
فرق مانیه تیزم و هیپنوتیزم ۴۲
۴۲ -
- اعمال هیپنوتیکی ۴۲
- افراد مستعد برای مانیه تیزم ۴۲
- افراد مستعد برای هیپنوتیزم ۴۲
- خوابهای مانیه تیزمی ۴۲
- خوابهای هیپنوتیزمی ۴۲
فرهنگستان باواريا ۲
فقير ۱۲
فقيريزم ۱۲ - ۱۳
- آيين برهمن ها ۱۲
- - ارواح خبيثه ۱۲
- - ارواح طيبه ۱۲
- برهمن ها ۱۲
- شرايط اجرائى عمليات ۱۳
- فقير ۱۲
- ودا، كتاب مقدس ۱۳
فوائد و نتايج مانیه تیزم ۴۲ - ۴۳
- بی حسی ۴۳
- - عمل جراحی ۴۳
- بیماریهای عصبی ۴۳

- پیشگویی (روش) ۷۹
- روشن بینی (روش) ۷۸
- غیبگویی (روش) ۷۷
طريقه تحت تاثیر گرفتن ۴۸ - ۴۷
- اصول ۴۷
- بازگشت به حالت عادى ۴۸

ع

- علامت جذب ۴۱
علامت دفع ۴۱
علامت تغيير خواب ۷۲ - ۷۳
عمل جذب ۳۶
عمل دفع ۳۵
عمل هیپنوتیکی ۲۲

غ

- غیبگویی، روشن بینی، پیشگویی
۸۴ - ۷۵
- افراد مستعد پیشگویی ۷۶
- تفاوت بين روشن بینی و غیبگویی
۷۶
- خواب غیبگویی ۷۵
- - افراد مستعد ۷۵
- - تربیت معمول ۷۵

ک

- ۸۰ گائوپترومانسی
- ۶ کوتیه، تتوفیل

ل

- ۲ لافونتن
- ۷۱ لتارژی (خواب چهارم)
- ۸۰ لقانومانسی
- ۱۷ لیه بو

م

- ۳ مان
- مانیه تیزم ۴۵، ۲۱، ۴۴، ۱۴
- آمز ربا ۳۲
- - قطبین آمز ربا ۳۲
- اراده ۳۲
- فکر ۳۲
- - جذب ۳۲
- - دفع ۳۲
- مراحل به خواب بردن ۳۲-۳۳
- میدان مغناطیسی ۳۲
- - میدان حرارتی ۳۲
- نیروی مغناطیسی ۲۱
- مدت خواب ۶۱

- تربیت اطفال ۴۴

- ترك سیگار ۴۴

- تقویت قوای معنوی ۴۴

- سل درجه سوم ۴۴

- قضات ۴۴

فوکس ۶

ق

- قطب مثبت ۲۵
- قطب منفی ۲۵
- قطبین مغناطیسی ۲۵

ک

- کاتالپسی (خواب دوم) ۶۶-۶۷
- کرایتک ۵۲
- کریستالومانسی ۸۰، ۸۲، ۶۱
- احضار ارواح ۸۰
- اصول ۸۱-۸۲
- انیخومانسی ۸۱
- ایدرومانسی ۸۰
- حقه بازی و شارلاتانی ۸۰
- گائوپترومانسی ۸۰
- لقانومانسی ۸۰
- کسمان ۵۳، ۲۱

مدیوم ۱۲-۶

مرصلی ۲

مزیات مانیه تیزور از دیگران

۲۳-۲۴

- مزیات معنوی ۲۳-۲۴

-- عصمت و عفت ۲۴

-- غلبه بر نفس ۲۳

-- متانت و خوشحرفی ۲۴

- مزیات مادی ۲۴

-- حرکات دست (پاس) ۲۴

-- نگاه مغناطیسی ۲۴

مسمر ۷۷، ۱۴، ۲

مسمریزم ۱۴، ۲

مصریان ۱

معمول ۱۳

معمولین حساس ۲۹-۴۱

- آمار ۴۰

- ازدیاد حساسیت معمول ۴۰

- خواب سمنامبول ۴۰

- سیالات مغناطیسی ۳۹

- طرز تشخیص ۴۰

-- کسمان ۴۱

- مستعدین خواب ۴۰

موتن ۵۴-۵۵

موزه بریتانیا ۱

مولفورد ۲

میزهای متحرک ۸-۶

- اصول حرکت دادن ۷

- حرکت نورانی ۷

- نشانه های حرکت میز ۷

ن

نانسی ۲، ۱۸، ۲۳، ۲۴، ۲۵

نتیجه ۸۷-۸۵

نظریه اسپیریت ها ۱۰-۹

- تظاهرات طبیعی ۱۰

- تظاهرات مدرک ۱۰

- روح ۹

-- پریسپیری ۹

- سیال عمومی ۹

-- آثار ۹

و

واسطه رجوع به مدیوم

وداء، کتاب مقدس ۱۳

وسائل مختلفه خواب کردن ۲۲-

۲۱

- آهن ربا ۲۱

- آینه گردان ۲۱

- چراغ های پر نور ۲۱

- چشم ۲۱

-- تمرینات ۲۲

-- عمل هیپنوتیکی ۲۲

- حباب هیپنوتیک ۲۱

وین ۲

ه

مفدیان ۱

هیپنوتیزم ۴۵، ۱۷ - ۲۵، ۱۴

- اریپنوس (ریشه کلمه) ۱۷

- حقه بازان و شارلاتانها ۱۷

- دکتر برد ۱۷

- لیه بو ۱۷

ی

یونانیان ۱

BLACK DOT

WRITTEN BY
FARYDOOWN FARYVAR



HAKYM NEZAMY PUBLISHING

TEHRAN 1992